اعتماد

سه‌شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۱
۲۲ شوال ۱۴۴۳
۲۴ مه ۲۰۲۲
سال نوزدهم
شماره ۵۲۱۵
۱۲صفحه
۷۰۰۰ تومان

ETEMAD Tue □ 24 May 2022 □ vol.19 □ No. 5215 □ 12 Pages □ 70000 Rials

گزارش «اعتماد» از جشنواره کن ۲۰۲۲

ایرانی‌ها روی فرش قرمز

۶

اندیشه‌های ایوان ایلین، در گفت‌وگو با جواد میری، پژوهشگر علوم اجتماعی

نظریه‌پرداز روح روسی

۷

یادداشت‌های امروز

یاد باد آن روزگاران، یاد باد اسحاق جهانگیری ۲
چگونه شکست انکار می‌شود؟ عباس عبدی ۱
آن شورانگیزِ ناکام! احمد زیدآبادی ۱
خلق امید به جای جعل امید حسین نورانی‌نژاد ۱
وزارت «پول نفت» محمد مهاجری ۱
چهل سال پس از فتح خرمشهر؛ کدام تبیین؟ محمد درودیان ۱
خرمشهر در ۱۰ پرده عباس مدحجی ۱
روز آزادی در خرمشهر مرتضی میرحسینی ۱۲

رییس جمهور وارد مسقط شد

اراده ایران و عمان برای تقویت روابط

دوازده سند همکاری بین ایران و عمان امضا شد

۲

تکرار سناریوی تل‌آویو با به شهادت رساندن سرهنگ خدایی

ترور با هدف تخریب مذاکرات احیای برجام

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح:
ابعاد ترور شهید صیاد خدایی در دست بررسی است

۲و۳

آمارهای تکان‌دهنده معاون سازمان حفاظت محیط زیست

حیوان و گیاه در آتش سوءمدیریت تلف می‌شوند

۱۱

برج «متروپل» در آبادان روی سر اهالی آن منطقه آوار شد

زیر آوار؟

شمار نهایی کشته‌ها و مجروحان هنوز روشن نیست ولی گفته می‌شود حدود ۸۰ نفر زیر آوارند

هشدار برخی از مهندسان: ساختمان متروپل آبادان به افتتاح هم نخواهد رسید

۱۰ محمدامین انصاری/فارس

پیشخوان Pishkhan.com

سلام برآینده

چگونه شکست انکار می‌شود؟

عباس عبدی

روزنامه کیهان با تاکید بر اینکه وضعیت فضای رسانه‌ای باید تغییر کند، نوشت: «آقای سیدابراهیم رییسی حدود ۹ ماه است وسط چنین فضای رسانه‌ای رهاشده‌ای در حال اداره امور کشور است و عملا (نه در حرف) نشان داده می‌شود طی ۸ ماه به اندازه ۸ سال برخی از این مدعیان کار کرد. اما طرفداران «فضای رسانه‌ای بی‌در و پیکر» با استفاده از همین «فضای بی‌در و پیکر»، سیاه را سفید، خوب را بد، باسواد را بی‌سواد و تلخ را شیرین نشان می‌دهند.» بیان چنین مضمونی میان نواصولگرایان تکراری است و اتفاقا کسانی که با فضای مجازی مخالفت بیشتری می‌کنند بیش از اینکه دل‌شان برای دولت و حکومت بسوزد در پی حل مسائل خودشان هستند. آخرین مورد آن یکی از نمایندگان شاخص مجلس است که از یک طرف به شدت علیه فضای مجازی داد سخن می‌داد و از سوی دیگر و به همان شدت مخالف واردات خودرو و حامی وضعیت خودروسازی داخلی است و حتی وضعیت خودروسازی ایران را برای دیگر کشورهای خودروساز رشک‌برانگیز می‌داند. خب! نتیجه چه شد؟ فضای مجازی که آزاد است، دست او را رو کرد که در چندین شرکت مربوط به خودروسازان رییس یا عضو هیات‌مدیره است و از این طریق درآمدهای کلانی دارد و از بانیان اصلی وضع موجود خودروسازی است. صنعتی که موجب انتقاد رهبری نظام هم شده است. بنابر این ریشه مخالفت‌های افراد و جناح‌ها با فضای مجازی شناخته شده است. این متن کیهان نیز درصدد پوشاندن واقعیت دیگری است، زیرا یا راست است یا دروغ؟ اگر دروغ و خلاف واقع باشد که طبعا جایی برای بحث نمی‌ماند ولی اکنون فرض می‌کنیم که راست باشد و قصدشان بیان واقعیت و دفاع از دولت بوده است. در این صورت چه نتیجه‌ای از این متن می‌توان گرفت؟ به عبارت دیگر حقیقت پنهان در لابه‌لای این سطور چیست؟

۱- بدون تردید بیش از ۹۹ درصد یا حتی ۹۹/۹۹ درصد امکانات و بودجه رسانه‌های رسمی کشور را صدا و سیما، کیهان و ده‌ها روزنامه ریز و درشت و خبرگزاری‌های حکومتی و شبه‌حکومتی به طرفداری از وضع موجود به انحصار خود درآورده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

سرشک خامه

آن شورانگیزِ ناکام!

احمد زیدآبادی

دوم خرداد سال ۷۶ یکی از شورانگیزترین روزهای تاریخ معاصر بود که ایرانیان تجربه کردند. اقیانوس مواجی از احساس زندگی، احساس قدرت، احساس تأثیرگذاری، احساس شکوه، احساس ذوق، احساس لذت و احساس امیدِ مردمی که به سمت صندوق‌ها هجوم آورده بودند تا نام سید محمد خاتمی را روی برگه‌های رأی بنویسند، هر ناظرِ حماسی را چنان متلاطم می‌کرد که اشک شوق در حلقه چشمانش می‌نشست. بانگاهی سرد و خشک و عاری از هرگونه رقّت و عاطفه اما همان روز نیز می‌شد پیش‌بینی کرد که آن همه احساسات نیکو و ارزشمند، در برخورد با صخره‌های سخت منازعات بی‌رحمانه سیاسی و کشاکش منفعت‌های ناسازگار و متضاد گروه‌های ذی‌نفوذ، به تدریج می‌ساید و فرسوده می‌شود و فرومی‌نشیند و به احساس ناکامی و بی‌قدرتی و نومیدی و شکست ختم می‌شود. در آن فضای پرشور و هیجان اما این قبیل بدبینی‌ها، حکم خواندن آیه یأس داشت و همچون قارقار شوم کلاغان و مرثیه‌سرایی نحس جغدان به حساب می‌آمد و با تمسخر و تردید و دلخوری و ناباوری پس رانده می‌شد. ماجرا اما به آن سادگی و سهولت نبود که رأی‌دهندگان پنداشته بودند. واقعیت سخت و تقدیر بدسگال به تدریج رخ نمایان کرد و کار بالا گرفت. در کشاکش منازعه هرچند که در برهه‌هایی چشمه امیدی هم فوران می‌کرد، اما در نهایت جنگ مغلوبه شد و طرف غالب نه آن بود که رأی‌دهندگان امید داشتند. چرا چنین شد؟ به نظرم به این دلیل که دوم خرداد رویدادی تماماً «اندیشیده ناشده» بود. هر رویداد اندیشیده ناشده، سرنوشتی معمولاً تراژیک پیدا می‌کند مگر آنکه بخت و شانسی بزرگ به کمکش برخیزد. از قضا دوم خرداد از شانس و بخت هم بی‌بهره نماند، اما بی‌برنامگی و نااندیشیدگی دست‌اندرکاران آن به قدری عمیق بود که شانس‌ها را نیز درنیافت و آنها را حمل بر تهدید علیه خود کرد! باری، عمل بدون اندیشه اگر به فاجعه هم ختم نشود، دست‌کم به بیراهه می‌رود.

ادامه در صفحه ۲

صُور خیال

خلق امید به جای جعل امید

حسین نورانی‌نژاد

ربع قرن از اصلاح‌طلبی دوم خردادی می‌گذرد و این جریان با همه محدودیت‌ها و فشارها، تاثیرات عمیق اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی از خود بر جای گذاشته و کماکان یکی از جریانات اصلی و اصیل کشور محسوب می‌شود. جریانی که می‌توان گفت به لحاظ مواضع کلانی که اتخاذ کرده و گفتمانی که ساخته و به لحاظ تاریخی و نسبتش با منافع ملی، جای درستی ایستاد؛ ولی به درستی پیش نرفت و با توجه به وجه غالب آن که سیاسی است و تاکیدی که بر توسعه سیاسی داشته، نتوانست در سطح قدرت، تغییرات پایدار و مطلوبی را رقم بزند، اما آیا این به معنای پایان اصلاح‌طلبی است؟ به گمان من پاسخ به این پرسش، تک کلمه‌ای نیست. اگر اصلاحات به معنای متعارف آن، یعنی تلاش سیاسی برای ورود به قدرت از طریق انتخابات و سپس ایجاد اصلاحات از بالا باشد، به نظر می‌رسد که این راهبرد در مواجهه با سد نظارت استصوابی به شکست انجامیده است و انعطاف زیادی که این جریان تاکنون برای مصالحه و مفاهمه با این مانع داشته و با نیروهای درجه چندم یا نیابتی خود خواسته آن را دور بزند، ضمن کسب برخی نتایج مثبت مقطعی مانند برجام، ریزش سرمایه اجتماعی خود را در وهله نخست و برخورد حذفی و کم‌هزینه نهادهای قدرت را با توجه به فقدان حمایت مردمی در گام بعد، تجربه کرده است. این یادداشت کوتاه، مجالی برای پاسخ سیاسی به چه باید کرد ندارد و در این باره نظر خود را در مقاله «مطالبه‌گری و انتظار فعال» در سالنامه اعتماد به تفصیل آورده‌ام. اما در اینجا می‌خواهم به موضوعی دیگر بپردازم و آن وضعیت امید به آینده به عنوان یکی از ضروریات تاب‌آوری در شرایط بحرانی است. اینکه چرا امید چندانی در بین بسیاری از نیروها دیده نمی‌شود و عاملیت به انفعال و پرسش از «چه باید کرد» به «چه خواهد شد» انجامیده است. به گمانم، یکی از عوامل این وضعیت، جعل امید به جای خلق امید در میان برخی از ما اصلاح‌طلبان است. سیاست امری نتیجه‌گراست. اما تک‌ساحتی و خطی دیدن این گزاره، نتایج خطرناکی در پی دارد. یکی از مثال‌های این خطر، ارجاع محض امید به نتایج معلوم و کوتاه‌مدت سیاسی است.

ادامه در صفحه ۹

سیاست

وزارت «پول نفت»

محمد مهاجری

۱. تقریبا ۳-۲ روز در میان آقای وزیر نفت یک حرف مشابه را تکرار می‌کند: «نفت می‌فروشیم، خیلی هم می‌فروشیم، پولش را هم می‌گیریم، نقد هم می‌گیریم.» البته در آخرین اظهارنظر او آمده که ۲۰ درصدش را تهاتر می‌کنیم اما بقیه‌اش نقد است.»
۲. رسانه‌های دولت و حامیانش هم ۳-۲ روز در میان یک ترجیع‌بند تکراری دارند که «بگیرید این پست‌ها را از بانیان وضع موجود؛ این رییس جمهور این همه! رای نیاورد که آدم‌های دولت قبل سر کار باشند؛ پست‌ها باید در اختیار تفکر دولت سیزدهم باشد.»
۳. با شناختی که از اکثر دوستانی که از دولت محترم مجیز می‌گویند دارم، به یقین می‌گویم این عزیزان، غصه‌شان این نیست که چرا بانیان وضع موجود سر کارند. دغدغه اصلی این است که چرا ما پست نداریم و حقوق نمی‌گیریم.
لذا یک راه‌حل بسیار ساده و بی‌دردسر را برای حل مشکل موجود پیشنهاد می‌کنم تا هم این جماعت فشارشان را از رییس جمهور بردارند و هم اوضاع این افراد بسامان شود.
۴. اگر حتی همه بانیان وضع موجود از سر راه برداشته شوند و از طریق بازنشستگی، بازخریدی، تنزل پست و... کنار بروند، تعدادشان یک‌دهم مشتاقان پست‌های جدید هم نمی‌رسد. بنابراین راهش این است که علاوه بر بیکار کردن بانیان وضع موجود، از محل درآمدهای نفتی که آقای وزیر نفت، قمپزش را در می‌کند یک وزارتخانه به نام وزارت «پول نفت» دولت درست کنند و به تعداد افرادی که منتظر خدمت به ملت هستند سمت‌های معاون وزیر و مدیرکل تعبیه نمایند.
این وزارتخانه حالا حالاها و دست‌کم تا پایان دولت هشت ساله آقای رییسی، می‌تواند عشاق خدمت را راضی نگه دارد و بانیان وضع موجود آن روز! بعد از آن هم در دولت بعدی همچنان به عشق‌ورزی ادامه دهد.
۵. این پیشنهادم کاملا جدی است اگر می‌خواهید شوخی فرضش کنید خود دانید!

دفاع مقدس

چهل سال پس از فتح خرمشهر؛ کدام تبیین؟

محمد درودیان

پدیده فتح خرمشهر را پس از چهل سال با رویکرد و روش‌های مختلفی می‌توان مورد بازبینی قرار داد که تابع نظام ادراکی متفاوت از موضوع مورد بحث خواهد بود. در این یادداشت با نظر به پژوهش و نگرانی‌هایی که داشته و دارم، به نظرم موضوع مورد بحث را به دو اعتبار می‌توان مورد توجه قرار داد و درباره آن سخن گفت.
۱- فتح خرمشهر به اعتبار زمان، تاریخی شده، زیرا موضوع آن متعلق به نسل انقلاب و جنگ است که به صورت میانگین در دهه ششم یا هفتم زندگی خود قرار دارند. به همین دلیل هم‌اکنون گفت‌وگو درباره حوادث بزرگ تاریخی نظیر جنگ و انقلاب، به چالشِ میان نسلی تبدیل شده است. به این معنا که نسل پیشین بر پایه تجربه تاریخی و هویت‌ساز خود به حوادث و الزامات زندگی نگاه و درباره آن مناقشه می‌کند، در حالی که نسل جدید در گیر شرایط دیگری است و نسبتِ این وضعیت را با گذشته و مناقشه درباره آن، نمی‌تواند به خوبی باز تعریف کند.
۲- فتح خرمشهر، به اعتبار موضوع و مساله، هنوز تاریخی نشده است، زیرا نسل کنونی و آینده در ایران، همچنان با شرایط تاریخی و پیامدهای فرهنگی و راهبردی فتح خرمشهر درگیر و با آن زندگی خواهند کرد. برای این قضاوت، می‌توان چنین استدلال کرد که فتح خرمشهر خطوط اصلی و مشخصه‌های «هویت سیاسی و اجتماعی جامعه ایران» را پس از پیروزی انقلاب ترسیم کرد. چنانکه «توانمندی مدیریت کشور» و «ماهیت قدرت و نقش نیروهای مسلح» را که با پیروزی انقلاب، برای «حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور» در برابر «بحران امنیتی و تجاوز و اشغال» دچار پرسش و تردید شده بود، آشکار کرد. در واقع منطق حاکم بر تداوم حیات نظام سیاسی برآمده از انقلاب در ایران، متاثر از همین تحولات بود که امروز چندان به آن توجه نمی‌شود، در حالی که برای شناخت شاکله و بنیان قدرت جدید در ایران و انتقال آن به نسل آینده، باید تحولات تاریخی را با رویکرد نقادانه و در گفت‌وگوی میان‌نسلی و نه تبلیغاتی مورد بررسی قرار داد...

ادامه در صفحه ۸

یاد

خرمشهر در ۱۰ پرده

عباس مدحجی

یادداشتی به مناسب چهلمین سالروز آزادسازی خرمشهر

سوم خرداد ۱۳۶۱ خرمشهر پس از ۵۷۶ روز اشغال توسط عراق، به دست نیروهای مسلح ایران آزاد شد. فتح خرمشهر که نقطه عطف جنگ بود، بازتاب جهانی داشت و باعث شد عراق با از دست دادن خرمشهر، تکیه‌گاهش را برای مذاکرات از دست بدهد. در خلال ۲۶ روز عملیات بیت‌المقدس حدود ۱۶ هزار نیروی عراقی کشته و زخمی، ۱۹ هزار نفر نیروی عراقی اسیر، ۳ هزار نیروی ایرانی شهید و ۱۲ هزار نفر مجروح شدند. شورای عالی انقلاب فرهنگی این روز را به عنوان «روز مقاومت، ایثار و پیروزی» در تقویم رسمی کشور نام‌گذاری کرد. روزی که هر ساله گرامی داشته می‌شود اما اینک و در آستانه چهلمین سال از آن روز وضعیت خرمشهر چنان است که لفظ «جنگ‌زده» همچنان در توصیفش مصداق دارد. فارغ از تمام حماسه‌سرایی‌ها، جشنواره‌ها و گرامیداشت‌ها ذکر چند نکته در این باره ضروری و لازم‌التوجه است:
یک) چهل سال زمانی کافی و بیش از کافی بود که شهری در حد و اندازه خرمشهر کوبیده و از نو بازسازی شود. در حالی که خرمشهر هم کامل تخریب نشده بود، هم پیش از جنگ، قطبی اقتصادی بود و هم مجهز به منابع و پتانسیل‌هایی بود که در صورت فعال شدن و حمایت و تکیه بر خود می‌توانست در زمانی خیلی کمتر متحول شود. پتانسیل‌هایی که بعد از جنگ هنوز هم نیمه جان فعال بودند اما به‌جای حمایت به تدریج و با برنامه خاموش شدند و اندک امید به تغییر را خاموش کردند.
دو) از آنجا که فتح خرمشهر رویدادی جهانی بود و نام خرمشهر را فراملی کرد، می‌طلبید جمهوری اسلامی برای استمرار افتخار فتح خرمشهر و نمایش توانمندی‌های خود هم که شده خرمشهر را به محلی مدرن، خاطره‌ساز، محبوب و معروف تبدیل کند که این مهم محقق نمی‌شد مگر با عمران اساسی.

ادامه در صفحه ۴

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت‌وگوهای متفاوت
ETEMADONLINE.COM

اعتماد ONLINE

کالای شما را ما معرفی می‌کنیم
سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد
تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵ _ ۶۶۴۲۹۹۷۳

ادامه از صفحه اول

چگونه شکست انکار می‌شود؟

آن اندک روزنامه‌ها و سایت‌های خبری مجوزدار نیز با محدودیت‌های قانونی یا فراقانونی مواجه هستند. در برابر این رسانه‌های رسمی، رسانه‌های غیررسمی شامل بخشی از فضای مجازی و ماهواره‌ها قرار دارند. این متن اذعان می‌کند که رسانه‌های رسمی در برابر فضای مجازی شکست خورده محسوب می‌شوند. آیا جز این است؟ کار این رسانه‌های رسمی از جمله همین روزنامه چیست که همه امکانات و بودجه‌ها را در اختیار دارند ولی در برابر رسانه‌های غیررسمی شکست مطلق خورده‌اند؟

۲- نتیجه دیگر اینکه از نظر نویسنده همه‌چیز در تبلیغات خلاصه می‌شود. این انحراف بزرگی است که رسانه‌ها را به سوی دروغگویی سوق می‌دهد. این رویکرد تبلیغ را معادل حقیقت می‌داند و به واقعیت وقعی نمی‌گذارد. به این معنی که اگر هر دولتی کاری انجام دهد، آن کارها از طرف مردم بدون تبلیغات حس نمی‌شوند و این تبلیغات است که آن را جامی‌اندازد. در واقع عکس این هم هست یعنی دولت‌ها حتی اگر کاری نکنند، به زور تبلیغات می‌توانند مردم را به این باور برسانند که کار و خدمت کرده‌اند. این گزاره به کل نادرست و خیالی است و این را در یادداشت هفته پیش «تبلیغات زدگی؛ بدتر از جن‌زدگی» شرح داده‌ام و تکرار نمی‌کنم. این رویکرد گمان دارد که اگر دیگران را محدود کنند، مردم تبلیغات آنان را باور خواهند کرد؟ این نیز نادرست است. اگر مردم به شما باور داشتند که وضعیت رسانه‌های رسمی شما به اینجا نمی‌رسید.

۳- شاید بدترین نتیجه‌ای که باید از این متن گرفت این است که چه کار کرده‌اید که پس از ۴۳ سال تسلط مطلق و بی‌چون و چرا بر همه نهادهای رسانه‌ای و آموزشی و... مردم چنین شده‌اند که تحت تاثیر «فضای رسانه‌ای بی‌در و پیکر سیاه را سفید، خوب را بد، باسواد را بی‌سواد و تلخ را شیرین می‌بینند» خب! آیا شکستی از این بالاتر وجود دارد؟ با انحصار رسانه‌ای خودتان، مردمی از ایران را به تصویر کشیده‌اید که گویی هر روز ناآگاه‌تر می‌شوند و نه آگاه‌تر. در واقع تصور شما از مردمی که خواهان سلطه بر آنان هستید چنین مردمی است. این متن نشانگر شکست آشکار رسانه‌های رسمی است حتی اگر نخواهید به شکست خود اقرار کنید محدود کردن فضای مجازی نیز دردی از نظام رسانه‌ای رسمی را درمان نخواهد کرد.

آن شورانگیزِ ناکام!

این در حالی است که اندیشه هم سطوح مختلفی دارد و مهم‌ترین و کارسازترین بخش آن نیز سطح میانی یا استراتژیک آن است. اندیشه فلسفی و انتزاعی و تئوریک، بالاترین سطح اندیشه است؛ اما برای عمل و اقدام سیاسی والاترین سطح آن نیست. اندیشه تاکتیکی و روزمره نیز پایین‌ترین سطح اندیشه است، این نیز گرچه ضروری است اما فقط وسیله و ابزاری در خدمت کنشگری سیاسی است. دست‌اندرکاران دوم خرداد از اندیشه تئوریک، بی‌بهره نبودند. شاید در حوزه تاکتیک نیز خرده مهارتی داشتند؛ اما فقدان اندیشه استراتژیک که لاجرم باید در یک استراتژیِ روشن و مدون و منسجم تبلور می‌یافت، در بین آنان کاملاً عیان و آشکار بود. در استراتژی قاعدتاً باید میزان توان و قدرت اثرگذاری هر یک از بازیگران عمده سیاسی و تعارض منافع و جهت‌گیری‌ها و دامنه و جنس کنشگری و روحیه و خصائل آنها تدوین و پیش‌بینی شود. نقاط سازش و مصالحه و کناره‌گیری و عقب‌نشینی و ایستادگی و هزینه‌های مترتب بر هر یک، تعیین و مشخص شود. مختصات زمین بازی در سه عرصه داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی فهمیده و ارزیابی شود. اهداف روشن در قالب نقشه راه برای دستیابی به آنها طراحی شود. تقسیم کار بهینه‌ای بین نیروهای دخیل در اقدام سیاسی تدوین و اعلام شود. نهاد و سازمان هدایت و توجیه کنشگران و نیروهای حامی و پشتیبان تعریف و معرفی شود... نیروهای دخیل در رخداد دوم خرداد در باره هیچکدام از این موضوعات پیشاپیش به درستی و دقت نیندیشیده بودند و بعد از استقرار در نهادهای اجرایی و سپس شهری و تقنینی کشور نیز چنان درگیر مشکلات روزمره و عملیات ایذایی بی‌امان رقیب سیاسی خود شدند که امکان تفکر جدی از آنها سلب شد. از این رو، جنبشی آرام و مسالمت‌آمیز که قرار بود بدون تحمیل هزینه‌ای بر بنیان‌های ملی، راه کشور را به سوی نظمی کثرت‌گرا و عادلانه بگشاید، دچار هرج و مرج کامل شد. سید محمد خاتمی که به عنوان رهبر جریان دوم خرداد شناخته می‌شد، هیچ تعریف و تصور روشنی از جایگاه خود به دست نمی‌داد. او گاه با داعیه رهبری جنبش اصلاحات ظهور می‌کرد و گاه نقش خود را در حد رییس قوه اجرایی کشور در متعارف‌ترین صورت آن فرو می‌کاست. بر همین اساس او جز رهنمودهای کلی، نقشی برای توجیه و رهبری و هدایت کنشگران اصلاح‌جوی خارج از حوزه قدرت رسمی به عهده نگرفت و حتی از رو در رو شدن با آنها پرهیز داشت. نهایتاً هر یک از نیروهای دخیل در ماجرا خود را صاحب اصلی آن معرفی کردند و در عین حال هیچکدام نیز مسوولیت بلبشوی و بی‌نظمی حاکم بر آن را به عهده نگرفتند. در آن آشفته‌بازار هر که هر چه دم دستش رسید به سمت دیگری پرتاب کرد و خاتمی نیز از اصابت آنها در امان نماند. خلاصه کار از هر جهت زار شد. رقیب سیاسی نیز که از همان ابتدا در صدد ناکام گذاشتن این حرکت بود، پس از چند ماه احتیاط و سکوت و بی‌عملی و گیجی ناشی از سنگینی ضربه ۲۰ میلیون رأی منتقد و مخالف، به تدریج به خود آمد و چون سازمان نیروی حریف خود را بی‌نظم و پراکنده و سردرگم دید، آزار و اذیت را آغاز کرد و کار را به نهایت درجه سختی رساند! پس از شکست دوم خرداد و فرونشست گرد و غبارها، متصدیان دوم خرداد علاقه‌ای به آسیب‌شناسی علمی رخداد‌ها از خود نشان ندادند. عمده ناکامی‌ها به پای کارشکنی رقیب نوشته شد چنانکه گویی قرار رقیب بر آن بود که پیش پای‌شان فرش قرمز پهن کند و قدر تش را دو دستی تقدیم آنها کند! واقعیت این است که فقدان فکر استراتژیک، سبب شکست تمام چهره‌ها و حرکت‌های مصلحانه در تاریخ معاصر ایران شده است. از امیر کبیر گرفته تا رهبران انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت و دوم خرداد و پس از آن، همگی از فقدان اندیشه استراتژیک رنج برده‌اند. خلاصه آنکه تقلا برای جایگزین کردن اندیشه‌های انتزاعی و برانگیختگی عواطف و حرکت‌های تاکتیکی و شعارهای شورانگیز و وعده‌های رنگارنگ به جای اندیشه استراتژیک، حاصلش همان است که در تاریخ دویست ساله‌مان تجربه کرده‌ایم و اگر تغییری بنیادین در این روش صورت نگیرد، تا ابد متاعی جز این، نصیب نخواهیم برد.

گزارش روز

رییس جمهور وارد مسقط شد

اراده ایران و عمان برای تقویت روابط

سید ابراهیم رییسی، رییس جمهوری ایران روز گذشته در نخستین سفر رسمی بعد از مرگ سلطان عمان، راهی این کشور شد و در این کشور مورد استقبال سلطان جدید عمان قرار گرفت.

رییسی قبل از سفر به عمان در سخنانی در فرودگاه تاکید کرد: «سفر بنده به عمان در راستای توسعه روابط همسایگی دولت مردمی با کشورهای همسایه و منطقه اهمیت زیادی دارد و در مذاکرات خود توسعه روابط دوجانبه و منطقه‌ای را پیگیری خواهیم کرد.» رییسی در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره اهداف سفر رسمی خود به عمان، با اشاره به اینکه این سفر با دعوت رسمی آقای هیثم بن طارق سلطان محترم عمان انجام می‌شود، گفت: روابط خوبی بین جمهوری اسلامی ایران و کشور دوست، برادر و همسایه عمان وجود دارد. رییس جمهور با بیان اینکه سطح فعلی روابط میان تهران و مسقط برای دو کشور مطلوب نیست، افزود: تصمیم و اراده هر دو کشور ارتقای سطح روابط در حوزه‌های تجارت، حمل و نقل، انرژی، گردشگری و به ویژه گردشگری سلامت است.

رییس جمهور با بیان اینکه دو کشور در حال حاضر نیز در عرصه‌های مختلف همکاری‌های سازنده‌ای دارند، تصریح کرد: نکته محوری قابل توجه در منطقه آن است که گفت‌وگو و همکاری بین کشورهای منطقه امنیت‌آفرین است. حضور نیروهای خارجی و بیگانه در منطقه به هیچ عنوان امنیت‌ساز نیست و حتی می‌تواند امنیت منطقه را مورد تهدید قرار دهد. رییسی اظهار امیدواری کرد که این سفر گامی موثر در راستای تحقق سیاست‌ها و اهداف دولت مردمی برای تقویت و تعمیق روابط سازنده با همسایگان باشد. در حاشیه سفر رییسی به عمان، ۱۲ سند همکاری میان مقامات ارشد دو کشور ایران و عمان در حوزه‌های انرژی، سیاسی، حمل و نقل، همکاری‌های دیپلماتیک، روابط تجاری و اقتصادی، علمی، محیط زیست و ورزشی به امضا رسید. این اسناد توسط وزرای امور خارجه، صنعت، معدن و تجارت، نفت، راه و شهرسازی و رییس سازمان توسعه تجارت کشورمان و همتایان عمانی آنها به امضا رسید. همزمان با سفر سید ابراهیم رییسی به مسقط برخی تحلیلگران عمانی به اهمیت این سفر و تاثیر آن بر روابط تهران و مسقط و همچنین روابط ایران با کشورهای منطقه پرداختند. همزمان با سفر رییسی به عمان، برخی روزنامه‌نگاران و تحلیلگران سیاسی این کشور از روابط عمیق و تاریخی ایران و عمان و نقش مسقط در نزدیک کردن رویکردهای ایران و کشورهای همجوار و همچنین تقویت گفت‌وگو و راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات منطقه‌ای تمجید کردند.

عوض بن سعید باقویر، روزنامه‌نگار و نویسنده سیاسی می‌نویسد: روابط ایران و عمان روابطی تاریخی است و همسایگی دریایی و فعالیت‌های تجاری و روابط برادرانه اسلامی نقش مهمی در حفظ روابط خوب تهران و مسقط داشت. میان این دو کشور هماهنگی‌های سیاسی مداومی در خصوص تمام پرونده‌های منطقه وجود دارد و این امر صلح و ثبات و امنیت را تقویت می‌کند، روابط دو کشور دوست طی دهه‌های اخیر شاهد رشد و پیشرفت در تمامی زمینه‌های اقتصادی و تجاری و گردشگری بوده است و توافق حمل و نقل دریایی اخیر میان تهران و مسقط در راستای تقویت همکاری در زمینه مبادلات تجاری و اقتصادی و سرمایه‌گذاری بود. هماهنگی‌های سیاسی میان سلطنت عمان و جمهوری اسلامی ایران از دهه‌ها پیش مداوم بوده و نقش محوری دیپلماسی عمانی در موضوع پرونده هسته‌ای ایران یکی از بارزترین زمینه‌های همکاری و هماهنگی ایران و عمان است، از نتایج تداوم این همکاری‌های سیاسی، تقویت امنیت و ثبات در منطقه است.

وی تاکید کرد: روابط سلطنت عمان و جمهوری اسلامی ایران نمونه احترام متقابل و مشورت‌های سیاسی و رفتن به سوی روابط بهتر است، سلطنت عمان نقش مثبتی در تقویت صلح و ثبات ایفا کرد و دیپلماسی عمانی طی نیم قرن گذشته نقش مهم و حیاتی داشته است و سلطان قابوس بن سعید، پادشاه فقید این کشور نقش محوری در رسیدن به توافق هسته‌ای ایران داشت. سلطان هیثم بن طارق نیز همین خط مشی و سیاست را در پیش گرفته و به دنبال تقویت روابط میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) است و اکنون تلاش‌های سیاسی فراوانی از سوی مسقط در راستای توقف جنگ یمن و برگزاری گفت‌وگو میان عربستان و ایران در حال انجام است. از سوی دیگر، صالح بن عبدالله البلوشی، نویسنده و سردبیر روزنامه «شؤون عمانیه» می‌نویسد: «روابط ایران و عمان جدید نیست، بلکه این روابط از دهه‌ها پیش وجود داشت و دو کشور در این مدت توانستند همکاری در تمامی زمینه‌ها را تقویت کنند. روابط ایران و عمان توانست در طول دهه‌های طولانی از امنیت و ثبات منطقه محافظت کند و من در اینجا به‌طور ویژه به نقش عمان در مقابله با امتداد جنگ ایران و عراق به خارج از مرزهای دو کشور و نقش این کشور در رسیدن به توافق هسته‌ای و همچنین نقش آن در کاهش تنش‌ها میان تهران و واشنگتن در سال ۲۰۱۹ و کاهش تنش میان آنها در پی ترور سردار قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰ اشاره می‌کنم.» وی در خصوص سفر ابراهیم رییسی، رییس جمهور ایران به مسقط گفت: این اولین سفر رییس جمهور ایرانی به عمان بعد از روی کار آمدن سلطان هیثم بن طارق است و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از نظر سیاسی اکنون تلاش‌های زیادی برای نجات توافق هسته‌ای ایران وجود دارد و این سفر همچنین در راستای تمایل دولت ابراهیم رییسی برای تقویت روابط با کشورهای منطقه است.

سپاه

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح:

ابعاد ترور شهید صیاد خدایی در دست بررسی است

سردار شکارچی، امریکا و رژیم صهیونیستی را کانون برنامه‌ریزی و انجام ترور دانست و گفت: ابعاد ترور شهید خدایی در دست بررسی است و نتیجه اعلام می‌شود.

به گزارش «انتخاب»، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح در حاشیه مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد آزادسازی خرمشهر با بیان اینکه ایران قربانی ترور است و حدود ۱۷ هزار نفر از مردم کشورمان از سوی دشمنان ترور شدند، گفت: ترور روز گذشته در تهران نشان می‌دهد ادعایی که امریکایی‌ها و متحدان آنها در خصوص حقوق بشر دارند، کذب است؛ ابعاد این ترور در دست بررسی است و نیروهای امنیتی کشور این موضوع را دنبال می‌کنند؛ نتیجه بررسی‌ها هم متعاقبا اعلام خواهد شد. سردار شکارچی همچنین در خصوص حمله موشکی ایران به مقر رژیم صهیونیستی در اربیل عراق و بیانیه سپاه مبنی بر پاسخ شدید ایران به اقدامات اسراییل گفت: رژیم صهیونیستی این را تجربه کرده که هر گاه مواجهه مستقیم با ما داشته باشد، بدون اینکه چیزی را پنهان کنیم، خیلی شفاف اعلام می‌کنیم.

عصر دیروز مدافع سرافراز حرم سرهنگ پاسدار حسن صیاد خدایی در یکی از کوچه‌های منتهی به خیابان مجاهدین اسلام در تهران ترور شد و به شهادت رسید. این حمله با واکنش‌هایی از سوی رسانه‌های رژیم صهیونیستی نیز روبه‌رو شد به نحوی که شبکه خبری «نیوز وان» رژیم صهیونیستی، با اشاره به ترور شهید صیاد خدایی، از اعلام حالت آماده‌باش در سفارتخانه‌های این رژیم در جهان خبر داد. در واکنش به حادثه تروریستی عصر روز گذشته که منجر به شهادت سرهنگ پاسدار حسن صیاد خدایی شد، یک مقام ایرانی به الجزیره گفت: «ترور سرهنگ پاسدار صیاد خدایی، عبور از خطوط قرمز است که موجب تغییرات اساسی در معادله درگیری می‌شود. گروهی که مسوولیت ترور این شهید را به عهده دارد، بهای سنگینی خواهد پرداخت.» سردار رمضان شریف، سخنگوی سپاه نیز با تاکید بر اینکه اراذل و اوباش و تفاله‌های گروه‌های تروریستی وابسته به استکبار و صهیونیسم جهانی به سزای عمل جنایتکارانه خود خواهند رسید، تاکید کرد: شهادت سردار خدایی عزم پاسداران انقلاب برای دفاع از امنیت، استقلال و منافع ملی و مقابله با دشمنان ملت ایران را مستحکم‌تر می‌سازد. به گزارش ایسنا به نقل از سپاه نیوز، سردار سرتیپ دوم پاسدار رمضان شریف سخنگو و مسوول روابط عمومی کل سپاه در واکنش به جنایت تروریستی عصر روز گذشته عوامل استکبار و صهیونیسم جهانی، ضمن تبریک و تسلیت شهادت سردار رشید اسلام صیاد خدایی به محضر رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، خانواده معظم و آحاد هم‌رزمان شهید عزیز در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جبهه دفاع از حرم اهل بیت(ع) گفت: این شهید گرانقدر عمر خود را در مجاهدت برای حضور در صحنه‌های نیاز کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و صیانت از استقلال و امنیت ملت و میهن عزیزمان سپری کرد و سرانجام در اوج مظلومیت هدف کینه‌اجیر شدگان سرویس‌های اطلاعاتی نظام سلطه و صهیونیسم جهانی قرار گرفت. وی افزود: قطعا دشمن با ارتکاب اعمال جنایتکارانه علیه ملت ایران و امت اسلامی به ویژه مجاهدان و رزمندگان دلاور و پیشتاز حاضر در میدان امنیت، راه به جایی نخواهد برد و شهادت سردار سرافراز صیاد خدایی، عزم و اراده پاسداران انقلاب در صیانت از امنیت و اقتدار ملی و مقابله قاطع با دشمنان این سرزمین به ویژه رژیم تروریستی امریکا و رژیم جعلی، جنایتکار و موقتی صهیونیستی را مستحکم‌تر می‌سازد.

یادبود

دزفول، پایتخت مقاومت ایران

دزفول قهرمان، شهر موشک‌ها و توپ‌ها و به قول عراقی‌ها «بلد الصواریخ» در طول سال‌های دفاع مقدس صدها بار مورد هجوم و دشمنی حزب بعث عراق و ارتش اشغالگر او قرار گرفت و در طول ۲۷۰۰ روز مقاومت، ۲۶۰۰ شهید، ۴۰۰۰ جانبار، ۴۵۴ آزاده و ۱۴۷ مفقودالاثر تقدیم اسلام و آرمان‌های حضرت امام نمود. بررسی عمق دشمنی و نفرت رژیم بعث عراق با این شهر کوچک و مذهبی اگر چه موضوع این نوشتار نیست؛ اما واقعیت‌های تلخ و شیرینی را پیش روی محققین و کارشناسان امور نظامی و هنر پایداری می‌گذارد که بخشی از تاریخ مقاومت ناگفته مردم دلیر ایران در آن نهفته است. دزفول در طول جنگ، ۱۷۶ بار توسط موشک، ۴۸۹ بار توسط بمب و راکت و ۲۵۰۰ بار توسط توپ مورد حمله قرار گرفت که از این رهگذر ۱۹ هزار و پانصد واحد مسکونی، اداری و آموزشی این شهر ویران شد. آنچه که این شهر را شهری افسانه‌ای در مقاومت و پایداری نشان داده است، جاری و ساری بودن جریان زندگی در زیر انواع تهدیدات و حملات بوده است. به‌طوری که شهادت عروس و دامادی در حجله، شهادت بیش از ۸۰ نفر در یکی از خیابان‌های شهر و شهادت دسته جمعی اعضای چند خانوار در یک حمله موشکی، شهادت ۱۳ نوجوان بسیجی در یک مسجد، نمونه‌هایی از این حضور بی‌وقفه است. در روز ۳۱ شهریور ماه دشمن برای تسخیر شهرهای دزفول و اهواز، دو معبر «فکه- دو سلک- پل نادری- دزفول» و «شرهانی- عین خوش- پل نادری- دزفول» را در طرح مانور خود انتخاب کرد. دو لشکر ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی موظف بودند با عبور از رودخانه کرخه، اهواز را از شمال و دزفول را از جنوب محاصره و تصرف کنند. اگر چه این دو لشکر ظرف سه روز خود را تا کنار رودخانه کرخه رساندند و تمام این منطقه را به تصرف خود درآوردند ولی به دلایل مختلف از جمله مقاومت‌های مردمی از ادامه حرکت و تصرف دزفول باز ماندند. اشغال دزفول یکی از مهم‌ترین اهداف طرح کلی رژیم بعث بود که خوزستان را از ایران جدا می‌کرد. این موضوع بارها در بیانیه‌های ارتش بعث و سخنان فرماندهان آن آمده است. حماسه حضور یکپارچه مردم خداجوی دزفول نه تنها در خلق «خونین‌ترین مقاومت مردمی» در طول جنگ مردم این دیار را توجهی جهانی بخشید، بلکه نقش موثر و بی‌بدیل آنها در پشتیبانی رزم تمام نیروهای مستقر در این منطقه در خلق حماسه رزمندگان در جبهه‌های جنگ در ضمیر رزمندگان غیر خوزستانی نیز ماندگار شد. علاوه بر آن تنها شهری بود که لشکری «لشکر ۷ ولی عصر(عج)» را اداره می‌کرد و حضور فعال و موثر خود را از جنوب تا غرب کشور نیز به نمایش گذاشته بود. پس از عملیات پیروزمندانه فتح‌المبین و دور شدن شهر از تهدید اشغال و قطع حملات توپخانه‌ای، دشمن به منظور انتقام‌گیری از مردم، بر حجم حملات موشکی خود به دزفول افزود. یکی از دلایل محرز مقاومت مردم دزفول وجود روحانی برجسته و فقیهی مجاهد همچون حضرت آیت‌الله قاضی دزفولی امام جمعه دزفول می‌باشد. همه او را امام شهر می‌دانستند، پیشینه سلحشوری و بی‌باکی‌اش در مقابل رژیم ستم از او اسطوره‌ای بومی پدید آورده و تمام نگاه‌های تردیدآور به روحانیت این منطقه را به بهای از دست دادن چشم‌هایش در ساواک، تغییر داده بود. اینک که در این دیار جنگی رخ داده و دشمن اراده کرده بود تا دزفول را به اشغال درآورد، این پیرمرد خسته و رنجور، مردم را دعوت می‌کرد تا در شهر باقی بمانند: هم برای مقابله با خواست دشمن و هم برای حمایت از نیروهای رزمنده‌ای که از سراسر کشور به دور شهر اردو زده بودند. وقتی جوانان شهر را به جبهه می‌فرستاد خودش با لباس بسیجی تا پادگان کرخه آنها را همراهی می‌کرد. هنگامی قرار شد پیامی از رادیو از او برای رزمندگان پخش شود، مخالفت کرد و گفت: چرا پیام، خودم حضوری به خدمت‌شان می‌روم، آنها فرشتگانی هستند که اینک لباس خاکی پوشیده‌اند؛ بعد با تنی خسته عصازنان نه تنها در بین رزمندگان دزفولی و خوزستانی که به تک تک اردوگاه‌های رزمندگان دیگر شهرها در اطراف دزفول می‌رفت و نماز را در بین آنها می‌خواند. آیت‌الله قاضی اصرار زیادی داشت که حتی در سخت‌ترین شرایط و هنگام موشکباران شهر، نماز جمعه را ترک نکند، معتقد بود انعکاس این خبر، اراده دشمن را سست می‌کند. دزفول که به سبب مقاومت هشت ساله خود در برابر هجوم موشک‌ها و توپ‌ها و خمپاره‌های دشمن بعثی به اسطوره مقاومت مردمی در جنگ مشهور است و لوح زرینی نیز در ۴ خردادسال ۱۳۶۶ از مردم ایران دریافت کرد و در طول جنگ ایران و عراق آسیب‌های زیادی دید، اما هرگز کسی قامت خم شده او را ندید و حسرت یک آه را برای همیشه بر دل دشمن نهاد. امام خمینی(ره) به پاس پایداری مردم این شهر در همان سال‌ها فرموده‌اند: شما دزفولی‌ها امتحان دادید و از این امتحان خوب بیرون آمدید. شما دین خود را به اسلام ادا کردید.

نگاه روز

یاد باد آن روزگاران یاد باد

اسحاق جهانگیری

سالگرد دوم خرداد و سرآغاز دولت اصلاحات است؛ دولتی که بهترین عملکرد اقتصادی را در میان دولت‌های چهل سال اخیر داشت. هر چند ربع قرن از آن روز می‌گذرد، اما تجربه دوران اصلاحات و دوم خرداد هنوز هم برای جامعه و دولتمردان امروز می‌تواند راهگشا باشد؛ دولتی که تنش‌های خارجی را به حداقل رساند، در عرصه‌های فرهنگی و علمی امکان بروز خلاقیت و شکوفایی را به جوانان داد، سطح مشارکت آحاد و گروه‌های اجتماعی را در توسعه کشور بالا برد و اقتصاد را به خوبی سامان داد. این دولت برنامه سوم را که به عنوان برنامه اصلاح ساختاری نام گرفت، تدوین، تصویب و اجرا کرد که شاخص‌های عملکرد آن در میان همه برنامه‌های توسعه بسیار درخشان است. خاطرم هست که در سال ۸۱، زمانی که ارز چندنرخی بود و فاصله ارز ترجیحی با ارز آزاد بسیار زیاد بود، دولت اصلاحات در اقدامی سنجیده ارز را با کمترین تلاطمات اقتصادی و اجتماعی، تک‌نرخی کرد. دولت اصلاحات به چند دلیل مهم توانست این اقدام و دیگر اقدامات اقتصادی بزرگ را انجام دهد: اول آنکه مردم امیدوار به آینده بودند و دولت برآمده از رای مردم سرمایه اجتماعی بالا داشت. همین سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به دولت و همراهی همه نهادها و جریانات سیاسی همسو و رقیب و حمایت‌های رهبری، این فضا را فراهم کرد که دولت بدون هیچ تنشی و حتی بدون آنکه نیاز به پرداخت یارانه باشد، ارز را تک‌نرخی کند. دوم آنکه روابط ایران با کشورهای خارجی در آن روزگار باثبات بود و روابط تجاری رونق فراوانی داشت که همین امر به اصلاحات و توسعه اقتصادی در کشور کمک کرد. سوم آنکه تا جای امکان به نخبگان و متخصصان اهمیت و اعتبار داد و اجازه نمی‌داد که افراد بی‌تخصص در مناسب مهم به کار گرفته شوند. چهارم آنکه جوانب هر تصمیم مهمی به خوبی دیده می‌شد و نکات مثبت و منفی تجربه دولت‌های قبل در این زمینه مورد توجه قرار گرفت. پیشرفت اقتصادی آن سال‌ها را مدیون این شرایطی بودیم که دولت اصلاحات رقم زد. امروز هم اگر چه شرایط تحریم، مشکلات اقتصادی را تشدید کرده است، اما هنوز هم می‌توان از تجربه آن سال‌ها بهره گرفت. یاد باد آن روزگاران یاد باد

خبر

گرامی مقدم در گفت‌وگو با ایلنا:

امکان تکرار حماسه دوم خرداد هنوز وجود دارد

ایلنا | قائم‌مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی گفت: بعد از حماسه دوم خرداد، اصلاح‌طلبان نتوانستند مناسبات سیاسی خود را با حاکمیت هماهنگ کنند و جریان‌های حاشیه‌ای روشنفکرانه و دگراندیشانه روی حرکت اصلاح‌طلبی سایه انداخت. اسماعیل گرامی مقدم، قائم‌مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی در پاسخ به این سوال که چه عواملی باعث شد تا دوم خرداد ۱۳۷۶ اتفاق بیفتد، گفت: اتفاقی که دوم خرداد ۷۶ را تبدیل به حماسه کرد، غیرقابل پیش‌بینی بودن این حادثه بود. یعنی تصور همه جامعه و دستگاه‌ها این بود که زمینه برای انتخاب کاندیدای دیگر برای ریاست جمهوری فراهم شده است اما مردم با آرای بسیار بالا، فرد دیگری را به عنوان رییس جمهور انتخاب کردند. اگر این اتفاق رخ نمی‌داد هرگز شاهد حماسه دوم خرداد نبودیم. وی تصریح کرد: اگر انتخابات، برای فراهم کردن نیازها و توقعات مردم باشد و مردم به راحتی برای انتخاب گزینه خود وحدت نظر پیدا کنند، باعث پیروزی مردم در مقابل افرادی که به دنبال یکدست شدن قدرت هستند، می‌شود. گرامی مقدم در مورد اینکه آیا در آینده امکان تکرار دوم خرداد ۷۶ وجود دارد یا خیر، گفت: بله امکان دارد. چه بخواهیم و چه نخواهیم، آینده با رویدادهای جدید با محوریت مردم خواهد آمد. اما نتایج آن به هیچ‌وجه قابل پیش‌بینی نیست. ممکن است مردم برخی رویدادها را به شکلی رقم بزنند که نتایج آن برخلاف پیش‌بینی‌ها باشد. امروز فضایی که در سیاست خارجی وجود دارد، سیاست‌هایی که امروز اتخاذ می‌شود، اعتراض اقشار و اصناف گوناگون و کاهش مشارکت مردم در دو انتخابات گذشته همه این موارد می‌تواند شرایطی را در آینده رقم بزند که قابل پیش‌بینی نیست.

ناصر قوامی:

به منی که از ۱۷ سالگی منبر رفته‌ام می‌گویند التزام عملی به اسلام ندارم

نامه‌نیوز | فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: من به عنوان کسی که در دوران شاه زندان رفتم و در اوج انقلاب از زندان عادل‌آباد شیراز آزاد شدم و به عنوان کسی که سال‌هاست کار سیاسی کرده‌ام و بالا و پایین سیاست را دیده‌ام، به اصلاح‌طلبان نصیحت می‌کنم که برای ورود به قدرت هر کاری نکنند و اعتبار و سرمایه اصلاح‌طلبی را به بازی نگیرند. ناصر قوامی، نماینده مجلس ششم و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره این موضوع گفت: «اصلاح‌طلبان دچار اشتباه بزرگی شده‌اند که تصور می‌کنند می‌توانند حیات سیاسی خود را به فردی مانند لاریجانی گره بزنند. آنها انگار هنوز نمی‌دانند که ورودشان به انتخابات منوط به تصمیم شورای نگهبان است و پیش از آنکه مساله رد صلاحیت‌ها حل شود، عملا امکان رقابت آنها وجود ندارد. از طرفی اینکه برخی می‌گویند می‌شود در انتخابات مجلس ۱۴۰۲ بر لاریجانی سرمایه‌گذاری کرد، سخن کاملا نادرستی است زیرا از کی تا حالا لاریجانی اصلاح‌طلب شده است؟» این فعال سیاسی همچنین بیان کرد: «در شرایط کنونی همه قوا و نهادها یکدست است و گویا مطلوب برخی همین هم بوده است. ۲۰ سال است که به شخص من اجازه نامزدی در انتخابات مجلس داده نشده است و در تمام این ۲۰ سال هیچ‌وقت حتی یک خط توضیح دقیق هم ندادند که علت رد صلاحیتم چیست و این در حالی است که بر اساس قانون باید مشخصا بگویند که علت چیست در صورتی که همواره یک عنوان کلی عدم التزام عملی به اسلام می‌زنند و تمام و به منی می‌گویند به اسلام التزام عملی ندارم که به عنوان یک روحانی از ۱۷ سالگی منبر رفته‌ام و سخنرانی کرده‌ام. می‌دانید چرا من را همیشه رد صلاحیت می‌کنند زیرا می‌دانند که در شهر خودمان رای دارم.»

Pishkhan.com

خبر

امیر قطر: میانجی میان ایران و غرب نیستیم

امیر قطر در سخنانی گفت که ایران همسایه ماست و همه طرف‌ها را به بازگشت به توافق هسته‌ای تشویق می‌کنیم. به گزارش الجزیره، شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر در سخنرانی خود در مجمع جهانی اقتصاد داووس گفت که دوحه مدعی ایفای نقش میانجیگری رسمی بین ایران و غرب نیست. وی تاکید کرد: ایران همسایه ماست و تلاش می‌کنیم که به آنها کمک کنیم و همه طرف‌ها را به بازگشت به توافق هسته‌ای تشویق می‌کنیم. امیر قطر همچنین خاطرنشان کرد که جنگ در اروپا بحران انرژی در جهان را عمیق‌تر کرده است.

گردهمایی معاونان وزرای خارجه اکو در تهران

نشست معاونان وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو روز (دوشنبه) دوم خرداد ماه در تهران آغاز به کار کرد و قرار است به مدت دو روز ادامه داشته باشد. مقامات شرکت‌کننده در گردهمایی مذکور ضمن شرکت در نشست‌های جمعی و دوجانبه به بررسی راه‌های ارتقای بیشتر همکاری‌های منطقه‌ای می‌پردازند. موضوعات مهمی همچون آزادسازی‌های بیشتر تجاری بین کشورهای عضو و تقویت ترانزیت و حمل و نقل درون منطقه‌ای و پیگیری اجرای موثر توافقات نشست سران اکو در عشق‌آباد از جمله دستور کارهای مهم نشست‌های این هفته در دبیرخانه اکو در تهران است. شرکت‌کنندگان در نشست تهران همچنین در مورد راه‌های تامین مالی پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای بحث و تبادل نظر خواهند کرد. «مهدی صفری»، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ضمن شرکت در نشست اکو و نیز ملاقات‌های دوجانبه با همتایان خود در حاشیه این نشست، برنامه‌های دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در بسط روابط و همگرایی اقتصادی با کشورهای عضو از جمله پیشنهادات مطرح شده از سوی جمهوری اسلامی ایران در نشست سران را دنبال خواهد کرد. گفتنی است کشورهای ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ایران، افغانستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، پاکستان و تاجیکستان اعضای اکو را تشکیل می‌دهند. هفت کشور از ۱۰ کشور عضو اکو محصور در خشکی هستند و برای دسترسی به بازارهای جهانی به سایر کشورها و مسیرهای ترانزیتی متکی هستند. منطقه اکو با هشت میلیون کیلومتر مربع مساحت و نیم میلیارد جمعیت، یکی از مناطق مهم و تاثیرگذار در ترانزیت بین‌المللی است.

اوباما در رفع تحریم‌ها علیه ایران کوتاهی کرد

منابع اطلاعاتی رژیم صهیونیستی اعتراف کرده‌اند که دولت امریکا و کشورهای غربی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ که برجام در حال اجرا بود اقدامات کافی برای کاستن از تحریم‌ها علیه ایران انجام نداده‌اند. به گزارش فارس، روزنامه جروزالم‌پست به نقل از برخی منابع، ارزیابی جدیدی از موضع گروهی از اعضای دستگاه‌های اطلاعاتی و دفاعی رژیم موقت صهیونیستی درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و برجام ارایه کرده است. طبق نوشته این روزنامه، منابع اطلاعاتی این رژیم اکنون می‌گویند عدم توافق با ایران بر سر مسائل هسته‌ای حتی از توافق بد هم برای اسراییل خطرناک‌تر است. روزنامه جروزالم‌پست نوشته این موضع از سوی منابع اطلاعاتی در حالی عنوان شده که کابینه «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم سابق رژیم صهیونیستی، همانند کابینه «نفتالی بنت»، نخست‌وزیر فعلی این رژیم هر دو با توافق هسته‌ای برجام مخالفت کرده و آن را «توافق بد» خوانده‌اند. این گروه معتقدند ایران ظرف تنها چند هفته می‌تواند به سمت غنی‌سازی ۹۰ درصدی حرکت کند. این روزنامه، درباره کوتاهی کشورهای غربی در کاهش تحریم‌ها علیه ایران نوشته است: «برخی منابع [اطلاعاتی] حتی در یک موضع تحریک‌آمیز معتقدند که غرب اقدامات کافی برای کاستن از تحریم‌ها علیه ایران در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ که دولت باراک اوباما بر سر کار بود، انجام نداده است. در این روایت بدیل، ایران بازیگری بداست اما می‌توان با ترکیبی از انگیزه‌های منفی و مثبت او را ترغیب کرد تا از آستانه هسته‌ای عبور نکند.» این گروه ادعا می‌کند که این فرمول حدود ۲۵ سال است که ایران را مهار کرده است.

آمادگی ایران برای سرمایه‌گذاری بلغارستان

«علی باقری»، معاون سیاسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دیدار خانم «ولیسلاوا پتروا»، معاون وزیر امور خارجه بلغارستان و هیات همراه با تاکید بر اراده دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه توسعه بیشتر مناسبات با بلغارستان به‌ویژه در حوزه اقتصاد و تجارت افزود: هر گونه مشکل یا مانع در این خصوص باید با تلاش متقابل هر دو کشور و به خصوص با پیگیری وزارتخانه‌های امور خارجه برطرف شود. معاون سیاسی وزارت امور خارجه با اشاره به جایگاه سنتی مناسبات و سابقه همکاری‌های دو کشور، آمادگی جمهوری اسلامی ایران متناسب با امکانات و ظرفیت‌های موجود و نیز پذیرش سرمایه‌گذاری آن کشور در ایران برای ارتقای سطح همکاری‌های تخصصی را مورد تاکید قرار داد. طرفین در این دیدار ضمن مرور تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بر لزوم رایزنی مستمر و تبادل تجربیات متقابل در زمینه‌های مختلف از جمله مسائل و پیامدهای ناشی از پذیرش مهاجران و پناهندگان تاکید کردند. خانم «ولیسلاوا پتروا» نیز در این دیدار با اشاره به پیشینه ۱۲۵ ساله روابط دیپلماتیک ایران و بلغارستان، عضویت کشورش در اتحادیه اروپا را فراهم‌آورنده زمینه‌های بیشتر برای همکاری دو کشور افزون بر روابط دوجانبه خواند و بر اهمیت برقراری پرواز مستقیم بین صوفیا و تهران به عنوان تسهیل کننده ارتباطات مردمی، تجاری و کلان روابط فیمابین تاکید کرد.

برجام

تکرار سناریوی تل‌آویو با به شهادت رساندن سرهنگ خدایی

ترور با هدف تخریب مذاکرات احیای برجام

سارا معصومی

غروب روز یکشنبه انتشار خبر شهادت سرهنگ حسن صیاد خدایی در یکی از خیابان‌های تهران و در نزدیکی محل زندگی‌اش در صدر اخبار داخلی و بین‌المللی قرار گرفت. در حالی که نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران هنوز درباره عامل یا عوامل این عملیات تروریستی گزارشی منتشر نکرده‌اند، نخستین ظن در فضای رسانه‌ای و مجازی به سمت رژیم اسراییل رفت. هر چند که مقام‌های اسراییلی هیچ‌گاه مسوولیت عملیات علیه دانشمندان هسته‌ای، تاسیسات هسته‌ای و در آخرین مورد ترور شهید محسن فخری‌زاده را بر عهده نگرفتند اما تمام اسناد و مدارک و همچنین نحوه برخورد اسراییلی‌ها با این پرونده‌ها جای هیچ شک و شبهه‌ای درباره دست داشتن آنها در این عملیات‌های تروریستی باقی نگذاشته است. در نخستین ساعات پس از این عملیات تروریستی، بیشترین تحلیل منتشر شده درباره دلیل این ترور در مقطع زمانی فعلی به مساله مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده در قالب تلاش‌هایی برای احیای برجام اختصاص داشت و بسیاری این ترور را تلاش احتمالی تل‌آویو برای به تعویق انداختن توافق احیای برجام دانستند. در حالی که هنوز خبرهای رسمی منتشر شده درباره نتایج رایزنی‌های پشت پرده و البته غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده، حکایت از باقی ماندن اختلاف دارد اما برخی اطلاعات غیررسمی که در رسانه‌های امریکایی بعضا به نقل از منابع آگاه ایرانی منتشر می‌شود حاکی از آن است که در نتیجه آخرین سفر انریکه مورا، معاون مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران و پیشنهادهایی که ایران روی میز قرار داده احتمال خروج مذاکرات از بن‌بست وجود دارد و مهم‌ترین شاهد این ادعا هم سخنان جوزپ بورل پس از بازگشت مورا به بروکسل از تهران بود. هر چند که مقام‌های وزارت خارجه ایران به کلی‌گویی درباره وضعیت مذاکرات بسنده کرده و مدعی هستند که مذاکرات در فضای عمومی انجام نمی‌شود اما رسانه‌هایی چون الجزیره، المانیتور و برخی خبرنگاران امریکایی چون لورا روزن که در پایگاه خبری آتلانتیک می‌نویسد به نقل از منابع متعدد اروپایی، امریکایی یا بعضا ایرانی گزارش‌هایی را در چند روز اخیر منتشر کرده‌اند که نشان از مثبت شدن فضای حاکم بر مذاکرات دارد. همزمان اظهارنظرهای امیر و وزیر خارجه قطر که در چند هفته اخیر در تماس‌های نزدیک با مقام‌های ایران، ایالات متحده و اتحادیه اروپا بوده‌اند حاکی از آن است که راه‌حل‌هایی برای حل و فصل اختلاف باقیمانده میان تهران و واشنگتن بر سر حفظ یا حذف نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از لیست به اصطلاح گروه‌های تروریستی وزارت خارجه ایالات متحده پیدا و مطرح شده است. همین اندک فضای مثبت که البته تضمینی هم بر تحقق آن در میدان وجود ندارد مخالفان احیای برجام و در راس آنها رژیم اسراییل را ترسانده است. توافق هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ وقت از همان ابتدا و حتی پیش از اجرایی شدن برجام مورد اعتراض و انتقاد شدید اسراییلی‌ها بود اما باراک اوباما، رییس جمهور وقت ایالات متحده حتی به قیمت تشدید تنش در رابطه دو جانبه واشنگتن و تل‌آویو مذاکرات وقت را به پایان رسانده و توافق هسته‌ای با ایران را اجرایی کرد. پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا هدیه‌ای از خدا خواسته برای اسراییلی‌ها بود و یک سال پس از آغاز به کار این دولت بود که تلاش‌های شبانه‌روزی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت اسراییل پاسخ داد و دونالد ترامپ هم از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و هم شدیدترین تحریم‌های اقتصادی را به ایران تحمیل کرد. با شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی جو بایدن دموکرات که با شعار احیای برجام به میدان آمده بود، کابوس‌های اسراییل بازگشتند. مقام‌های اسراییلی تلاش برای به صفر رساندن شانس احیای برجام را از همان نخستین هفته‌های پیروزی جو بایدن و پیش از انتقال قدرت در کاخ سفید آغاز کردند و در یک پازل تعریف شده ابتدا اقدام به ترور شهید فخری‌زاده و سپس تکرار سناریوی حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران و البته مانور دادن بر اطلاعات ادعایی درباره برنامه مخفی هسته‌ای ایران کردند.

تمام این تلاش‌ها در راستای متوقف شدن روند مذاکرات برای احیای برجام صورت گرفت و شاید بتوان گفت که در مقاطعی اسراییلی‌ها موفق به کند کردن روند این مذاکرات یا مشخص کردن خطوطی برای تیم‌های مذاکره‌کننده هم در ایران و هم در ایالات متحده شدند که عملا رسیدن به توافق احیای برجام را پیچیده‌تر کرد. در حالی که دولت جو بایدن می‌گوید اراده سیاسی لازم و کافی را برای احیای برجام دارد مخالفت جمهوری‌خواهان با احیای برجام و همراهی برخی دموکرات‌ها با جمهوری‌خواهان در امتیاز دادن به ایران در مسیر احیای برجام عملا بازگشت به برجام را سخت‌تر از چیزی کرده که در ابتدای آغاز به کار دولت بایدن تصور می‌شد و شاید اگر جهان در نتیجه حمله نظامی روسیه به اوکراین گرفتار بحران در چند حوزه به خصوص حوزه انرژی نشده بود تمایل غرب برای رسیدن به توافقی جدید و جامع‌تر با تهران بیش در این مقطع زمانی بیش از میل به احیای برجام به شکل اولیه آن بود. در حالی که مذاکرات وین از اسفند ماه ۱۴۰۰ عملا متوقف شده و رایزنی‌ها میان ایران و امریکا با واسطه‌گری مستقیم و رسمی انریکه مورا و تلاش‌های غیررسمی قطر و دوحه در جریان است، اسراییل باز برای برهم زدن پازل دست به کار شده تا بلکه بتواند بر فاصله میان تهران و واشنگتن بیفزاید. در این پازل ترور عضو سپاه قدس درست در روزهایی که برخی منابع می‌گویند ایران و امریکا به راه‌حلی برای خروج از بن‌بست در این پرونده دست یافته‌اند می‌تواند به ترمزی برای تهران تبدیل شود.

ترتیا پارسی، تحلیلگر مسائل ایران و امریکا در نوشتاری پس از ترور شهید صیاد خدایی درباره نقش احتمالی اسراییل در این عملیات تروریستی نوشت: هنوز هیچ‌کس مسوولیت این حمله را بر عهده نگرفته اما اهداف و انگیزه‌های احتمالی اسراییل از این حمله چه می‌تواند باشد؟ آنچه می‌دانیم این است که یک عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا بخشی از آنکه سپاه قدس است مقابل منزلش ترور شده است. صیاد خدایی درست در روزهایی ترور شده که مهم‌ترین اختلاف باقیمانده میان ایران و امریکا با قیماندن نام سپاه در لیست گروه‌های تروریستی امریکاست. تیم بایدن با اینکه می‌داند حفظ نام سپاه در این لیست هیچ کمکی به تامین منافع امریکا در محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران نمی‌کند و تنها انگیزه ترامپ از قرار دادن نام سپاه در این لیست صرفا سخت کردن مسیر بازگشت به برجام برای دولت بعدی بوده اما از اجابت کردن مطالبه ایران سرباز می‌زند. در چند روز اخیر اما اخباری منتشر شده مبنی بر اینکه احتمالا تهران و واشنگتن به تفاهمی در این خصوص دست پیدا خواهند کرد. با این پیش فرض باید از خود سوال کنیم که اگر اسراییل پشت این ترور است چرا یک عضو سپاه قدس و نه یک دانشمند هسته‌ای را هدف قرار داده است؟ آیا تحلیل اسراییلی‌ها این بوده که ترور عضو سپاه هر گونه عقب‌نشینی از موضع پیشین برای ایران را در میز مذاکره سخت‌تر می‌کند؟ به گزارش «اعتماد»، بسیاری از کاربران فضای مجازی نیز پس از ترور شهید خدایی این اقدام را به خبرهای منتشر شده درباره احتمال نزدیک شدن تهران و واشنگتن به توافق احیای برجام مرتبط دانسته و تاکید کردند که ایران باید در محاسبه هزینه و فایده‌های احیای برجام دلایل و انگیزه‌های مخالفان و رقبای منطقه‌ای خود با احیای برجام را هم در نظر بگیرد.

به گزارش «اعتماد» در حالی که ایران وعده داده انتقام ترور سردار خدایی را از عاملان آن خواهد گرفت، شبکه «العربیه» روز دوشنبه مدعی شد، رژیم اسراییل در جبهه شمالی یعنی مرز فلسطین اشغالی با لبنان و سوریه حالت آماده‌باش اعلام کرده است. روزنامه اسراییلی «یدیعوت آحارونوت» نیز از آماده‌باش ارتش این رژیم خبر داد. همچنین براساس گزارش «لبنان دیبیت»، رژیم اسراییل سطح هشدار امنیتی را در سفارتخانه‌هایش در جهان افزایش داده است.

واکنش سخنگوی وزارت خارجه ایران:

این ترورها با سکوت کشورهای مدعی مقابله با تروریسم همراه است

سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن محکوم کردن عملیات تروریستی روز یکشنبه در تهران، شهادت سرهنگ سرافراز پاسدار صیاد خدایی را به خانواده این شهید و همرزمان وی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریک و تسلیت گفت. سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشت: دشمنان قسم خورده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بار دیگر ذات شرارت‌بار خود را با ترور و شهادت یکی از سپاهیان جان بر کف نشان دادند. این جنایت ضدانسانی در حالی توسط عوامل تروریستی وابسته به استکبار جهانی صورت می‌پذیرد که در کمال تاسف با حمایت و سکوت کشورهای مدعی مقابله با تروریسم همراه است. سخنگوی وزارت امور خارجه با تاکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران یکی از قربانیان جنایات تروریستی در طول بیش از ۴ دهه گذشته بوده است، افزود: تروریست‌های کوردل با تصور باطل خود تلاش دارند مانع حرکت ملت بزرگ ایران در تحقق آرمان‌های متعالی خود شده و باعث ایجاد وقفه در مسیر عزت‌طلبانه مردم شوند، غافل از اینکه خون شهیدان ضامن بقا و تعالی این ملت و کشور است.

گزارش روز

رشد جمعیت پناهجویان خارجی و بی‌جاشدگان داخلی بار دیگر رکورد شکست

۱۰۰۰۰۰۰۰۰ نفر آواره

گروه جهان | کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که تعداد آوارگان و بی‌جاشدگان اجباری جهان از رقم بی‌سابقه ۱۰۰ میلیون نفر عبور کرده است. این نهاد بین‌المللی رقم آوارگان را سرسام‌آور توصیف کرده است. براساس تعریف کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، بی‌جاشدگان اجباری به همه افرادی گفته می‌شود که برای دور شدن از جنگ‌ها، خشونت، نقض حقوق بشر و سرکوب، چه در خاک کشور خود آواره شده باشند یا به کشوری دیگر پناه برده باشند. براساس آمار منتشر شده دست‌کم ۶۰ میلیون نفر از جمعیت جهان در حال حاضر بی‌جاشدگان اجباری در خاک کشورهای خود هستند و ۴۰ میلیون نفر دیگر هم به کشورهای دیگر پناه برده‌اند. فیلیپو گراندی، کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد می‌گوید که این آمار تلخ باید زنگ هشداری برای جامعه جهانی باشد. به گفته او این آمار نشان می‌دهد که نیاز به اقدامات بین‌المللی بیشتری برای رسیدگی به عوامل ریشه‌ای بی‌جاشدگی در سراسر جهان وجود دارد. این مقام سازمان ملل می‌گوید: «۱۰۰ میلیون نفر همزمان رقمی بسیار زیاد، هوشیارکننده و هشداردهنده است. این رقم باید به عنوان زنگ بیدارباشی برای حل و فصل و پیشگیری از درگیری‌های ویرانگر، سرکوب و حل و فصل دلایل اصلی که باعث می‌شود مردم بی‌گناه خانه و کاشانه‌شان را ترک کنند، به حساب بیاید.» براساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان در طول ۵ ماه گذشته ۱۰ میلیون نفر به جمعیت آوارگان و بی‌جاشدگان اجباری جهان اضافه شده است. تعداد آوارگان جهان در پایان سال ۲۰۲۱ میلادی به ۹۰ میلیون نفر رسیده بود. در طول سال گذشته میلادی درگیری‌ها و تنش‌ها در افغانستان، بورکینافاسو، جمهوری دموکراتیک کنگو، اتیوپی، میانمار و نیجریه، به شکل چشمگیری بر آوارگی تعداد بیشتری از مردم جهان تاثیر گذاشته بود. دو ماه پس از آغاز سال ۲۰۲۲، این تهاجم نظامی روسیه به اوکراین بود که میلیون‌ها نفر بر تعداد بی‌جاشدگان، آوارگان و پناهجویان جهان اضافه کرد. براساس آمار موجود تاکنون نزدیک به ۱۴ درصد از جمعیت اوکراین معادل ۶ میلیون نفر پناهجوی اوکراینی ثبت شده‌اند. شتاب افزایش تعداد بی‌جاشدگان در طول ماه‌های گذشته به شکل چشمگیری افزایش یافته است. در حالی که در پایان سال ۲۰۲۰ عدد اعلامی آوارگان از سوی کمیساریای عالی نزدیک به ۸۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بود، این رقم در نیمه سال ۲۰۲۱ به ۸۴ میلیون نفر رسید. اما در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ و در ادامه در ۵ ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۲ به‌شدت سرعت رشد این اعداد بیشتر شد تا جایی که در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ معادل ۶ میلیون نفر تازه به آوارگان جهان اضافه شدند و در ۵ ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۲ رقم ۱۰ میلیون نفر دیگر به این جمعیت افزوده شد. یعنی در نزدیک به یک سال ۱۶ میلیون نفر تازه در سراسر جهان آواره شده‌اند. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ جمعیت آوارگان و بی‌جاشدگان جهان از ۴۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ به ۷۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده است. فیلیپو گراندی، کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد می‌گوید: «واکنش بین‌المللی برای کمک به مردمی که از جنگ در اوکراین می‌گریزند، بسیار مثبت بود.» بسیاری از تحلیلگران معتقدند که دولت‌های اروپایی در واکنش به جنگ اوکراین در اقدامی غیراخلاقی نسبت تبعیض نژادی علیه آوارگان دیگر کشورها اقدام می‌کنند و به ازای پذیرش تعداد بیشتری از پناهندگانی که از شرق اروپا به این کشورهای می‌آیند، سختگیری‌ها علیه پناهندگان کشورهای دیگر مانند افغان‌ها و آفریقایی‌ها را افزایش می‌دهند و آنها را از کشورهای‌شان اخراج می‌کنند. فیلیپو گراندی می‌گوید: «دیده‌ایم که شفقت زنده است و ما نیازمندیم که همین شکل از بسیج برای کمک به همه بحران‌ها در سراسر جهان شکل بگیرد. اما نهایتا کمک‌های بشردوستانه مسکن است و درمان نیست. برای اینکه این روند را معکوس کنیم تنها راه حل صلح و ثبات است تا اینکه مردم بی‌گناه مجبور به قمار میان ماندن در خانه در معرض خطرات مزمن یا سفرهای پرخطر و تبعید، نشوند.» عبارت «بی‌جاشدگان اجباری» برای نخستین بار در طول جنگ جهانی دوم و در پی آوارگی بیش از ۴۰ میلیون نفر بر اثر این جنگ بین‌المللی وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد. براساس آمار در سال‌های اخیر علاوه بر درگیری‌های مسلحانه، خشونت و نقض حقوق بشر به عنوان دلایل اصلی آوارگی جمعیت، عوامل تازه‌ای مانند جهانگیری بیماری کرونا، بلایای طبیعی، شرایط بد آب و هوایی و دیگر آثار تغییرات آب و هوایی نیز چالش‌های تازه‌ای را برای آوارگان ایجاد کرده است. در حالی که از پایان سال ۲۰۲۰ تاکنون ۱۶ میلیون نفر به جمعیت آوارگان داخلی و فرامرزی جهان افزوده شده‌اند، تعداد پناهجویانی که تحت نظارت کمیساریای عالی پناهندگان قرار دارند تنها ۱۷۲ هزار نفر افزوده شده است. در حال حاضر همچنان شهروندان سوریه، مجموعا چه شهروندان بی‌جا شده داخلی و چه شهروندانی که به کشورهای دیگر پناه برده‌اند، بزرگ‌ترین جمعیت آواره جهان محسوب می‌شوند. رتبه دوم در اختیار ونزوئلا و جایگاه سوم در اختیار شهروندان افغانستان است که تا یک دهه پیش بزرگ‌ترین جمعیت آواره جهان را تشکیل می‌دادند. در برابر سه کشور ترکیه، کلمبیا و اوگاندا نیز با میزبانی به ترتیب ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار، یک میلیون و ۷۰۰ هزار و یک میلیون و ۵۰۰ هزار آواره، بزرگ‌ترین میزبانان پناهجویان خارجی هستند.

براساس بیانیه مشترکی که هفته گذشته توسط مرکز رصد بی‌جاشدگی داخلی (IDMC) و شورای آوارگان نروژ (NRC) منتشر شد در طول سال ۲۰۲۱ دست‌کم ۳۸ میلیون نفر درون مرزهای کشور خود آواره شده‌اند. براساس این آمار بخشی از این جمعیت در طول یک سال گذشته چندین بار از مکان‌هایی که بعد از آوارگی در آن مستقر شده بودند هم آواره شده‌اند. براساس این بیانیه این دومین رکورد سالانه در دهه جاری میلادی است که بخشی از آن به دلیل وقوع زنجیره‌ای از بلایای طبیعی در سراسر جهان رخ داده است. سال ۲۰۲۱ تعداد بی‌جاشدگان داخلی که مستقیما بر اثر نبردهای مسلحانه آواره شده بودند به ۱۴ میلیون و ۴۰۰ نفر رسید که بیش از ۵۰ درصد از سال ۲۰۲۰ بیشتر بود.

یان اگلاند، دبیر کل شورای آوارگان نروژ در بیانیه‌ای گفته است: «آمار هشدارآمیز ۱۰۰ میلیون نفری بی‌جاشدگان بدون تردید ثابت می‌کند که رهبران جهان در حمایت از آسیب‌پذیرترین جمعیت مردم جهان در مقیاسی که تاکنون دیده نشده است، شکست خورده‌اند.» وی ادامه داد: «ما شاهد انباشت بی‌سابقه رنج بشری هستیم.» وی تاکید کرد که نظام امدادرسانی بدون دسترسی به منابع بیشتر نمی‌تواند از ۱۰۰ میلیون نفر نیازمند حمایت کند. اگلاند می‌گوید: «تعداد آوارگان نسبت به دهه گذشته دو برابر شده در حالی که منابع مالی مورد نیاز برای کمک به آنها به این میزان افزایش نیافته است.»

ترجمه روز

«موسسه دول عربی خلیج [فارس] در واشنگتن»:

مذاکرات ایران و عربستان چگونه فتیله تنش‌ها در منطقه را پایین کشید؟

تخمین‌ها از سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که جنگ یمن ماهانه ۶ میلیارد دلار برای عربستان سعودی هزینه دارد. از سرگیری مذاکرات بین عربستان سعودی و ایران، پس از یک وقفه چند ماهه، مدت کوتاهی پس از توافق آتش‌بس در یمن انجام شد که نشان می‌دهد ایران احتمالا نقشی در تاثیرگذاری بر حوثی‌ها داشته است. آتش‌بس گام اولیه مهمی برای پایان دادن به جنگ در یمن بوده و در صورت برقراری آن، می‌تواند سنگ بنای اعتماد بین ریاض و تهران باشد.

رقابت ژئوپلیتیک بین ریاض و تهران حداقل به انقلاب ۱۹۷۹ ایران برمی‌گردد. در سال ۲۰۱۶، حمله به سفارت عربستان در تهران، پس از اعدام نمر النمر، روحانی شیعه سعودی، عربستان را وادار کرد تا سفیر خود را از ایران فرا بخواند. از آن زمان تاکنون تنش‌ها بیشتر شده، زیرا حوثی‌های مورد حمایت ایران در یمن به عربستان حمله کرده‌اند و گمان می‌رود ایران در سپتامبر ۲۰۱۹ حملاتی را به تاسیسات آرامکو در عربستان سعودی انجام داده باشد. این حال، دور پنجم مذاکرات بین عربستان سعودی و ایران در بغداد باعث ایجاد حس جدیدی از خوش‌بینی شده است. نخست‌وزیر عراق گفت: «آشتی نزدیک است.» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران با بیان اینکه در دور اخیر مذاکرات پیشرفتی را شاهد بوده، آن را مثبت و جدی توصیف کرد و گفت: اقدامات برای کاهش تنش بین عربستان و ایران در حال حاضر اثرات فراگیری را در سایر کشورهای منطقه ایجاد کرده است.

یمن از سال ۲۰۱۱ یکی از عرصه‌های اصلی رقابت بین عربستان و ایران بوده است، اما اکنون به فرصتی برای اعتمادسازی در چارچوب مذاکرات بین دو طرف در عراق تبدیل شده است. سیاست ایران در یمن تا حد زیادی بر تضعیف امنیت عربستان از طریق ایجاد خاری زیر پای آنها متمرکز شده است. ایران از مدت‌ها قبل حمایت قابل توجهی از حوثی‌ها کرده. پشتیبانی و آموزش نظامی گسترده توسط تهران، حوثی‌ها را قادر ساخته تا بارها به خاک عربستان حمله کنند.

تخمین‌ها از سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که جنگ یمن ماهانه ۶ میلیارد دلار برای عربستان سعودی هزینه دارد. از سرگیری مذاکرات بین عربستان سعودی و ایران، پس از یک وقفه چند ماهه، مدت کوتاهی پس از توافق آتش‌بس در یمن انجام شد که نشان می‌دهد ایران احتمالا نقشی در تاثیرگذاری بر حوثی‌ها داشته است. آتش‌بس گام اولیه مهمی برای پایان دادن به جنگ در یمن بوده و در صورت برقراری آن، می‌تواند سنگ بنای اعتماد بین ریاض و تهران باشد.

مذاکرات ایران و عربستان احتمالا بر عرصه سیاسی لبنان و عراق نیز تاثیر خواهد گذاشت، جایی که تهران و ریاض از نیروهای سیاسی رقیب حمایت می‌کنند. هم ریاض و هم تهران نفوذ قابل توجهی در لبنان داشته‌اند و این باعث افزایش تنش بین ایران و متحدان عربستان سعودی در این کشور شده است. پس از انتخابات اخیر، کاهش تنش بین عربستان سعودی و ایران احتمالا به روان‌تر شدن تشکیل دولت لبنان و فعالیت آن کمک می‌کند. در نتیجه پایان دادن به بن‌بست سیاسی در لبنان در دستور کار مذاکرات دو کشور قرار گرفته است. در حالی که عربستان سعودی و ایران احتمالا به حمایت از متحدان مربوطه خود ادامه خواهند داد، مانورهای سیاسی در لبنان ممکن است نرم‌تر شود. به‌رغم مذاکراتی که در عراق انجام شد، اما موضوع نقش عربستان سعودی و ایران در این کشور مطرح نشده است. با این حال، می‌توان در اینجا فضایی برای ایجاد تفاهم بهتر بین تهران و ریاض در این جبهه را هم انتظار داشت. شبه نظامیان متحد ایران در عراق به حملات متعددی به عربستان سعودی متهم شده‌اند. به عنوان مثال، کتائب حزب‌الله مظنون به انجام حملات به تاسیسات نفتی عربستان در سال ۲۰۱۹ و کاخ سلطنتی عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ است. هم عربستان سعودی و هم ایران احتمالا تلاش خواهند کرد تا نفوذ خود را در عراق حفظ کنند، اما درک بهتر بین این رقبای منطقه‌ای احتمالا باعث کمتر شدن این حملات خواهد شد.

در نهایت، کاهش تنش بین عربستان و ایران ممکن است ریاض را از تمایل به پیوستن به توافقنامه ابراهیم با اسراییل منصرف کند. از زمان امضای توافقنامه برجام با ایران در سال ۲۰۱۵، عربستان تا حدی متمایل به اسراییل شد و اسراییل را به عنوان وزنه تعادلی بالقوه در برابر ایران می‌دید. بنابر گزارش‌ها بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر سابق اسراییل در سال ۲۰۲۰ با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی دیدار کرد و اسحاق هرتزوگ، رییس جمهور اسراییل اخیرا گفت که خوشحال خواهد شد آشکارا از عربستان سعودی بازدید کند. در سپتامبر ۲۰۲۱، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ظاهرا در مورد عادی‌سازی روابط بین عربستان و اسراییل با ولیعهد سعودی بحث کرده و ظاهرا محمد بن سلمان آشکارا این ایده را رد نکرده است. در واقع، او اخیرا اعلام کرد که عربستان سعودی، اسراییل را دشمن نمی‌داند، بلکه آن را «متحد بالقوه» می‌داند. با این حال، آب شدن یخ روابط بین عربستان و ایران، اگر به شکلی جدی ادامه یابد، حداقل انگیزه عادی‌سازی روابط با اسراییل را برای سعودی‌ها از بین می‌برد.

برای عربستان سعودی و ایران، گام‌های زیادی تا رسیدن به اعتماد پایدار باقی مانده است. دشمنی دو کشور دهه‌هاست که ادامه داشته و ابعاد ژئوپلیتیکی، فرقه‌ای و اقتصادی دارد. با این حال، مذاکرات، یعنی دور کردن دو کشور از رویارویی نظامی و بازگشت به عرصه سیاسی برای حل و فصل اختلافات، تحول امیدوارکننده‌ای است که می‌تواند اثرات سرریزی برای امنیت منطقه‌ای داشته باشد. باید دید آیا این گفت‌وگوها می‌تواند چنین دستاوردهای سنگینی را به همراه داشته باشد. اما حتی ناظران بدبین هم اذعان می‌کنند که این مذاکرات ابزاری موثر برای مدیریت تنش‌های دوجانبه و خرید زمان در میان مدت است تا ببینیم آیا گام‌های اعتمادسازی می‌تواند چشم‌انداز بلندمدت را بهبود بخشد.

پیشخوان
Pishkhan.com

ادامه از صفحه اول

خرمشهر در ۱۰ پرده

بی‌توجهی به این امر کم‌کم حماسه خرمشهر را از حافظه جهانی پاک کرد و امروز آن را به حد یک نماد یک روزه تبدیل کرد. مطلعان به‌خوبی می‌دانند چه بهره‌برداری‌های استراتژیکی می‌شد از بازپروری این حماسه کرد و آن را به شاخصی بین‌المللی از جنگ معاصر تبدیل کرد.

سه) مرزها همیشه استراتژیک بوده‌اند و این مهم درباره خرمشهر به علت قدمت، موقعیت ژئوپلیتیک جغرافیایی و ظرفیت‌های مذهبی، سیاسی و اقتصادی، استراتژیک بودنش بیش از همه است. ایجاد دژِ مستحکم برای دور کردن هرگونه خیال تجاوز دشمن خارجی (همچون تجربه عراق یا احتمال پیشروی داعش) در این نقطه از اهم واجبات است. شهرِ ضعیف، جنگ‌زده، کم‌جمعیت و فاقد زیرساخت می‌تواند دندان طمع متجاوز را تیز کرده و ۵۷۶ روز دیگری رقم بزند. فکر علاج پیش از حادثه باید کرد، چرا که استحکام دژ پیش از ادوات نظامی به شهروندانی با انگیزه و سربازانی امیدوار و جان بر کف نیاز دارد.

چهار) موج مهاجرتی که در پی کم‌توجهی کشور به این نقطه ایجاد شده و روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود نه تنها منابع انسانی و ظرفیت‌های اقتصادی را مضمحل کرده که شهر را رفته‌رفته کوچک‌تر و کم‌رونق‌تر می‌کند و کیست که از خطر تخلیه مرز بی‌اطلاع نباشد؟ استمرار پدیده ریزگردها، کمبود و ناسالمی آب، سیاست‌های غلط اقتصادی دولت در مناطق مرزی و آزاد تجاری، نگاه امنیتی به رویدادها و موضوعات، فقر و بیکاری و تبعیض، آمار عجیب خودکشی و دیگر آسیب‌های اجتماعی، عدم برقراری عدالت اجتماعی در آموزش، پزشکی و بهداشت، ورزش و هنر از مهم‌ترین دلایل ماندگاری لفظ «محروم» بر این شهر و ادامه موج مهاجرت مردمش است. مردمی که علی‌رغم میل خود و برای یافتن شرایط مناسب‌تر اقدام به کوچ می‌کنند.

پنج) کافی است سفر کوتاهی به خرمشهر کنید. این میزان از محرومیت و دیده نشدن در مقایسه با شهرهای مشابه یا حتی کوچک‌تر جای بُهت دارد. حقیقتاً آسفالت‌های پُرچاله، فاضلاب روان، بازارهای غیربهداشتی و کولونی‌وار، ضعف و قطعی مکرر شبکه‌های توزیع آب و برق، روستاهای محروم و شهری که زیرساخت‌هایش میراث قبل از جنگ است چیزهای جذابی برای دیدن نخواهند بود. تغییرات مکرر مناصب و پُست‌ها و البته مهاجرت یا سکوت خیلی از نخبگان و شاخص‌ها هم مزید بر علت است. کمتر سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی کسب و کار ریسک شهری را می‌پذیرد که شورای شهرش فقط طی هشت ماه اخیر پنج‌بار دست به تغییر شهردار زده است.

شش) خرمشهر چهل سال اخیرش را به شعار و عده و لقب گذراند. چندین یادواره و جشنواره و سخنرانی و شعر و فیلم و نمایشگاه و بازدید و سفرهای نیابتی و اصالتی مجموع چیزهایی بود که نصیبش شد [در کنار برخی فعالیت‌های خیرخواهانه یا جهادی که کفاف بحرانش را نمی‌داد] اما خبری از عمران، آبادانی و خرمی، نگاه ویژه، نگاه ملی و عمل واقعی نبود. این سال‌ها دیگر نه نورافشانی‌ها دل کسی را تکان می‌دهد و نه سخنرانی‌های پرطمطراق کسی را سرذوق می‌آورد. سوم خردادی هم که روزی برای ما خرمشهری‌ها عید و منشا امیدواری بود به روز نمادین شعار و وعده تبدیل شد.

هفت) روی دیگر خروجی چهل ساله کشور در خرمشهر، ایجاد فضای تحریک و تفرقه برای فرصت‌طلبان است. تنها گذاشتن خرمشهر در شرایطی که از وهابی گرفته تا دیگر فرق و از سلطنت‌طلب گرفته تا تجزیه‌طلب همه دنبال منفذی برای ابراز وجودند، بیان اجحاف صورت گرفته در حق خرمشهر بهترین گزینه برای پیشبرد اهداف است. پنهان کردن هدفی ضدمردمی پشت مطالبه‌ای مردمی از ترفندهای قدیمی نفوذ است که علی‌القاعده به یمن وجود بسترش، امروز هم کاربرد داد. جمهوری اسلامی اگر حتی به همین وجه از مساله خرمشهر نظر کند هم به قید فوریت بهبود وضعیت خرمشهر صحه خواهد گذاشت.

هشت) یکی دیگر از بزرگ‌ترین مشکلات خرمشهر تفاوت فاحش امروزش با تاریخ شکوفای نه چندان دورش پیش از جنگ تحمیلی است. اکنون فرزندانی در شهر زندگی می‌کنند که وصف حال خوب شهرشان را از زبان پدران و پدربزرگان بسیار شنیده‌اند. حکایت شهری را شنیده‌اند که مقصد تمام بیکاران برای کار، تاجران برای تجارت، هنرمندان برای اجرای برنامه و بسط هنر و مردم برای گردش و تفریح بود و اکنون در همان شهر ند منهای کار و تجارت و اقتصاد و تفریح. این تناقضات آشکار و ساده یکی از مهم‌ترین علل اظهار تاسف خرمشهری‌هایی است که خاطره‌های‌شان بسیار زیباتر از امروزشان است. کسانی که ترجیح می‌دهند به جای زندگی در امروز، در خاطرات غوطه بخورند و به یاد آبادی‌های آن روزها به زنده‌مانی و نه زندگانی ادامه دهند.

نه) حلقه محذوفه دیگری در خرمشهر است که علی‌رغم کمتر دیده شدن بسیار موثر است و آن دایره شخصیت‌های شاخص مدیریتی، اقتصادی، سیاسی و علمی است که به علل مختلفی مثل جنگ و انقلاب و استمرار ویرانی و... از بدنه تاثیرگذار خرمشهر خارج شده یا کلا کوچ کرده‌اند. این افراد بودند که در موقعیت‌های مهم و با تکیه بر داشته‌های مالی، سیاسی، اجتماعی و علمی گام به گام شهر را پویاتر و فعال‌تر می‌کردند و بحران‌های احتمالی را مدیریت می‌کردند. با کاهش و نهایتا حذف این چهره‌ها، شهر عملا پشتوانه مدیریتی خود را از دست داد، کار به دست افرادی ضعیف‌تر، ناکارآمدتر و بی‌تخصص‌تر و لومتعهد افتاد و پُله‌های پیشرفت یکی بعد از دیگری حتی اگر نشکست، رها و مستهلک شد.

ده) روا نیست شهری که برای بازپس‌گیری‌اش دل هشتاد میلیون نفر خون شد این چنین زخمی رها شود. انصاف نیست خون سه هزار شهید برای آزادسازی شهری جاری شود که حفظ و نگهداریش این چنین فاجعه‌بار باشد. شاید آنان که جان و خون و دست و پای‌شان را در خرمشهر جاگذاشتند اگر زنده بودند امروز خرمشهر چنین نبود. کاش متولیان امر می‌فهمیدند چقدر سنگین است شنیدن جمله: «دیگه خرمشهر جای موندن نیست.» از کسانی که سال‌هاست صبورانه به امید بهبود شرایط به معنی واقعی کلمه جان کندند تا خرمشهر خرم شود. همان‌طور که قبلی‌ها جان دادند تا خرمشهر ایرانی بماند. اگر حتی کمی منصفانه به این نقطه زیر پونز نقشه نگاهی کنیم حداقل چند پرده از یادداشت فوق را خواهیم پذیرفت.

گزارش روز

کاخ سفید در تلاش برای تعدیل اظهارنظر بی‌سابقه جو بایدن در سفر آسیایی

وعده مشارکت نظامی امریکا در دفاع از تایوان

محمدحسین لطف‌الهی

جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده روز گذشته در سومین روز از سفر خود به کشورهای شرق آسیا با کنار گذاشتن «ابهام استراتژیک» که همواره در موضع‌گیری روسای جمهور امریکا درباره مساله تایوان استفاده می‌شد و بر خلاف بسیاری از مسوولان ارشد امریکا که عموما محتاطانه‌تر نسبت به این مساله موضع می‌گیرند، با صراحت اعلام کرد در صورتی که چین به تایوان حمله نظامی کند، نیروهای مسلح ایالات متحده در دفاع از تایوان وارد عمل خواهند شد. در کنفرانس خبری مشترک جو بایدن و فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن در توکیو، رییس جمهور ایالات متحده اعلام کرد که حاضر است در مساله تایوان بسیار فراتر از آنچه در اوکراین از سوی امریکایی‌ها صورت گرفته پیش برود. ایالات متحده در حال حاضر میلیارد‌ها دلار کمک مالی و تسلیحاتی به همراه کمک‌های اطلاعاتی گسترده به اوکراین ارایه می‌کند تا این کشور بتواند در برابر حمله نظامی روسیه مقاومت کند، با این وجود بایدن می‌گوید در صورت بروز مساله مشابه در تایوان، نظامیان امریکایی مستقیما وارد عمل خواهند شد.

روز دوشنبه در کنفرانس خبری از رییس جمهور امریکا سوال شد که «شما به دلایلی روشن حاضر نبودید درگیر جنگ نظامی در اوکراین شوید. آیا در صورتی که اتفاقی مشابه در تایوان بیفتد، به دفاع از این کشور بر خواهید خاست و به صورت نظامی درگیر ماجرا می‌شوید؟» جو بایدن با قاطعیت گفت: «بله» و خبرنگار که از صراحت او متعجب شده بود دوبار پرسید: «واقعا چنین کاری خواهید کرد؟» که رییس جمهور امریکا تاکید کرد که این «تعهدی» است که کشورش آن را پذیرفته است. به گفته برخی حاضران در کنفرانس خبری این پاسخ تعدادی از اعضای ارشد دولت ایالات متحده را که در سالن حضور داشتند نیز غافلگیر کرد. خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز در این باره می‌نویسد: «برخی اعضای ارشد دولت امریکا که از نزدیک کنفرانس خبری را نظاره می‌کردند، زمانی که با پاسخ بسیار صریح و مستقیم بایدن مواجه شدند، احساس تعجب کردند، چرا که چنین صراحت غیرلازمی را انتظار نمی‌کشیدند.»

ایالات متحده به‌طور سنتی یکی از جدی‌ترین مخالفان اعمال زور از سوی پکن به تایوان بود و بارها انتقادات گسترده‌ای را پیرامون این مساله علیه چین مطرح کرده بود، با این حال مسوولان ارشد امریکایی عموما در پاسخ به این سوال که در صورت استفاده پکن از زور، چه کمک‌هایی را برای تایوان فراهم خواهند ساخت، اندکی ابهام را لحاظ می‌کردند و تعهد غیرقابل چشم‌پوشی و بزرگی نظیر اعزام نیروی نظامی را نمی‌پذیرفتند. کاخ سفید، در فاصله کوتاهی از برگزاری نشست خبری جو بایدن، کوشید تا گفته‌های او پیرامون مساله تایوان را تعدیل و تصحیح کند. در بیانیه‌ای که از سوی کاخ سفید برای رسانه‌ها ارسال شد، آمده است: «همان‌طور که رییس جمهور گفت تغییری در سیاست ایالات متحده در قبال تایوان رخ نداده» و بایدن «بار دیگر بر تعهد امریکا به اجرای سیاست چین واحد و برقراری صلح و ثبات در سراسر تایوان تاکید کرده است.» کاخ سفید همچنین نوشته است که «رییس جمهور در نشست خبری بر عزم دولت ایالات متحده برای اجرای قانون روابط با تایوان که کاخ سفید را ملزم به ارایه ابزارهای نظامی لازم به تایوان برای دفاع از خود می‌کند، تاکید کرد.»

این در حالی است که بر خلاف بیانیه کاخ سفید، خبرنگار مشخصا از رییس جمهور امریکا پرسید «بر خلاف آنچه در اوکراین اتفاق افتاد» آیا ایالات متحده حاضر به درگیر شدن در جنگ نظامی برای دفاع از تایوان است که بایدن نیز بدون تلاش برای تشریح ماجرایی متفاوت، صراحتا وعده داد که امریکا چنین کاری را خواهد کرد.

یک موضع‌گیری مشابه اما مبهم‌تر از رییس جمهور کنونی امریکا نیز درباره این موضوع وجود دارد. در آگوست سال گذشته میلادی، زمانی که انتقادها از دولت امریکا به دلیل خروج نظامیان این کشور از افغانستان افزایش یافته بود، جو بایدن برای اطمینان دادن به متحدان ایالات متحده اعلام کرد اگر «یکی از اعضای ناتو» مورد حمله قرار بگیرد، امریکا به این حمله پاسخ می‌دهد و ادامه داد که «همچنین درباره کره جنوبی، ژاپن و تایوان» نیز همین وضعیت وجود دارد. با این وجود او روشن نساخت آیا «پاسخ» به حمله‌ای علیه اعضای ناتو با «پاسخ» به حمله علیه کره جنوبی، ژاپن و تایوان یکسان خواهد بود یا نه.

دو ماه بعد از این موضع‌گیری، زمانی که در یک برنامه تلویزیونی از بایدن سوال شد آیا از تایوان در برابر یک حمله نظامی محافظت خواهید کرد، رییس جمهور امریکا پاسخ داد: «بله، ما متعهد به این کار هستیم.» این موضع‌گیری نیز واکنش سریع کاخ سفید را در پی داشت که کوشید به سرعت اعلام کند که تغییری در سیاست بلندمدت ایالات متحده در قبال مساله تایوان ایجاد نشده است.

کارشناسان معتقدند در صورتی که اظهارنظر بایدن بر پایه یک تغییر واقعی در سیاست ایالات متحده در قبال تایوان انجام شده باشد، ژاپن با دردسرهای زیادی روبه‌رو خواهد شد. تایوان تنها ۶۵ مایل تا یوناگونی - غربی‌ترین جزیره مسکونی در ژاپن - فاصله دارد و این یعنی در صورت بروز درگیری احتمالی میان ایالات متحده و چین، ژاپنی‌ها که از جنگ جهانی دوم به این سو از درگیر شدن در جنگ خودداری کرده‌اند در وضعیت متفاوتی قرار خواهند گرفت. ناروشیگه میچیشیتا، مدیر برنامه مطالعات امنیتی و بین‌المللی در موسسه ملی مطالعات سیاست در توکیو در این باره می‌گوید: «مسلما آقای بایدن گفت که امریکا وارد درگیری نظامی خواهد شد.» به گفته او، این اظهارنظر به این معناست که قطعا ژاپن نیز وارد درگیری می‌شود.

کاخ سفید، در فاصله کوتاهی از برگزاری نشست خبری جو بایدن، کوشید تا گفته‌های او پیرامون مسأله تایوان را تعدیل و تصحیح کند. در بیانیه‌ای که از سوی کاخ سفید برای رسانه‌ها ارسال شد آمده است «همانطور که رییس جمهور گفت تغییری در سیاست ایالات متحده در قبال تایوان رخ نداده» و بایدن «بار دیگر بر تعهد امریکا به اجرای سیاست چین واحد و برقراری صلح و ثبات در سراسر تایوان تأکید کرده است.» کاخ سفید همچنین نوشته است که «رییس جمهور در نشست خبری بر عزم دولت ایالات متحده برای اجرای قانون روابط با تایوان ملزم به ارائه ابزارهای نظامی لازم به تایوان برای دفاع از خود می‌کند، تأکید کرد.»

دیدار با رهبران کواد

رییس جمهوری امریکا در ادامه سفر آسیایی خود پس از دیدار با رهبران ژاپن قرار است با رهبران هند و استرالیا یعنی اعضای گروه «کواد» دیدار کند. کواد یکی دیگر از سنگ‌بناهای راهبرد بایدن جهت مقابله با نفوذ فزاینده چین است. رویترز به نقل از یک منبع مطلع گزارش داده که بایدن بلافاصله پس از ورود به ژاپن، با رهبران تجاری این کشور در محل اقامت سفیر دیدار و گفت‌وگو کرد.

او روز دوشنبه و پیش از دیدار با نخست‌وزیر فومیو کیشیدا با امپراتور ناروهیتو از طریق تلفن گفت‌وگو کرد. طرح‌های ژاپن در راستای گسترش ظرفیت‌های نظامی‌اش در واکنش به قدرت فزاینده چین از محورهای اصلی گفت‌وگوهای بایدن و کیشیدا بود. رییس جمهوری امریکا همچنین روز دوشنبه از «چارچوب رفاهی اقتصاد هند-آرام» رونمایی کرد که هدف از آن ایجاد پیوندی نزدیک‌تر میان کشورهای منطقه از طریق استانداردهایی مشترک در حوزه‌هایی از جمله انعطاف‌پذیری زنجیره تامین، انرژی پاک، زیرساخت‌ها و تجارت دیجیتالی است. به گفته منابع تجاری و دیپلماتیک، کاخ سفید خواسته بود رونمایی از این طرح بیانگر آغاز رسمی مذاکرات با گروهی از کشورهای همفکر باشد، اما ژاپن به دنبال مشارکت گسترده‌تر بیشترین تعداد کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا بود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد مراسم دوشنبه نشانگر توافقی برای شروع بحث‌ها درباره خود طرح «چارچوب اقتصادی هند و اقیانوسیه برای رفاه» به جای مذاکرات واقعی باشد.

نگرانی‌ها از کره شمالی

این نگرانی وجود دارد که کره شمالی در حالی که آقای بایدن هنوز در آسیا به سر می‌برد دست به آزمایش موشک باقابلیت حمل کلاهک هسته‌ای یا آزمایش یک بمب بزند. خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: احتمال این اتفاق زمانی که جو بایدن هنوز در سئول به سر می‌برد، بیشتر بود. اما با این حال جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده، به خبرنگاران گفت که این تهدید همچنان باقی است. سالیوان با تکرار این اظهارات بایدن که ایالات متحده آماده هر اقدامی از جانب کره شمالی است، گفت که رهبری این کشور می‌تواند انتخاب بکند. وی اظهار داشت: «اگر کره شمالی دست به اقدام بزند، ما نیز آماده هستیم که به آن پاسخ دهیم. اگر کره شمالی کاری نکند، آن وقت همان‌طور که قبلا هم گفته‌ایم، این فرصت را دارد که پای میز مذاکره بیاید.» مقامات امریکایی می‌گویند، پیونگ‌یانگ تاکنون به درخواست ایالات متحده برای گفت‌وگو پاسخ نداده و حتی پیشنهاد کمک برای مقابله با شیوع ناگهانی ویروس کرونا را نیز رد کرده است.

تلاش برای بازگرداندن توجه‌ها به چین

درست در شرایطی که توجه بسیاری از کشورهای جهان به مساله روسیه معطوف شده و آنها نگرانند تبعات جنگ در اوکراین دامنگیرشان شود، جو بایدن رییس جمهور ایالات متحده به آسیا سفر کرده تا بار دیگر توجه متحدان آسیایی را به سوی «تهدید» چین بازگرداند. او چندی پیش نیز در کاخ سفید میزبان رهبران اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا بود.

بسیاری از کارشناسان معتقدند سیاست پیشین دولت امریکا در قبال کشورهای جنوب شرق آسیا که برای دور کردن این کشورها از چین طراحی شده بود، سیاستی نادرست است که نتایج آن نیز نشان می‌دهد هزینه‌ها و انرژی بسیاری که صرف این مساله شده، نسبتی با دستاوردها در این حوزه ندارد. کورت کمپبل، از عالی‌ترین مقام‌های شورای امنیت ملی امریکا در سیاستگذاری‌های مربوط به شرق آسیا ماه گذشته در یک اندیشکده در این باره گفت: «چندین دولت متوالی در ایالات متحده تلاش کرده‌اند تا سیاست‌ها و چارچوب‌های اساسی‌تری را برای ایجاد محوری در راستای مهار چین به کار گیرند، اما همه آنها متوجه شدند که سیاست‌های شان چندان دقیق نبوده و آنها را به سوی اهداف دیگری هدایت کرده است.»

مقام‌های دولت بایدن می‌گویند: غفلت دولت پیشین از تمرکز روی مساله چین و تقویت روابط با کشورهای جنوب شرق آسیا هم علت دیگری بود که باعث شد امریکا دست بالا را در این منطقه نداشته باشد. ارسجاد ارسجید، از اعضای هیات دیپلماتیک اندونزی در سفر رهبران آسه‌آن به امریکا معتقد است یکی از ضعف‌های اساسی امریکا در روابط با کشورهای جنوب شرق آسیا، عدم توجه به اهمیت مساله گسترش سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه تجارت دوجانبه است. بر اساس آمارهای منتشر شده، از سال ۱۹۹۹ به این سو پکن بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا بوده است. در سال ۲۰۲۰ حجم تجارت چین و کشورهای آسه‌آن بیش از ۶۸۵ میلیارد دلار بود که رقمی نزدیک به دوبرابر حجم تجارت ایالات متحده با این کشورهاست.

سوژه روز

چرا آنکارا در مقابل عضویت سوئد و فنلاند در ناتو مانع تراشی می‌کند؟

بهای بله گفتن اردوغان

شهاب شهسواری

درست در روزهایی که دو کشور شمال اروپا بعد از دهه‌ها بی‌میلی برای پیوستن به پیمان نظامی -امنیتی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) تقاضای خود را برای پیوستن به این سازمان اعلام کرده‌اند، رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه اصرار دارد که اجازه نخواهد داد این دو کشور به پیمان ناتو بپیوندند. با این حال بسیاری معتقدند که ترکیه با دریافت امتیازها و مشوق‌هایی از این مخالفت خود دست خواهد کشید، اما هنوز دقیقا مشخص نیست این مشوق‌ها چه هستند. بسیاری معتقدند که ترکیه با لغو محدودیت‌های خرید سلاح‌های پیشرفته از امریکا، از جمله دریافت مجوز خرید جنگنده‌های اف۱۶ و بازگشت به برنامه تولید جنگنده اف۳۵ به اضافه کاهش حمایت‌های غرب از مخالفان دولت مرکزی ترکیه در حزب کارگران کردستان، از مخالفت دست خواهد کشید. اقدام فنلاند و سوئد برای پیوستن به ناتو، بعد از تهاجم نظامی روسیه علیه اوکراین و به دلیل نگرانی‌های این دو کشور از تکرار چنین حمله‌ای از سوی روسیه علیه منافع خودشان انجام شد، روسیه یکی از دلایل تهاجم خود را به اوکراین توسعه ناتو به سمت شرق و خطرات این سازمان برای امنیت ملی خود عنوان کرده بود، اما با اقدام نظامی علیه اوکراین، نه تنها سرعت توسعه ناتو را کم نکرد بلکه باعث شد دو کشور شمال اروپا که دهه‌ها از عضویت در این سازمان اجتناب می‌کردند و عضویت در این پیمان نظامی -امنیتی را در راستای منافع امنیتی خود تلقی نمی‌کردند، به سرعت تصمیم خود را عوض کنند. سوئد و فنلاند، هفته گذشته درخواست عضویت خود را در این سازمان رسما تسلیم ناتو کردند. درخواست این دو کشور هر چند با حمایت قاطع تعداد زیادی از اعضای ناتو برای پیوستن سریع به این سازمان مواجه است، اما برای عضویت در این سازمان باید موافقت هر ۳۰ کشور عضو را جلب کنند.

متحد اردوغان در بالکان

البته ترکیه تنها مخالف احتمالی عضویت سوئد و فنلاند نیست. زوران میلانوویچ، رییس جمهور کرواسی هم گفته است که مانند ترکیه با این عضویت مخالفت خواهد کرد. نکته جالب در اظهارات رییس جمهور کرواسی این بود که تاکید داشت «ترکیه تا پیش از رسیدن به آنچه می‌خواهد، عقب‌نشینی نخواهد کرد... اقدام ما علیه فنلاند و سوئد نیست، بلکه به خاطر کرواسی است.» به نظر می‌رسد که میلانوویچ هم از ترکیه الگوبرداری می‌کند و قصد دارد در ازای رای خود به این عضویت، مشوق‌هایی دریافت کند. خواست او کراین برای ایستادگی در مقابل عضویت سوئد و ناتو، اصلاح قانون انتخابات در کشور همسایه کرواسی یعنی بوسنی و هرزگووین است. اصلاحات مدنظر کرواسی، انتخاب نمایندگان کروات را در پارلمان بوسنی تسهیل خواهد کرد. دیگر مقام‌های کرواسی چندان با این موضع رییس جمهور موافق نیستند. نخست‌وزیر و پارلمان کرواسی رسما حمایت خود را از پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو اعلام کرده‌اند.

نگرانی‌های امنیتی ترکیه

ترکیه می‌گوید که دلیل مخالفتش با عضویت سوئد و فنلاند در ناتو حضور تعداد زیادی از اعضای حزب کارگران کردستان (PKK) در این دو کشور است، ترکیه حزب کارگران کردستان را یک سازمان تروریستی تلقی می‌کند. رجب طیب اردوغان گفته است که نگاه مثبتی به عضویت این دو کشور در ناتو ندارد. اردوغان پنجشنبه هفته پیش در سخنانی گفته بود: «این دو کشور به ویژه سوئد یک آسایشگاه کامل برای تروریست‌ها هستند. به همین دلیل است که ما عزم جدی داریم به سیاست‌مان ادامه بدهیم و به عضویت این سوئد و فنلاند در ناتو نه بگوییم.»

در گفت‌وگوی تلفنی رجب طیب اردوغان با ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو، رییس جمهور ترکیه تاکید کرد: «در صورتی که سوئد و فنلاند نشان ندهند که با ترکیه در خصوص مسائل اساسی، به ویژه مبارزه با تروریسم همراه هستند، ما رویکرد مثبتی به پیوستن این دو کشور به ناتو نخواهیم داشت.» استولتنبرگ هم در پیامی در شبکه اجتماعی توییتر گفته است که باید «تمامی نگرانی‌های امنیتی کشورهای عضو» برای عضویت سوئد و فنلاند در نظر گرفته شود. رییس جمهور ترکیه همچنین در روزهای گذشته با رییس جمهور فنلاند و نخست‌وزیر سوئد هم تلفنی صحبت کرده است. یکی از درخواست‌های اردوغان در گفت‌وگو با مگدالنا اندرسون، نخست‌وزیر سوئد این بود که استکهلم تحریم‌های وضع شده علیه ترکیه برای صادرات سلاح‌های تهاجمی را لغو کند. سوئد، سال ۲۰۱۹ و در پی تهاجم نظامی ترکیه به شمال سوریه، تحریم‌هایی را علیه این کشور وضع کرده بود. با این حال بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کنند که پشت تصمیم رییس جمهور ترکیه برای ایستادگی در مقابل عضویت سوئد و فنلاند در ناتو، انگیزه‌های دیگری وجود دارد.

رای در برابر سلاح

یاپ دی هوپ شفر، دبیر کل پیشین ناتو معتقد است که ترکیه برای رای دادن به عضویت دو کشور جدید در ناتو قیمتی فراتر از موضوع تعدادی از کردهای ساکن سوئد دارد. هوپ شفر به پولیتیکو می‌گوید: «در حال حاضر قیمت مدنظر ترکیه معلوم نیست، اما مشخص است که قیمتی وجود دارد. این احتمال وجود دارد که قیمت موردنظر برداشته شدن مانع فروش جنگنده‌های اف۱۶ از سوی امریکا به ترکیه باشد.» ترکیه برای سالیان متمادی به سادگی از ایالات متحده امریکا جنگنده‌های اف۱۶ و سری جایگزین آن اف۳۵ سفارش داده بود، اما بعد از اینکه سال ۲۰۱۹ دولت ترکیه قرارداد خرید سامانه‌های پدافند موشکی اس ۴۰۰ را عملی کرد، دولت امریکا فروش این جنگنده‌ها را به ترکیه متوقف کرد. علاوه بر این در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در امریکا تحریم‌هایی هم علیه ترکیه وضع شد. پاییز گذشته، دولت ترکیه بار دیگر درخواستی برای سفارش جنگنده‌های اف۱۶ در دولت جو بایدن به امریکا تسلیم کرد، اما همچنان این درخواست در دست بررسی است. به گزارش رویترز وزارت خارجه امریکا در بیانیه توجیهی برای رسانه‌ها نوشته است که تصور می‌شود موافقت با این سفارش در راستای منافع ملی امریکا باشد. در این بیانیه آمده است: «دولت باور دارد که منافع بلندمدت در وحدت و توانایی ائتلاف ناتو وجود دارد به علاوه منافع امنیت ملی، اقتصادی و تجاری امریکا هم که از طریق تجارت دفاعی متناسب امریکا با ترکیه حمایت می‌شود، باید در نظر گرفته شود.» سونر چاغاپتای، مدیر برنامه پژوهش ترکیه در اندیشکده موسسه واشنگتن به نیویورک تایمز می‌گوید که اردوغان احتمالا تلاش خواهد کرد تا در نشست تیر ماه ناتو، مجوز خرید اف۱۶ از امریکا را دریافت کند. در طول سال‌های گذشته ترکیه بارها از قراردادهای نظامی برای ایجاد روابط سیاسی استفاده کرده است. علاوه بر خرید سامانه‌های اس ۴۰۰ از روسیه، آنکارا به تازگی قراردادی برای ساخت یک ناوچه سبک نظامی برای نیروی دریایی پاکستان امضا کرده است.

ناتو بدون ترکیه

ایستادگی اردوغان در مقابل گسترش ناتو، باعث افزایش انتقادهایی از عملکرد دولت ترکیه به ویژه در میان برخی محافل سیاسی امریکایی شده است. جو لیبرمن، سناتور محافظه‌کار پیشین و مارک والاس، سفیر پیشین ایالات متحده در سازمان ملل که هر دو از سیاستمداران افراطی هستند و به سیاست‌های ضدایرانی مشهورند، در یادداشتی برای روزنامه وال استریت ژورنال استدلال کرده‌اند که تحت حاکمیت رجب طیب اردوغان، نمی‌توان گفت که ترکیه به ائتلاف ناتو تعلق خاطر دارد. دنیل پایپس، شرق‌شناس و رییس انجمن خاورمیانه نیز می‌گوید: «ترکیه به دلیل موضع‌گیری‌های خود در خصوص عضویت سوئد و فنلاند، جایگاه خود را در ناتو از دست داده است و وقت آن رسیده تا از این پیمان کنار گذاشته شود.» هیات دبیران پایگاه خبری بلومبرگ هم در یادداشتی می‌نویسد که این نخستین بار نیست که ترکیه به دلیل منافع محدود خودش مانع منافع امنیت جمعی ناتو می‌شود. در این یادداشت آمده است: «پیام ناتو به اردوغان باید ساده باشد: امنیت گروه نباید گروگان یک مهاجم همیشگی باشد.»

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش-۱

در آخرین شب فوتبال باشگاهی اروپا چه گذشت؟

بازگشت‌های دیوانه‌وار با مقدار زیادی درام

گروه ورزش

فوتبال اروپا در شب پایانی ۵ لیگ معتبر خود مثل همیشه برای هواداران سنگ تمام گذاشت و هیجان فوق‌العاده‌ای نصیب آنها کرد؛ با تعداد زیادی اشک و لبخند و گل‌های زیبای رد و بدل شده. در شبی که منچسترسیتی با کامبکی دیوانه‌وار فاتح لیگ جزیره شد و میلان پس از یازده سوال دوباره اسکودتو را بالای سر برد. بازگشتی که کم از کامبک سیتیزن‌ها نداشت.

تقابل منچسترسیتی با استون‌ویلا در هفته آخر و درحالی که این تیم با برد به مقام قهرمانی می‌رسید همه عناصر یک درام جذاب را داشت: حضور استیون جرارد و کوتینیو به عنوان دو لیورپولی سابق روی نیمکت و در ترکیب ویلا. با این توضیح که رقیب مستقیم شاگردان گواردیولا، لیورپول بود که انتظار یک لطف از جانب دو تن از اعضای سرشناس سابق خود را می‌کشید. تیم جرارد با دو گل از منچسترسیتی پیش افتاد. بیراه نبود که همه یاد آن داستان سر خوردن جرارد در زمانی که هنوز بازیکن لیورپول بود افتادند. سر خوردنی که یک جام قهرمانی لیگ را از قرمزهای آنفیلد گرفت. همه با خودشان گفتند استیوی دارد آن لحظه را جبران می‌کند. کوتینو که با وضعیت ناراحت‌کننده‌ای لیورپول را ترک کرد یکی از دو گل تیمش را به ثمر رساند تا او هم به نوعی دل لیورپولی‌ها را دوباره به دست آورده باشد.

اما پپ گواردیولا به عنوان قهرمان قصه وارد عمل شد و در عرض ۵ دقیقه با کمک ستاره‌های آبی‌پوش، جرارد را وادار به لیز خوردن کرد. تیم دیوانه سیتی با زدن ۳ گل به بازی برگشت تا به جای درگیر شدن با خاطره جرارد، یاد آن گل تاریخی سرخیو آگوئرو به کوئینز پارک رنجرز در دقیقه ۹۴ بازی انتهایی فصل ۱۲-۲۰۱۱ را زنده کند. در آن بازی که سیتی برای نخستین قهرمانی‌اش در لیگ برتر می‌جنگید شاگردان مانچینی ابتدا عقب افتادند و سپس با کامبکی که در اوقات اضافه تکمیل شد به جام قهرمانی رسیدند. گواردیولا و شاگردانش در یکشنبه غروب اتحاد آن خاطره تکرار نشدنی را تکرار کردند. درنهایت سیتیزن‌ها باز هم با یک امتیاز اختلاف نسبت به لیورپول فاتح لیگ جزیره شدند. این اتفاق ۳ سال پیش در فصل ۱۹-۲۰۱۸ هم رخ داده بود.

قهرمانی میلان به اندازه قهرمانی سیتی در تک بازی درام نداشت. آنها در فاصله ۳۵ دقیقه از شروع بازی مقابل ساسولو در حالی که با یک تساوی هم قهرمان می‌شدند سه بار دروازه حریف را گشودند تا کار به نوعی تمام شده باشد. آنها کاری کردند که اینتر هرقدر هم در بازی همزمان به سمپدوریا گل بزند فایده‌ای نداشته باشد. میلانی‌ها از دقیقه ۳۵ تا ۹۲ که دانیله دووری سوت پایان بازی را به صدا درآورد فقط زمان را سپری کردند تا به جام قهرمانی برسند. همه چیز مشخص شده بود. حتی گربه سیاه هم نمی‌توانست میلان نسخه مالدینی-پیولی را از رسیدن به اسکودتو بازدارد. درام داستان میلان هم همین بود. روسونری بعد از یازده سال دوری از هرگونه قهرمانی در فوتبال داخلی و خارجی با کسی که هیچ کس تصورش را نمی‌کرد، یعنی با مربی متوسطی به نام پیولی به اسکودتو رسید. با تیمی که شاید معمولی بسته شده بود ولی فعل خواستن را به خوبی صرف می‌کرد. با مدیری به نام مالدینی. با حضور ژنرال‌هایی نظیر ایبراهیموویچ و هرناندز و جنگجویانی مثل لیائو و کالولو و مانیان. بعد از سوت پایان بازی میلانی‌ها در ورزشگاه ماپی به داخل چمن ریختند. درست همان‌طور که سیتیزن‌ها اتحاد را به تصرف خود درآوردند. سپس جام قهرمانی بود که بر فراز دستان فرناندینیو و رومانیولی بالا رفت. با مقدار زیادی کاغذ رنگی سفید آبی و مشکی قرمز.

دست اینتر هم همانند لیورپول با فاصله‌ای اندک از جام کوتاه ماند. لیورپول سه بر یک ولورهمپتون را شکست داد و اینتر سه -صفر سمپدوریا را. احتمالا این بردها غمگین‌ترین پیروزی‌های دو تیم در چند سال گذشته لقب بگیرند.

گزارش-۲

در اهمیت برندسازی باشگاه‌های فوتبال

میلان برگشت، یونایتد هم برمی‌گردد

سامان سعادت

میلان پس از یازده سال قهرمان سری‌آ شد. آنها در این مدت هیچ جامی برنده نشدند. در ده فصل جواز حضور در لیگ قهرمانان را به دست نیاوردند و تقریبا هیچ ستاره‌ای به دنیای فوتبال معرفی نکردند. میلان در شرایطی دچار این وضعیت شده بود که یکی از پرافتخارترین تیم‌های قاره اروپا به حساب می‌آید. در تمام این سال‌ها آنچه مسلم به نظر می‌رسید این بود که میلان بالاخره یک روز برمی‌گردد.

در سال‌های گذشته یعنی در دهه ۶۰ تا ۹۰ میلادی تعدادی از تیم‌های لیگ‌های مختلف اروپایی موفقیت‌های قابل توجهی کسب کردند. ناتینگهام فارست و استون‌ویلا، استوا بخارست، ستاره سرخ بلگراد، مارسی و چند تیم دیگر قهرمان لیگ قهرمانان یا همان جام باشگاه‌های اروپای سابق شدند. این تیم‌ها در سال‌های بعدی یا کلا رو به نابودی گذاشتند مثل ناتینگهام فارست یا تبدیل به یک تیم کاملا معمولی شدند و برعکس میلان، آن‌طور که به نظر می‌رسد هرگز نخواهند توانست بدون یک پولدار عرب یا روس یا امریکایی که به یک‌باره بیاید و تیم را بخرد و دلار خرج کند به موفقیتی در آن سطح برسند.

در حال حاضر تیم‌های زیادی را می‌توان مثال زد که در دوره‌ای رو به افول گذاشتند اما بعد از چند سال و تغییر یک چرخه مشخص به روال سابق بازگشتند. مثل لیورپول، اینتر یا حتی یوونتوسی که به خاطر داستان کالچوپولی راهی سری بی شد. این تیم‌ها توانستند خودشان را احیا کنند. تیم‌های دیگری را هم می‌شود نام برد که امروز در سراشیبی به سر می‌برند اما همه این اطمینان را دارند که آنها به زودی با قدرت برخواهند گشت، مثل منچستریونایتد که همین یکشنبه شب لیگ جزیره را با ایستادن در رتبه ناامیدکننده ششم به پایان رساند ولی هیچ‌کس حتی لحظه‌ای تصور نمی‌کند که آنها به صورت کامل از جمع مدعیان همیشگی جام فاصله گرفته‌اند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت آنچه میلان و لیورپول و اینتر و یووه داشتند و دارند و ناتینگهام فارست و دربی کانتی و لیدز و استون‌ویلا و استوا بخارست نداشتند، قدرت برند است. تیم‌های مطرح امروز اروپا به جز آنهایی که در چند سال گذشته با دلارهای نفتی و گازی برجسته شدند در برهه‌ای که برندینگ در دنیا باب شده بود، توانستند بدرخشند و خواسته یا ناخواسته، هدفمند یا اتفاقی برند خودشان را پرورش دادند و تبدیل به یک برند بین‌المللی کردند. همین برند است که امروز آنها را نجات داده است. همین برند است که باعث می‌شود آنها هرگز فراموش نشوند.

باشگاه‌هایی نظیر میلان و منچستر با همان برندی که قبلا ساخته‌اند توانستند خودشان را در سطحی قابل توجه نگه دارند. همیشه در راس اخبار بمانند. بازیکن بزرگ بگیرند. در فضای مجازی مخاطب جذب کنند و از طریق فروش پیراهن و حق پخش همیشه درآمد قابل توجهی به جیب بزنند.

برند برای اولین‌بار در دهه ۶۰ مطرح شد و ارتباط مستقیمی با مبحث تجاری‌سازی پیدا کرد. تیم‌هایی که در دهه ۸۰ و ۹۰ و اوایل قرن جدید که برندسازی بحث اول فعالیت‌های تجاری بود، توانستند بار خودشان را ببندند تا حدود زیادی جای پای‌شان را در فوتبال اروپا سفت کنند. آنها از قابلیت وفاداری در فوتبال هم نهایت استفاده را بردند. از اینکه وقتی کسی طرفدار تیمی می‌شود هرگز آن را در بدترین شرایط هم عوض نمی‌کند. آنهایی که در دهه ۸۰ و ۹۰ برندهای فوتبال روز دنیا را شناختند و طرفدار یک تیم خاص شدند، هنوز طرفدار همان تیم هستند. آنها شاید در این سال‌ها مارک کفشی که می‌پوشند یا سیگاری که می‌کشند را عوض کرده باشند اما هرگز تیم محبوب‌شان را نه عوض کردند و نه عوض خواهند کرد. این وضعیت در مورد تیم‌هایی که در این سال‌ها برندسازی کردند هم صدق می‌کند. تیم‌هایی نظیر منچسترسیتی، پاری‌سن‌ژرمن یا اتلتیکومادرید که حالا طرفداران بین‌المللی زیادی دارند. این تیم‌ها هرگز به سرنوشت بوروسیا مونشن گلادباخ که در سال ۷۷ یا سنت‌اتین که در یک سال قبل از آن فینال لیگ قهرمانان اروپا را تجربه کردند نخواهند شد. حتی اگر یازده سال دست‌شان به هیچ جامی نرسد باز خواهند گشت. درست مثل میلان که در سال ۲۰۱۱ میلان بود و امروز هم میلان است و تا همیشه به عنوان یکی از قطب‌های فوتبال اروپا شناخته خواهد شد.

گفت‌وگو

تلنگر مدیرعامل سابق استقلال به مجمع فدراسیون فوتبال

یادتان نرود چه هیات رییسه و رییس ناتوانی انتخاب کردید

علی ولی‌اللهی

مدیر ارشد ورزش ایران در گذشته معتقد است مجمع عمومی فدراسیون فوتبال باید زمانی را برای تنفس درنظر بگیرد تا فدراسیون برای انتخاب رییس جدید آماده شود.

مجمع عمومی فدراسیون فوتبال روز ده خرداد برگزار خواهد شد. این می‌تواند یکی از جنجالی‌ترین جلسات مجمع در سال‌های اخیر باشد. در این نشست در مورد سرنوشت شهاب‌الدین عزیزی خادم و چند نفر از اعضای هیات رییسه تصمیم‌گیری خواهد شد. امیررضا واعظ آشتیانی معاون اسبق سازمان تربیت بدنی در این رابطه به روزنامه اعتماد گفت: «اول از همه باید ببینیم دستور جلسه مجمع چیست. نکته بعد اینکه اساسنامه چه تصمیماتی را براساس دستور جلسه به مجمع داده. اگر اساسنامه اجازه می‌دهد و دستور جلسه انتخاب مجدد باشد که بعید می‌دانم. اگر استماع گزارش هیات رییسه از وضعیت فدراسیون فوتبال و اتفاقاتی که در گذشته رخ داده باشد منطقی است.» ایشان افزود: «پیشنهادم به مجمع این است که مجمع را صرفا یا برای استماع گزارش هیات رییسه بگذارند یا اینکه به مجمع تنفسی بدهند. باز هم می‌گویم اینها برمی‌گردد به اساسنامه که چه تعریفی دارد. این تنفس می‌تواند یک زمان خاص باشد که منجر به انتخابات جدید باشد.»

معاون سابق سازمان تربیت بدنی در واکنش به بحث امکان عزل تمامی اعضای هیات رییسه گفت: «اگر تحت هر شرایطی این اجازه باشد که به هر شکلی هیات رییسه عزل شود کار درستی نیست. حتی اگر اساسنامه اجازه دهد، چراکه شرایط بحرانی‌تر از قبل خواهد شد. ما جام جهانی را پیش رو داریم و یک‌سری تدارکات را باید درنظر بگیریم. نباید به هیات رییسه دست بزنند اما در تنفسی که ایجاد می‌شود، می‌توان شرایط را فراهم کرد برای کاندیداتوری افراد چه برای ریاست فدراسیون چه هیات رییسه. من هیات رییسه را هیات رییسه توانا و پرتلاشی نمی‌بینم، ولی برداشتن‌شان در این شرایط را هم منصفانه و منطقی نمی‌دانم.» این مدیر ورزش کشورمان در ادامه با اشاره به امکان بدتر شدن وضع در صورت اتخاذ تصمیم احساسی توسط مجمع اظهار داشت: «مجمع باید خردمندانه تصمیم بگیرد. عواقب تصمیش را خوب بررسی کند. مثل یک سال پیش که آمدند و این هیات رییسه ناتوان و رییس ناتوانی را انتخاب کردند، مجددا به سمت این حرکت نروند. جلسه چند روز آینده یک جلسه‌ای باشد همراه با منطق و خردمندی و دوراندیشی. تحلیلم این است که تغییر هیات رییسه در این شرایط به صلاح نیست و پیشنهادم یک تنفس با زمانی مشخص است. استماع گزارش هم باشد. بعد زمانی در نظر بگیرند برای انتخابات در آینده. این خیلی بهتر است تا اینکه بروند هیات رییسه را عزل کنند و افراد دیگری را انتخاب کنند. این خودش جای بحث دارد. وقتی عزل می‌کنند یعنی فدراسیون دیگر هیچ‌کس را ندارد. نمی‌توانند همان موقع عزل کنند باز یک عده دیگر را انتخاب کنند.»

واعظ آشتیانی در واکنش به احتمال ابقای عزیزی خادم گفت: «بحث ابقا یا عزل ایشان که با توجه به حکم کمیته اخلاق که منتفی است. ایشان می‌تواند از دستور جلسه خارج شود، ولی گزارش هیات رییسه در ارتباط با اتفاقاتی که باعث شد رییس فدراسیون عزل شود قابل توجه می‌تواند باشد.»

مدیرعامل سابق استقلال در واکنش به این سوال که آیا آماده‌سازی تیم ملی با این وضعیت قابل قبول است، پاسخ داد: «باید از همین حالا تدابیری برای درآمدزایی از فرصت حضور در جام جهانی پیش‌بینی کنیم. مسائل فرهنگی و اقتصادی بسیار مهم هستند. وزارت ورزش و نهادهای دیگر باید بیایند کمک کنند. این یک فرصت است برای کشور ما. اگر قرار باشد برویم جام جهانی و سه تا بازی ببازیم که تکرار رویه‌های گذشته است. اما اگر نگاه بر این است که در جام جهانی از گروه بالا برویم باید از نظر پشتیبانی و فرهنگی و اقتصادی و حتی سیاسی مسائل را مورد ارزیابی قرار دهیم و با دست پر به جام جهانی برویم. در دوره گذشته یادتان هست لباس تیم ملی را خریدند. با این بهانه که تحریم هستیم و برندهای لباس نمی‌آیند جلو در حالی که برندهای دیگر بودند. امیدوارم کار کارشناسی از همین الان آغاز شود تا در نزدیکی جام جهانی کارمان به اما و اگر نکشد.»

پیشخوان
Pishkhan.com

جدول

		۸		۲				
		۷			۴		۳	
	۹			۱		۷		۵
۴			۱			۳		۲
			۵		۸			
۸		۹			۲			۱
۱		۲		۸			۵	
	۴		۳			۲		
				۹		۱		

سودوکو

۱	۷	۶	۴	۵	۸	۳	۲	۹
۴	۳	۹	۶	۱	۲	۷	۸	۵
۲	۸	۵	۹	۳	۷	۱	۴	۶
۳	۶	۲	۱	۹	۴	۵	۷	۸
۹	۵	۱	۷	۸	۳	۲	۶	۴
۷	۴	۸	۵	۲	۶	۹	۳	۱
۵	۲	۴	۸	۷	۱	۶	۹	۳
۸	۹	۳	۲	۶	۵	۴	۱	۷
۶	۱	۷	۳	۴	۹	۸	۵	۲

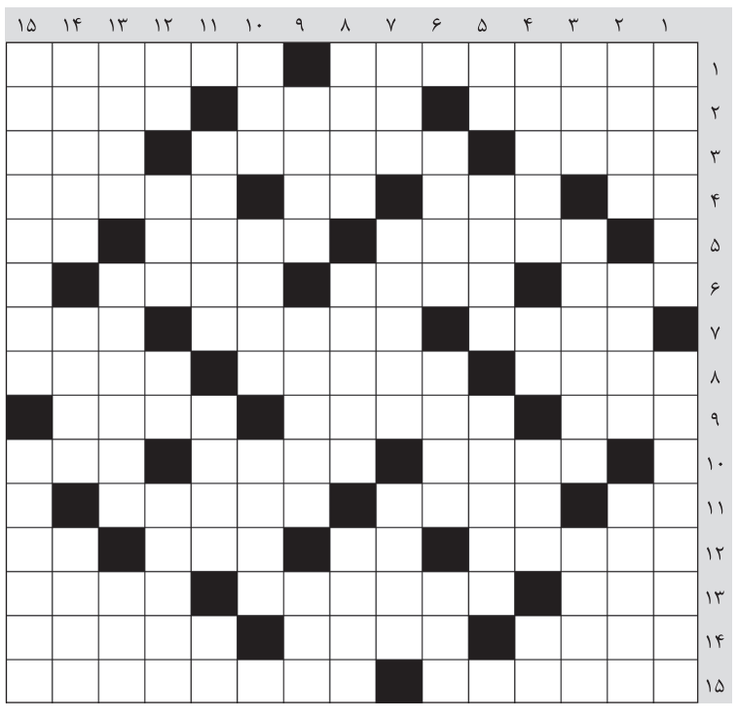

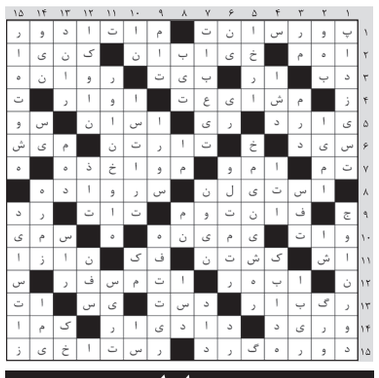

متقاطع

افقی

۱-کانالیزه-آتش‌انداز گلخن
۲-فرزندان-زن نیکوکار فرعون-گیرنده موجی
۳-واحد پول امارات-استمرار و پیوستگی-محل اجرای ورزش باستانی
۴-مزه خرمالو-نشانه‌الهی-چهارمن تبریزی-کلانتر
۵-کشور آفریقایی-باربر شهری-سراب
۶-ذبح شتر-مرتفع‌ترین آبشار جهان-وطن
۷-باسکول-جاخرید لباس-فوت
۸-دستمزد-فلات آسیا-لباس
۹-ننر-دیاستاز-ضروری
۱۰-مایه ماست-حکایتگر-درد
۱۱-نا پیدا-مشکوک به خطا-روستای آجیل و تخمه تهران
۱۲-آلت و ابزار-غذای بیمار-کلیسا-مرغ می‌رود
۱۳-حرارت-نژاد کشور اتریش-رازیانه
۱۴-مسابقات اتومبیلرانی-پرچم و بیرق-روز تولد
۱۵-زراد-کارامل

عمودی

۱-از شهرهای خوزستان-از شهرهای لرستان
۲-بازار سهام-طالب حق و حقیقت-میخ
۳-سر انسان-ولید-شاخه میان تهی
۴-وزیر فرعون-همراه آشغال-از شهرهای مازندران-بله لاتین
۵-ناپسند-واحد نظامی-میل به غذا داشتن
۶-گاز مرداب-بادبزن برقی-همراه تب
۷-عدل و انصاف-یکدنده-قابله
۸-طرف چپ-مخترع دوربین سینما-دارای شوق و علاقه
۹-اسباب بازی قدیمی-پوست بز دباغی شده-بدبوی
۱۰-آهن-نامی پسرانه-گشادگی میان دو کوه
۱۱-فن-مادر بزرگ-دست مالیدن
۱۲-توان آخر-درل-مکان-بایگانی
۱۳-ضیق-ظاهر و آشکار-پروانه هواپیما
۱۴-دختر کوروش-فالگیر-پر دلی
۱۵-از شهرهای هرمزگان-به چشم دیدن

گزارش

گزارش «اعتماد» از جشنواره کن ۲۰۲۲

ایرانی‌ها روی فرش قرمز

لادن موسوی

بالاخره نوبت به نمایش فیلم‌های ایرانی در جشنواره کن هم فرا رسید و «عنکبوت مقدس» به نمایش درآمد. سومین ساخته کارگردان جوان ایرانی-سوئدی «علی عباسی» که با فیلم دومش «مرز» در بخش نوعی نگاه جشنواره ۲۰۱۸، جایزه اصلی این بخش را از آن خود کرد. امسال و با فیلم سومش، «علی عباسی» در بخش اصلی جشنواره حضور دارد. این کارگردان قصد داشت این فیلم را که داستانش در مشهد می‌گذرد در ایران بسازد. او به همین دلیل با فیلمنامه‌اش به ایران آمد و با یکی از تهیه‌کنندگان قدیمی و پرسابقه ایران هم به گفت‌وگو نشست. به دلایلی اما این فیلم نتوانست در ایران ساخته شود. پس «عباسی» و فیلمنامه‌اش از ایران رفتند و بالاخره این فیلم در کشور «عمان» و با تهیه‌کننده‌های سوئدی ساخته شد. بنابراین در اصل «عنکبوت مقدس» جزو فیلم‌های محصول ایران محسوب نمی‌شود. هر چند که در کن و بین اهالی سینما و مطبوعات، «عنکبوت مقدس» همان قدر فیلمی ایرانی است که «برادران لیلای»، «سعید روستایی»، «علی عباسی» اما تمام تلاش خود را کرده تا بتواند مشهد و حرم مقدس امام رضا(ع) را در عمان خلق کند که نتیجه آن جالب توجه است.

داستان فیلم درباره قاتل سریالی «سعید حنایی» معروف به «عنکبوت» است که حدود بیست سال پیش در شهر مشهد شروع به کشتن زنان خیابانی کرد و ۱۶ زن را کشت، قبل از اینکه توسط پلیس دستگیر شده و سپس اعدام شود.

«مهدی بجستانی» و «زهرا امیر ابراهیمی» بازیگران اصلی فیلم هستند که در کنفرانس خصوصی مخصوص فیلم‌های اسکاندیناوی خوشحالی خود را از حضور در فیلم و بازی در فیلم «عباسی» ابراز کردند.

«مهدی بجستانی» که نقش قاتلی زنجیره‌ای را بازی می‌کند، بازیگری است که بیشتر در تئاتر سابقه کار دارد. او در گفت‌وگویی با «اعتماد» اشاره کرد: «بازی در نقش این قاتل دیوانه برای من واقعا جالب بود. چون اساسا پیچیدگی مغز این افراد برای من عجیب است. او ادامه داد: «من و این شخصیت نقطه‌های مشترکی داشتیم. مثلا من هم موتور داشته‌ام و من هم مدتی در کار ساختمانی بوده‌ام و این اشتراکات، با وجود فرق‌های زیادی که داریم، بازی در این نقش را برای من جالب‌تر کرد. دیگر بازیگر نقش اول فیلم، «زهرا امیرابراهیمی» گفت که اصلا قرار نبوده در این فیلم بازی کند و مدیر انتخاب بازیگران فیلم بوده است. اما با جلو رفتن پروژه و پیدا نکردن بازیگر نقش اول، بالاخره و به اصرار «علی عباسی» برای فیلم تست بازیگری داده و هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که او بهترین انتخاب برای این نقش است.

نمایش اصلی فیلم در ساعت چهار بعد از ظهر در سالن اصلی جشنواره کن «لویی لومیر» برگزار شد. معمولا نمایش اصلی و فرش قرمز فیلم‌ها در ساعت ۷ و ۹ شب است. اما هر ساله دو، سه فیلم که ستاره‌های شناخته شده ندارند، در ساعت چهار بعدازظهر نمایش داده می‌شوند. امسال فیلم «علی عباسی» در این دسته از فیلم‌ها قرار داشت.

از سالن «لویی لومیر» و فرش قرمز جشنواره بیشتر بدانیم؛ جشنواره کن سالن‌های نمایش مختلفی دارد که «لویی لومیر» بزرگ‌ترین آنهاست که تمام نمایش‌های اصلی فیلم‌های بخش مسابقه و همین‌طور مراسم افتتاحیه و اختتامیه جشنواره در آن برگزار می‌شود. فرش قرمزی که بزرگ‌ترین و پرزرق و برق‌ترین بازیگران جهان، هر ساله از آن بالا می‌روند، به این سالن ختم می‌شود که با احتساب بالکنش، بیش از دو هزار و سیصد صندلی دارد. این سالن که در سمت راست کاخ جشنواره قرار دارد اما تنها سالن جشنواره نیست. دومین سالن بزرگ جشنواره سالن «دبوسی» است که در سمت چپ کاخ جشنواره است و تقریبا هزار صندلی دارد. هر دو این سالن‌ها به کاخ جشنواره راه دارند اما ورودی‌شان از خارج از کاخ است. در داخل کاخ هم سالن‌های کوچک و بزرگی وجود دارند که سالن «بازن» و «بونوئل» بزرگ‌ترین آنها هستند.

و اما به اتفاقات دیروز و نمایش «عنکبوت مقدس» برگردیم. اتفاق جالبی که هنگام بالا رفتن از فرش قرمز این فیلم افتاد، حضور زنان فمینیست فیلم «جوابیه فمینیست» بود که با طوماری بلند در دست، که چند نفری و با لباس‌های سیاه آن را حمل می‌کردند، از پله‌های جشنواره بالا رفتند و طومار را جلوی دوربین‌ها باز نگه داشتند. روی طومار اسم صد و بیست زنی که از زمان برگزاری جشنواره در سال گذشته، تا به امروز، به دست همسران و مردان خانواده‌شان در فرانسه کشته شده‌اند، نوشته شده بود. آمارهای وزارت کشور در فرانسه نشان می‌دهد که هر سه روز یک زن در فرانسه بر اثر خشونت خانگی کشته می‌شود. این زنان با مشعل‌هایی که دود سیاه از آنها خارج می‌شد و چهره‌هایی گرفته و در سکوت روی پله‌ها ایستادند تا توجه همه را به زنان و خشونت خانگی جلب کنند.

نمایش «عنکبوت مقدس» اما با ورود عوامل به سالن «لویی لومیر» و تشویق تماشاگران آغاز شد. بعد از اتمام فیلم تماشاگران مدتی خیلی طولانی برای فیلم دست زدند و گروه را تشویق کردند.

اگر انتظار فیلمی آرام و صاف و ساده را دارید یا روحیه‌تان حساس است، دیدن این فیلم را به هیچ‌وجه به شما توصیه نمی‌کنم. با اینکه عباسی در فیلم قبلی‌اش «مرز» ما را به دیدن تصاویری خام که به قول خودش «به صورت آدم سیلی می‌زنند» عادت داده بود، اما این بار خیلی جلوتر از آن رفته. فیلم به‌شدت خشن است و کارگردان جوان از نشان دادن کامل صحنه‌های قتل و خفه کردن زنان به دست قاتل هیچ ابایی نداشته. صحنه‌هایی که به‌شدت زننده هستند و می‌توانند خیلی‌ها را معذب و اذیت کنند. چندین بار و هر بار چندین دقیقه با این گونه صحنه‌ها رو به رو هستیم. نکته مهم اما ساخت فضای شهر مشهد است که ماجرای فیلم در آن می‌گذرد، در کشوری دیگر رخ می‌دهد فیلم در کشور «عمان» فیلمبرداری شده ولی «عباسی» تمام سعی خود را کرده تا بتواند این حس را به تماشاگر القا کند که در ایران و شهر مشهد هستیم. به این منظور نور فیلم در صحنه‌های خارجی که اکثرا در شب می‌گذرند به‌شدت کم است تا بتواند شهر را محو کند و دکورهای ساخت فیلم را به چشم آورد و باید گفت که در این زمینه موفق هم بوده است. چون هنگام تماشای فیلم به باور مورد نظر او می‌رسیم و حس پرسه زدن در کوچه، پس کوچه‌های مشهد را داریم. علاوه بر اینها، «عباسی» مانند فیلم قبلیش، این بار هم از نماهای بسته فراوانی در فیلمبرداری استفاده کرده. او که می‌گوید به فیلم‌های ایما و ایهامی که از نشانه و استعاره برای حرف زدن و تعریف صحنه و اتفاقات حساس، مثل فیلم‌های ایرانی استفاده می‌کنند علاقه‌ای ندارد، انتخاب کرده تا تمام حرف‌هایش را و تمام اتفاقات را به‌طور صریح و بی‌پرده و با نماهای بسته و کلوزآپ نشان بدهد.

اینکه این مدل فیلمسازی و به تصویر کشیدن خوب است یا نه، نگاهی کاملا شخصی است. همان‌طور که از نمره‌ها و نقدهای خبرنگاران در کن معلوم است، عده‌ای این نگاه و کارگردانی «عباسی» را دوست داشته‌اند و عده‌ای اصلا خوش‌شان نیامده، چون وقتی نمره‌های مجله‌های «اسکرین» و «فیلم فرانسه» که برای‌تان از آنها گفتم را می‌بینیم، «عنکبوت مقدس» بهترین نمره و بدترین نمره‌ها را در کنار هم از آن خود کرده. بنابراین میانگین نمره فیلم به‌شدت متوسط است.

و اما فیلم‌های بخش مسابقه همیشه صبح روز بعد کنفرانس خبری دارند که در سالن کنفرانس کاخ جشنواره برگزار می‌شود و خبرنگاران با توجه به صندلی‌های موجود و رنگ کارت‌های‌شان می‌توانند در آن شرکت کنند و طی یک ساعت، سوالات خود را از گروه فیلم حاضر در سالن بپرسند. در جلسه مطبوعاتی فیلم «عنکبوت مقدس» نویسنده و کارگردان فیلم «علی عباسی»، دو تهیه‌کننده سوئدی فیلم و دو بازیگر نقش اول فیلم حضور داشتند.

علی عباسی در این جلسه گفت «فیلم من فقط درباره یک قاتل زنجیره‌ای نیست. درباره جامعه‌هایی است که قاتلین زنجیره‌ای زنان هستند.» او در ادامه توضیح داد: «هنگامی که این رویدادها رخ داد من در ایران زندگی می‌کردم و با اینکه روزنامه‌ها خیلی درباره‌اش صحبت نمی‌کردند ولی ترس و وحشت جامعه ایران را فرا گرفته بود. بعد از دستگیری قاتل اما سوژه تبدیل به موضوعی جنجالی شد. در واقع بیست سال است که من به موضوع این فیلم فکر می‌کنم و قصد ساخت آن را داشتم و خوشحالم که بالاخره برای سومین تجربه سینمایی خود توانستم آن را بسازم.» او در ادامه و در جواب خبرنگاری که از دقیق و درست بودن وقایع از او پرسید جواب داد: «فیلم من برگرفته از ماجرای «سعید حنایی» است ولی فیلمی داستانی است و اصلا درست نیست که فکر کنیم این داستان واقعی آن قاتل است. این فقط یک فیلم است که از آن ماجرا برداشتی آزاد کرده است.»

او در آخر اضافه کرد که فیلمش بر ضد هیچ کس یا هیچ دولت و مردمی نیست. «من فکر نمی‌کنم که «رومن پولانسکی» فیلم «محله چینی‌ها» را ساخت چون بر ضد پلیس نیویورک بود! فیلم من فقط یک فیلم «توار» (سیاه) است که داستان تلخ و سیاه یک قاتل زنجیره‌ای را به تصویر می‌کشد.»

اینکه آیا «عنکبوت مقدس» می‌تواند خود را در جمع فیلم‌هایی که در جنگ برای نخل طلا هستند، جا کند، فکر نمی‌کنم. اما احتمال اینکه فیلم جایزه‌ای جنبی بگیرد وجود دارد. به شخصه، کمی سرخورده از سالن سینما بیرون آمدم چون بعد از فیلم بی‌نظیر و استثنایی «مرز» انتظار دیگری از «علی عباسی» داشتم که متاسفانه برآورده نشد. فیلم‌هایی با موضوع قاتلین زنجیره‌ای و این سبک کار را زیاد دیده‌ایم. حتی در همین جشنواره هم می‌توان «عنکبوت مقدس» را با «پسری از بهشت» مقایسه کرد که خوب فیلم دوم که آن هم محصول کشور سوئد است فیلم زیباتری است، هر چند «عنکبوت مقدس» تماشاگر را بیشتر درگیر خود می‌کند.

اشتباه نکنید، «عنکبوت مقدس» فیلم بدی نیست، اما قطعا در کارنامه فیلمسازی «علی عباسی» بالاتر از «مرز» قرار نمی‌گیرد و جهشی به جلو برای کارگردان جوان به حساب نمی‌آید.

حالا اما باید به انتظار نشست و دید که آیا «عنکبوت مقدس» تارهای خود را درست تنیده و جایزه‌ای از جشنواره را در تور خود گرفتار می‌کند یا خیر.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با زهره قلی‌پور، ردیف‌دان و خواننده آواز اصیل ایرانی

پرواز با نغمه‌های عربی و ایرانی

سیمین سلیمانی

زهره قلی‌پور فارغ‌التحصیل نوازندگی سنتور از دانشگاه هنر تهران است؛ او در دوران کودکی و دانش آموزی تلاوت قرآن را به طور جدی کار می‌کرده و در این زمینه بسیار علاقه‌مند بوده است. قلی‌پور موسیقی را با سنتور و شهرام توسلی شروع کرد که از شاگردان فرامرز پایور و پرویز مشکاتیان است. بنابراین بی‌راه نیست اگر او را شاگرد باواسطه این دو نام بلند موسیقی ایران بدانیم. این خواننده آواز اصیل ایرانی به طور مستقل آلبوم ردیف آوازی «فرود متمم» را به روایت عبدالله دوامی منتشر کرده است؛ استاد مشاور او در این پروژه، شاگرد عبدالله دوامی، مجید کیانی بوده که در یادداشتی، اجرای این اثر را قابل‌قبول و زیبا توصیف کرده است؛ در شناسنامه این کار ذکر شده است که آوازها به پیشنهاد استاد مشاور بدون همراهی ساز و تنها با صدای خواننده اجرا و ضبط شده و صحت تمامی جملات و حالت‌های آوازی مورد تایید او قرار گرفته است. با این ردیف‌دان و خواننده آواز اصیل ایرانی گفت‌وگو کردیم.

■ تا جایی که می‌دانم، شما با نوازندگی سنتور شروع کردید و بعد گرایش‌تان به سوی آواز رفت. همین‌طور است؟

راستش اولین خاطره‌ای که از خودم به یاد دارم مربوط به سن هفت سالگی است؛ یک ضبط صوت قدیمی داشتیم و همیشه روشن بود. پدرم علاقه زیادی به موسیقی داشت و همیشه آن ضبط صوت در حال پخش موسیقی بود. آن زمان به یاد دارم که با آن ضبط بسیار زمزمه می‌کردم. پدرم که علاقه زیادی به خواندن داشت و خوب هم می‌خواند، در کودکی مشوق اصلی من در قرائت قرآن شد و مرا به خواندن قرآن تشویق می‌کرد. در سال‌های دهه ۶۰ که مدرسه می‌رفتم، مسابقات قرآن و تواشیح در مدارس بسیار زیاد برگزار می‌شد و من که از ۹ سالگی سر صف برای بچه‌ها قرآن می‌خواندم، کم کم وارد این عرصه شدم. آن زمان خانم‌ها باید با خانم‌ها کار می‌کردند. بنابراین من هیچ استادی نداشتم. برای تمرین تنها یک نوار کاست از شحات انور قاری مصری داشتم که بسیار هم به تلاوتش علاقه‌مند بودم. در مسابقات دانش‌آموزی بدون اینکه کسی از من بخواهد یا تشویقم کند یا کلاسی بروم، با برنامه‌ریزی از اول سال به‌طور مستمر شروع به تمرین می‌کردم و به مرحله کشوری هم می‌رسیدم. این روال ادامه داشت تا پایان دبیرستان که در اردوگاه دانش‌آموزی مسابقات کشوری یکی از داورها از ارتباط موسیقی با قرائت قرآن گفت و از یکی از قاریان درجه یک مصری که موزیسین هم بود، مثال آورد. من علاقه‌مند به تحقیق در زمینه ارتباط بین نغمات عربی و موسیقی ایرانی شدم و از آنجایی که از دوران راهنمایی با سنتور نیز خاطراتی داشتم که پی آن را نگرفته بودم، در فکر فرو رفتم؛ تا اینکه مدتی بعد به‌طور کاملا اتفاقی یک سنتور وارد زندگی من شد و با وجود اینکه رشته تحصیلی‌ام تجربی بود و همه به قبولی‌ام در رشته پزشکی امید داشتند، در رشته موسیقی دانشگاه هنر تهران تحصیل کردم. الان هرچه که هستم و اگر قدمی در آواز برداشته‌ام همه را مدیون سال‌هایی هستم که قرآن کار کرده‌ام و به هر ترتیب آن تجربه، در زمینه آواز نیز خیلی به من کمک کرد.

■ سال‌ها به صورت حرفه‌ای قرآن خواندن به نظر تا حدی می‌تواند سبب تسلط بر فواصل و آواز عربی هم بشود. در مورد شما تا چه حد این تجربه کمک کرد؟

مقام‌ها یک سری اشتراکات دارند. در اصل نوازندگان و موزیسین‌های ایرانی بودند که در اوایل اسلام به خارج از ایران و کشورهای مختلف عربی سفر کرده و مقام‌های موسیقایی ایرانی را اشاعه دادند و اعراب هم این مقام‌ها را از ایرانیان یاد گرفتند؛ به این دلیل که خیلی از فواصل در موسیقی عربی و ایرانی مشترک هستند. به‌طور مثال سه‌گاه را هم در موسیقی عرب داریم هم در آواز ایرانی و خیلی از نغمه‌ها تقریبا همان نغمه‌های ایرانی هستند، حالا اعراب به سبک و سیاق خودشان هر کدام را به سه بخش خلاصه کرده‌اند؛ در صورتی که ایرانیان در این زمینه خیلی پیشرفته‌تر هستند مثلا در همین ردیف آوازی مکتوب عبدالله دوامی، بیش از ۱۸۰ گوشه یا قطعه موسیقایی داریم. از طرفی من از حدود ۹ سالگی عملا اجرا در مقابل جمعیت را تجربه کرده‌ام؛ با این تفاوت که آن زمان با قرائت قرآن بود و حالا با آواز ایرانی است. این کار به من اعتماد به نفس زیادی داده است و از ابتدا جذابیت و لذت اجرا را درک کرده‌ام و ترسی از روی صحنه رفتن ندارم. اینها تجربیاتی است که هنرجوی تازه‌وارد در قالب واحدهای درسی می‌آموزد؛ اما من از بچگی آنها را تجربه کرده‌ام.

■ برویم سراغ اثر آخرتان «فرود متمم»؛ چرا ردیف دوامی را انتخاب کردید؟

این ردیف یک ردیف مرجع است و سال‌ها مورد استفاده موزیسین‌ها، آهنگسازان، نوازندگان و خوانندگان قرار گرفته. مخصوصا نمونه صوتی قدیمی که با صدای خود مرحوم دوامی ضبط شده است. زمانی که تصمیم گرفتم این ردیف را ضبط کنم تحقیقات بسیاری کردم. در ابتدا هدفم کار کردن سولفژ ایرانی بود به شکلی که فواصل را در سولفژ بیشتر درک کنم و برای این کار هر روز کتابی که استاد پایور گردآوری و آوانگاری کرده را ورق می‌زدم و هر بار تعدادی از گوشه‌ها را می‌خواندم و برای تطبیق آنها با صدای استاد دوامی، به نمونه صوتی ایشان رجوع می‌کردم. در مسیر این کار متوجه شدم که هیچ نمونه صوتی کامل و در دسترسی نیست؛ به جز نمونه‌ای که استاد دوامی ظاهرا در بستر بیماری ضبط کرده بودند. اینگونه بود که تصمیم گرفتم خودم دست به ضبط و انتشار نسخه صوتی این ردیف بزنم. کار سنگینی بود؛ به ویژه خصوصیات و ویژگی‌های آن اکثرا با صدای آقایان تطبیق دارد و جواب می‌دهد؛ تمام اینها دست به دست هم داد تا روی این ردیف تمرکز کنم.

■ اشاره‌ای داشتید به تفاوت صدای زنانه و مردانه و ویژگی‌های هر کدام؛ در این خصوص هم بیشتر صحبت کنید. طبیعتا اصول آوازی ثابت است.

بله، اصول یکی است. این موضوع البته بسیار تخصصی است و به نظرم مجموعه‌ای از بحث‌های تخصصی را می‌طلبد تا بتوان بهتر به آن پرداخت. عنوان پایان‌نامه دانشگاه من، «مردانگی در آواز زنان ایران» بود و این عنوانی بود که یکی از اساتیدم معرفی کرد در حالی که خودم با عنوان آن مخالف بودم. این استاد اعتقاد داشت که زنان ایران، آواز را مردانه می‌خوانند و اینکه چقدر حرف‌شان درست است خودش جای بحث بسیار دارد؛ اما به‌طور کلی می‌توانم بگویم تفاوت‌ها در ویژگی‌ها وجود دارد و طبیعی است اما اصول یکی است. آواز ایرانی اصولی مشخص دارد که باید رعایت شود تا تبدیل به آواز ایرانی شود و تفاوتی نمی‌کند که آن را آقا می‌خواند یا خانم و اگر آن اصول رعایت نشود، دیگر نامش آواز ایرانی نیست و این ربطی به جنسیت ندارد. من اساسا برچسب‌های زنانه و مردانه را سخیف می‌دانم و قبول‌شان ندارم.

■ پیش‌تر اشاره کردید که خصوصیات و ویژگی‌های ردیف دوامی اکثرا با صدای آقایان تطبیق دارد؛ از سویی بحث ثابت بودن اصول آوازی مطرح شد و اینکه آواز ایرانی، اصولی دارد که تفاوتی ندارد که آن را یک زن اجرا می‌کند یا یک مرد. لطفا در این باره بیشتر توضیح دهید.

ببینید، منظور کلی من این است که ما همه انسانیم، فارغ از تفاوت‌های طبیعی که داریم. حنجره زنان و مردان هم با هم تفاوت‌هایی دارند اما این طور نیست که صرفا جنسیت، تعیین‌کننده کیفیت اجرای آواز باشد. یا آن طور که برخی معتقدند، صرفا مردان توانایی اجرای اصول آواز ایرانی را داشته باشند. آواز هم مثل هر هنر دیگری در درجه اول نیازمند استعداد است. فقط باید فرصت‌های برابر و امکانات برابر مهیا شود. متاسفانه به دلیل محدودیت‌های موجود در این سال‌ها زنان خواننده کمتر فرصت و جسارت حضور و فعالیت جدی در این عرصه را پیدا کرده‌اند. البته که تفاوت‌های طبیعی را که بین حنجره مردانه و زنانه وجود دارد، نمی‌شود انکار کرد. طبیعتا اجرای ردیف آقای دوامی برای صدای مردانه بسیار آسان‌تر است.

■ اما شما ردیف آقای دوامی را انتخاب کردید. بنا به گفته خودتان حتما شما هم با مشکلاتی روبرو شدید. درست است؟

دقیقا. من هم در بخش انتخاب کوک مناسب، کمی با این مساله مواجه بودم؛ چرا که وسعت فواصل و اختلاف زیر و بمی نت‌ها، در یک مجموعه آواز یا در یک دستگاه بسیار زیاد بود و برای اینکه مجبور نشوم تغییر کوک دهم باید از ابتدا کوکی را انتخاب می‌کردم که بم‌ترین و اوج‌ترین نُت، در گستره آن بگنجد و نیازی نباشد که دوباره تغییر کوک بدهم.

■ انتخاب آقای کیانی برای اینکه از ایشان مشاوره بگیرید، با کارنامه هنری درخشانی که دارند و با توجه به ارتباطی که با این پروژه داشتند، انتخابی مناسب و هوشمندانه بود...

بله البته لطف ایشان و شانس من بود چون به هر حال ایشان روی موسیقی عمر گذاشتند و انسان بسیار معتبری هستند. اساتید بزرگ معمولا به سادگی حمایت از هنرجویان را قبول نمی‌کنند ولی ایشان لطف کردند وقتی بعد از جلساتی که با هم داشتیم به این نتیجه رسیدند که من توان انجام این کار را دارم، با این همکاری موافقت کردند. البته بعدها از خودشان شنیدم که دغدغه خودشان هم بوده که نمونه‌ای صوتی از این ردیف تهیه شود که مورد تایید ایشان هم باشد.

■ حالا که صحبت به اینجا رسید و از این دغدغه سخن به میان آمد، می‌خواهم از شما بپرسم که اهمیت این نمونه صوتی و انتشار آن در چیست؟

ردیف به‌طور کلی شناسنامه موسیقی ملی ماست. هر آدمی در هر جایی از دنیا به ریشه‌هایی متصل است که به ملیت و فرهنگ اصیل سرزمینش بر می‌گردند. در مورد موسیقی هم ما همیشه به یک ستون نیاز داریم که به آن تکیه کنیم. متاسفانه الآن همه‌چیز متزلزل شده است انگار ریشه‌ها به دست فراموشی سپرده می‌شوند. اینها انگاره‌ها و الگوهای اصلی موسیقی ایرانی هستند که هر آهنگساز، نوازنده یا هر خواننده‌ای باید مطابق آنها پیش برود چرا که اگر آوازی آن ویژگی‌ها را نداشته باشد آواز ایرانی نخواهد بود از این جهت که خصوصیات موسیقی اصیل را ندارد. مشخصه‌های اصلی موسیقی و آواز ایرانی اینها هستند. یک نکته‌ای که در مورد این کار وجود دارد این است که به گفته استاد پایور در کتابشان، آقای دوامی انسان خلاقی بودند و هر بار آوازها و تصنیف‌ها را در هر جلسه طور دیگر می‌خواندند و ردیفی که الان با صدای بنده منتشر شده، از جهت کم و کیف خیلی با آنچه که توسط ایشان ضبط شده بود، متفاوت است یعنی اینها دو نسخه متفاوت هستند که تعداد گوشه‌ها در هر دستگاهی متفاوت و ممکن است در نمونه اصلی تعدادی از گوشه‌ها نباشد و به جای آن گوشه‌های دیگری باشد. از طرفی مرجع من نمونه مکتوب بوده و رجوع من به نمونه صوتی برای تطبیق نمونه مکتوب با حالت‌ها و تکنیک‌های اصیل آواز استاد دوامی بوده و قاعدتا باید به او رجوع می‌کردم تا حس و حال صدایم را به آن حالت برگردانم. آنچه که مرا به انجام این کار تشویق می‌کرد این بود که چنین نمونه صوتی از ردیف وجود نداشت و خالی از لطف نبود اگر این ردیف با صدای یک خواننده زن، ضبط و شنیده می‌شد.

■ همانطور که اشاره کردید، این کار شما از روی نمونه مکتوب بوده ولی ما شاهد بازخوانی آثار و ردیف‌ها هم هستیم، نگاه شما به چنین آثاری چیست؟

البته این آلبوم بیشتر احیای یک اثر مکتوب است نه بازخوانی...

■ بله اشاره کردم به برخی آثار که دقیقا با عنوان بازخوانی ارایه می‌شود...

ببینید به عنوان یک اجراکننده اگر در بازخوانی، کسی بتواند کیفیت جدیدی به اصل اثر اضافه کند، بسیار خوب است. بعضی وقت‌ها هم بازخوانی، خاطره‌انگیز است ولی در هر صورت نمی‌توان گفت کاری را که در حال حاضر انجام می‌شود، خودمان انجام می‌دهیم چون ما روی شانه‌های گذشتگان ایستاده‌ایم و به هر حال پایه‌ای وجود دارد که بر آن اساس منِ نوعی خواننده آواز ایرانی شده‌ام و نمی‌توانم بگویم منِ خودم این آثار را تولید کرده‌ام. اگر شخص بتواند با عبور دادن اثر از فیلتر وجودی‌اش چیزی به کیفیت و حالت آن اضافه کند، به بسط هنر کمک می‌کند و ممکن است جذاب هم باشد و همه اینها به شرطی است که چیزی از ارزش و اعتبار اجرای قبلی اثر نکاهد که متاسفانه الان چنین نیست و می‌بینیم که عده‌ای چون ایده‌ای از خود ندارند یا اینکه ایده‌پردازی برای‌شان کار سختی است و دانش و تمرین و تکنیک می‌خواهد، کاری را که همه‌چیزش از قبل آماده است، برمی‌دارند و با حداقل تمرین و زحمت بازخوانی می‌کنند و به این شکل کار را نابود می‌کنند.

■ خانم قلی‌پور می‌دانم که مسیر سختی را پشت سر گذاشتید ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که صدای زن پذیرفته نیست و نمی‌تواند روی صحنه آواز بخواند و... شما هم زمانی که به آواز روی آوردید، مشکلات خیلی بیشتر از حالا بود؛ نگران این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها نبودید؟

آواز با وجود من عجین است؛ از این جهت که از کودکی به‌طور جدی همراهش بودم و لذت اجرا در جمع را هم تجربه کرده بودم و آنقدر این مساله برایم پررنگ است که زندگی‌ام را وقفش کرده‌ام و فکر می‌کنم این نقش من در زندگی است. وجود مشکلات باعث نشد و نمی‌شود که آن را کنار بگذارم. چون دغدغه درونی من است. حتی گاهی می‌گویم این بیماری من است. قطعا سختی‌هایی وجود دارد. لحظه‌ای که آدم عاشق چیزی است و سراغ آن می‌رود، به بعد از آن فکر نمی‌کند. از آنجایی که معتقدم هر کسی که در مسیری در حرکت است، برای آن نقش انتخاب شده است. امروز که با تحمل سختی‌های بسیار زیاد به این نقطه رسیده‌ام، اگر به نقطه اول برگردم باز همین مسیر را خواهم رفت اگرچه نگرانی‌ها وجود داشته و دارد.

■ با توجه به محدودیت‌های موجود که زنان در هنر آواز و حتی در نوازندگی دارند، برخی هنرمندان زن به اجرا و کنسرت برای زنان رضایت می‌دهند؛ نظر شما در این باره چیست؟

من هیچ‌وقت چنین اجراهایی نداشتم و نخواهم داشت. در دو یا سه کنسرت رسمی با عنوان همخوان حضور داشتم که بعد از آن تجربه‌ها حتی حاضر نشدم هم‌خوان هم باشم. معتقدم با برگزاری چنین اجراهایی خودمان روی این تصمیم صحه می‌گذاریم که تسلیم هستیم و چنین اتفاقی را قبول داریم ولی من چون آن را قبول ندارم حاضر به انجام آن هم نیستم هرچند که برای دوستانی که همچون من فکر نمی‌کنند هم احترام قائلم و از دیدن کارهای‌شان لذت می‌برم اما خودم چنین اجراهایی را قبول نمی‌کنم.

■ سپاسگزارم؛ در پایان اگر صحبتی هست، بفرمایید.

من امیدوارم فضایی ایجاد شود که بتوانیم فارغ از جنسیت‌زدگی و اصول دست‌وپاگیر، کارمان را به خوبی ارایه و انجام دهیم و اگر سختی‌ای وجود دارد، تنها در مسیر ارتقای دانش‌مان در کسب مهارت و تولید آثار ارزشمند باشد و با پرداختن به مباحث حرفه‌ای و تکنیکی این هنر به جای نگرانی بابت حواشی، به کیفیت بهتر در کار فکر کنیم. به عنوان یک علاقه‌مند به فرهنگ و هنر اصیل ایرانی، برای همه دوستانم که در این عرصه، عاشقانه تلاش می‌کنند آرزوی موفقیت دارم و فکر می‌کنم فارغ از دغدغه‌های شخصی‌مان، به نوعی رسالتِ انتقال این هنر ارزشمند به نسل آینده، برعهده تک‌تکِ فعالان این هنر است. در پایان هم از توجه شما و دوستان‌تان در روزنامه اعتماد به این مقوله صمیمانه سپاسگزارم.

■ در اصل نوازندگان و موزیسین‌های ایرانی بودند که در اوایل اسلام به خارج از ایران و کشورهای مختلف عربی سفر کرده و مقام‌های موسیقایی ایرانی را اشاعه دادند و اعراب هم این مقام‌ها را از ایرانیان یاد گرفتند؛ به این دلیل که خیلی از فواصل در موسیقی عربی و ایرانی مشترک هستند. به‌طور مثال سه‌گاه را هم در موسیقی عرب داریم و هم در آواز ایرانی و خیلی از نغمه‌ها تقریبا همان نغمه‌های ایرانی هستند.

■ عنوان پایان‌نامه دانشگاه من، «مردانگی در آواز زنان ایران» بود و این عنوانی بود که یکی از اساتیدم پیشنهاد کرد؛ در حالی که خودم با عنوان آن مخالف بودم. این استاد اعتقاد داشت که زنان ایران، آواز را مردانه می‌خوانند! اینکه چقدر حرف‌شان درست است، جای بحث بسیار دارد؛ اما به‌طور کلی می‌توانم بگویم تفاوت‌ها در ویژگی‌ها وجود دارد و طبیعی است اما اصول یکی است و ربطی به جنسیت ندارد.

Pishkhan.com

پیشخوان Pishkhan.com

گفت‌وگو

اندیشه‌های ایوان ایلین، در گفت‌وگو با جواد میری، پژوهشگر علوم اجتماعی

نظریه‌پرداز روح روسی

محسن آزموده

ایوان ایلین، فیلسوف در سایه، متفکری است که در میان فیلسوفان، بیشترین تاثیر را بر ولادیمیر پوتین سیاستمدار و رییس‌جمهور مقتدر روسیه گذاشته است. در بحث از جنگ اوکراین و روسیه معمولا جنبه‌های سیاسی، ژئوپلیتیک و اقتصادی مورد توجه بوده، اما جنبه‌ای که کمتر بدان پرداخته شده، بحث اندیشه و افکاری است که موجب این سیاست‌های جدید شده است. ایوان ایلین چه کسی بود، چه اندیشه‌هایی داشت و از چه چیزی صحبت می‌کرد؟ چرا در میانه قرن بیستم کمتر به او توجه شد و چرا الان و به خصوص از سال‌های آغازین قرن بیست و یکم بار دیگر در روسیه مطرح شده است؟ برای بحث از اندیشه‌های این فیلسوف و تاثیرش در روسیه کنونی نزد جواد میری رفتیم. دکتر میری جامعه‌شناس و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تحصیلاتش را در سوئد و بریتانیا گذرانده و سال‌هایی را در روسیه و چین به تدریس جامعه‌شناسی پرداختند. او آثار و کتاب‌های فراوانی را به زبان‌های انگلیسی و فارسی در زمینه جامعه‌شناسی ایران، اندیشه‌های سیاسی، اندیشه سیاسی اسلامی و مطالعات تطبیقی منتشر کرده است.

مهرداد آلادین/اعتماد آنلاین

■ پیش از آغاز بحث درباره اندیشه‌های ایوان ایلین، به زمینه تاریخی ظهور او یعنی روسیه اواخر قرن نوزدهم اشاره کنید و بفرمایید چه شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این سال‌ها بر این سرزمین حکمفرما بود؟

در بحث از روسیه اواخر قرن نوزدهم باید به چند نکته توجه کرد؛ نخست سقوط دولت کازان یا غازان است که امروز در ۶۵۰ کیلومتری مسکو قرار گرفته و می‌توان گفت مرزهای منتهی‌الیه شمالی جهان اسلام است. در حدود ۱۵۵۶ یعنی اواسط قرن شانزده میلادی، دولت غازان فرو می‌ریزد و آنچه امروز روسیه می‌خوانیم، شکل می‌گیرد. یعنی مرزهای شرقی و شمالی سرزمین پهناوری که امروز فدراسیون روسیه می‌خوانیم، باقی مانده یا میراث امپراتوری تاتارها و مغول‌هاست که بخش‌های مهمی از آسیای مرکزی و ایران و ترکیه امروز تا مرزهای مولداوی و از سوی دیگر تاشامات را شامل می‌شده. امپراتوری وسیع که بعد از دولت چنگیزخان شکل می‌گیرد، عقبه روسیه امروز را شکل می‌دهد. نکته مهم دوم در بررسی تحولات روسیه در اواخر قرن نوزدهم به ویژه در رویارویی با اروپا و امپراتوری عثمانی و ایران، بحث اصلاحات پطر کبیر است. بعد از این اصلاحات پطر کبیر است که حتی مذهب ارتودوکس یا به تعبیر روس‌ها «پراوسلاونا سرکوف» یعنی «کلیسای پراوسلاونا» یا چنان که در ایران و جهان به «کلیسای ارتودوکس» مشهور است، تغییر و تحولاتی می‌کند. این اصلاحات به تدریج سیمای روسیه را تغییر می‌دهد. پایتخت جدید روسیه که در دوران پطر و بعد از او، سنت پطرزبورگ می‌شود، پنجره‌ای به سمت اروپا است و تغییر و تحولات اروپا مثل انقلاب صنعتی و عصر روشنگری و انقلاب فرانسه را رصد می‌کند. در قرن‌های نوزدهم و بیستم، در ادبیات روسی دو جریان تا به امروز زنده و پویا هستند؛ یکی جریان «اسلاووفیل»ها یا روس گراها و دیگری «زاپاتنیست»ها یعنی غرب‌گرایان. جریان اول معتقد است که هضم شدن روسیه در دل تغییر و تحولات اروپا و مشخصا اروپای غربی باعث می‌شود که روسیه «استقلال معنوی» (spiritual Sovereignty) خودش را از دست بدهد. جریان دیگر اما می‌گوید اگر روسیه می‌خواهد در جهان آن روز و امروز خودش را حفظ کند، باید بتواند پنجره‌ای به سمت اروپا داشته باشد.

■ اواخر قرن نوزدهم، یعنی زمان تولد ایوان ایلین در سال ۱۸۸۳ ما در روسیه از سویی شاهد تنازعی میان روشنفکران و اهل اندیشه هستیم، از سوی دیگر گویا امپراتوری رومانوف‌ها رو به زوال و نیازمند تغییرات است. لطفا درباره خانواده و خاستگاه اجتماعی او بفرمایید.

ایوان ایلین در سال ۱۸۸۳ در روسیه به دنیا آمد و در سال ۱۹۵۴ در بیرون از روسیه دار فانی را وداع گفت. پدر خوانده ایوان ایلین، الکساندر سوم امپراتور روسیه بود. این نکته مهمی است. پیش از انقلاب اکتبر روسیه و شکل‌گیری ارتش سرخ یا «کرازنا آرمی» که به مدت هفتاد سال بر بخشی از جهان سیطره می‌یابد، ارتش دیگری هم بوده که وفادار ایده سلطنت بودند و برای تزار صرفا یک نقش اجرایی قائل نبودند، بلکه معتقد به فره ایزدی برای او بودند. این ارتش دوم ارتش سفید یا «بلا آرمی» بود. از قضا در دوره‌ای مقر این ارتش سفید انزلی خودما می‌شود. ایوان ایلین همواره یکی از ایدئولوگ‌های ارتش سفید است و از کسانی است که به ایده فرهمندی یا ایزدی تزار باور دارد. البته او برخی از تزارها را نقد می‌کند و معتقد است آنها نتوانستند به آن ایده وفادار بمانند. اما این نکته که پدر خوانده او الکساندر سوم امپراتور روسیه است، از نقاط عطف قابل توجه است. جالب است که خود الکساندر سوم معروف به واپس‌گرایی و ارتجاع است. کارولین مادر ایوان ایلین، از آلمانی‌های روسیه بود که مذهب لوتران داشت و بعد از ازدواج با پدر ایوان مذهبش را تغییر می‌دهد و نامش به یکاترینا یونییونا تغییر می‌یابد. ایوان ایلین در دانشگاه فلسفه می‌خواند. استاد فلسفه او هم در شکل‌گیری شخصیت او نقش مهمی داشته است.

■ اگر ممکن است در مورد فضای فلسفی دانشگاه‌ها و محافل فرهنگی در روسیه آن سال‌ها بفرمایید. روس‌ها از کدام یکی از جریان‌های فلسفی غربی متاثر بودند؟

استاد ایوان ایلین در فلسفه، پاول ایوانویچ نووگوتسوف بود که فیلسوفی لیبرال مسلک بود با چارچوبی مسیحی که گرایشی نوکانتی داشت. در روسیه گرایش‌های نوکانتی، هگلی، نوهگلی و جریان‌هایی که تلاش می‌کردند از خلال مذهب ارتودکس روسی، نوعی فلسفه عرفانی درست کنند، حضور داشتند. شاید بزرگ‌ترین تئولوگ-فیلسوف این جریان اخیر را به بتوان سولویف (۱۸۵۳-۱۹۰۰) خواند. او از فیلسوفان و تئولوگ‌هایی بود که تلاش می‌کرد بر اساس ایده نور، فلسفه مسیحی ارتودوکس را پیش ببرد. البته در ادبیات رگه‌ها و ریشه‌هایی از آنچه بعدها به جریان مارکسیستی و چپی را تحت عنوان ایده عدالت‌خواهی شاهدیم.

■ به هر حال مساله عدالت‌خواهی در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، یکی از دغدغه‌های جامعه روسیه بوده است. شکاف‌های طبقاتی و فقر زیادی باعث می‌شده که ایده عدالت هم در سطح اجتماعی و هم میان اندیشمندان اهمیت پیدا بکند.

بله، در روسیه یک سلسله مراتب سترگی وجود داشته که یک عده از لحظه تولد تا پایان زندگی فقط موژیک بودند، یعنی چیزی شبیه برده. اما برده‌هایی که مالکانی داشتند که زمین و زندگی‌شان دست مالک بود. در اواسط قرن نوزدهم، الغای نظام موژیک‌ها، باعث می‌شود که جامعه دچار یک تحول و پویایی بشود و می‌توان گفت انقلاب ۱۹۰۵ تحت تاثیر آن اصلاحات است. بعد انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در امتداد این تغییر و تحولات است و انقلاب اکتبر هم که در همین راستاست.

■ ایوان ایلین در میان جریان‌های فکری و فلسفی مذکور به کدام جریان‌ها علاقه و گرایش بیشتری داشت؟

او به هگل علاقه داشت. البته پیش از بحث از اندیشه‌های ایوان ایلین به اندیشه‌های استادش پاول ایوانویچ نووگوتسوف توجه کرد. او نوکانتی بود و به قانون طبیعی را به مثابه چارچوب نظری برگزیده بود و معتقد بود مبتنی بر آن می‌توان قوانین ساخته بشر یا همان positive low را هم نقد کرد و هم ارتقا داد. یعنی باید معیار ارزشگذارانه و هنجاری (normative) داشته باشیم که براساس آن بتوانیم خوب و بد را مشخص سازیم. در سال ۱۹۱۱ ایوان ایلین به اروپای غربی می‌رود و از آنجا که به زبان آلمانی مسلط بوده، رساله خودش را می‌نویسد. این رساله در شناخت آن ایوان ایلینی که ما در اواخر به دنبالش هستیم و بعد بر جریان‌های امروز مثل پوتین و حلقه‌ای که امروز به عنوان نومحافظه‌کاران تاثیر می‌گذارد، اهمیت دارد.

■ قبل از پرداختن به رساله ایوان ایلین به تاثیرپذیری او از هگل بپردازید.

ایوان ایلین به هگل علاقه داشته است. بسیاری او را هگلی ناهگلی خطاب کرده‌اند، اما اگر بخواهیم از بیرون نگاه کنیم و بر چسب هگلی را به او بچسبانیم، او یک هگلی راست است.

ایوان ایلین یک هگلی راست است. عنوان رساله او که در سال ۱۹۱۱ می‌نویسد بحران فلسفه راسیونالیستی یا عقلی یا بیشتر پوزیتیویستی در قرن نوزدهم آلمان است. هم او و هم داستایوسکی به دنبال این بودند که ثابت کنند آنچه آن روز فلسفه پوزیتیویستی یا فلسفه راسیونالیستی خوانده می‌شود، نمی‌تواند انسان را به صلاح و فلاح برساند و همه چیز را نمی‌توان با ارجاع به عقل (reason) آن هم عقل تجربی توضیح داد و تبیین کرد.

■ یعنی از ابتدا یک هگلی راست است و هیچ‌گاه دچار تغییر یا تحول اساسی در اندیشه او نمی‌بینیم؟

البته تغییرات و تحولات در اندیشه او هست، اما این تحولات به این سمت است که آن ایده محافظه‌کاری که بعدا حتی می‌توان آن را جریان فاشیسم در اروپا خواند، در او تقویت می‌شود. قابل ذکر است که وقتی امروز در گفتمان غالب از فاشیسم سخن می‌گوییم، یک ناسزا یا فحش است. ولی فاشیسم یک جریانی است که در اروپا و قبل از جنگ جهانی دوم، تلاش می‌کند جامعه و حکومت (state) را در یک ارتباط ارگانیک تعریف کند. به هر حال ایوان ایلین یک هگلی راست است. عنوان رساله او که در سال ۱۹۱۱ می‌نویسد بحران فلسفه راسیونالیستی یا عقلی یا بیشتر پوزیتیویستی در قرن نوزدهم آلمان است. هم او و هم داستایوسکی به دنبال این بودند که ثابت کنند آنچه آن روز فلسفه پوزیتیویستی یا فلسفه راسیونالیستی خوانده می‌شود، نمی‌تواند انسان را به صلاح و فلاح برساند و همه چیز را نمی‌توان با ارجاع به عقل (reason) آن هم عقل تجربی توضیح داد و تبیین کرد. این عقل باعث از هم پاشیدگی جامعه می‌شود. ایلین همچنین از منظر هگل به مساله حاکمیت (state) و قانون (low) می‌پردازد. در سال ۱۹۱۶ رساله خود را تکمیل و در سال ۱۹۱۸ آن را به چاپ می‌رساند. جالب است که ایلین در بادی امر، انقلاب فوریه ۱۹۱۷ را تایید می‌کند که به نظر می‌آید مقداری حالت لیبرال‌تری دارد و آن را به مثابه رهایی خلق توصیف می‌کند. اما شش ماه بعد که انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ توسط لنین و تروتسکی اتفاق می‌افتد، شدیدا آن را تقبیح می‌کند و معتقد است این انقلاب تبدیل غارت انقلابیون از حاکمیت (state) شده است.

■ در این سال‌ها ایوان ایلین کجاست؟

در روسیه است. یک دوره کوتاهی به آلمان می‌رود و بعد به روسیه بر می‌گردد و اتفاقا با استادش هم کاملا در ارتباط نزدیک است. هر دو برای مدتی زندانی هم می‌شوند.

■ از طرف چه کسی؟

دولت کمونیستی. جالب است که بعد از مدتی برخلاف بسیاری از متفکران و اندیشمندان چپ و راست و محافظه‌کار و غیرمحافظه‌کار که می‌توان گفت با دولت جدید لنین درگیر می‌شوند و از روسیه می‌روند، ایوان ایلین در روسیه مدتی می‌ماند. او بین سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۸ به برلین سفر می‌کند. او در برلین مهم‌ترین ایدئولوگ بلا آرمی یا همان ارتش سفید می‌شود.

■ قبل از پرداختن به فعالیت‌های ایوان ایلین بین سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۸ در برلین، کمی درباره سال‌های بسیار مهم ۱۹۱۷ و انقلاب اکتبر تامل کنیم. در این سال‌ها ایوان ایلین یک جوان سی و چند ساله است که فلسفه خوانده، به هگل علاقه‌مند است، دوره‌ای به آلمان رفته و حالا به روسیه بازگشته.

روسیه است؟

بله، او در سال ۱۹۵۴ می‌میرد و در سوییس به خاک سپرده می‌شود. آثار کلیدی ایوان ایلین از ۱۹۱۸ تا ۱۹۵۴ منتشر می‌شوند. البته بعضی آثار بعد از مرگ او و تا سال ۱۹۷۸ چاپ می‌شوند. عناوین این آثار خیلی گویاست. اولین اثر او در سال ۱۹۱۸ با عنوان «فلسفه هگل به مثابه آموزه انضمام خدا و انسان» است، دومین اثر «مقاومت علیه شر با توسل به زور یا خشونت» است که در سال ۱۹۲۵ منتشر می‌شود. سومی «راه احیای معنوی» است که در سال ۱۹۳۵ منتشر می‌شود. این آثار را ایلین در آلمان و اروپای غربی منتشر می‌کند. عنوان چهارمین کتاب او در سال ۱۹۳۸، «مبانی مبارزه برای روسیه‌ای ملی» است، یعنی اینکه ملیت و روح ملت روسی چیست؟ پنجمین کتاب او که در سال ۱۹۴۸ یعنی سه سال بعد از جنگ جهانی دوم می‌نویسد، «درباره روسیه آینده» است. یعنی معتقد است که این دوران تراژدی کمونیست‌ها تمام می‌شود. کتاب ششم او که باز در ۱۹۴۸ منتشر شده، «اساس فرهنگ مسیحی» است. یعنی به بنیان‌های مسیحیت با خوانش هگلی و کریستوفاشیسمی که خود ایلین ابداع کرده می‌پردازد. البته نسبتی هم با جریان‌های کریستوفاشیستی در دیگر جاهای اروپا هم دارد. این جریانی است که اروپا را گرفته و تا امروز یقه آن را ول نکرده و به صورت راست افراطی هم در اروپای غربی و هم در امریکا و اروپای شرقی احیا می‌شود. هفتمین کتاب ایلین، «درباره ذات و جدان قانون» در سال ۱۹۵۶ منتشر می‌شود. از دید ایلین قانون ذاتی دارد و وقتی می‌خواهد در وجود انسان متجلی و متبلور شود تا بتواند او را به رهبر فرهمند وصل کند، باید ذاتی داشته باشد. هشتمین کتاب ایوان ایلین با عنوان «راه بصیرت» سال ۱۹۵۷ منتشر می‌شود.

■ البته این چند کتاب اخیر بعد از مرگ او منتشر شده‌اند.

درست است. نهمین کتاب ایلین در ۱۹۵۳ با عنوان بدیهیات تجربه دینی است. دهمین کتاب او درباب سلطنت و جمهوری است.

■ این کتاب‌ها در دوره کمونیستی در شوروی امکان چاپ نداشتند.

درست است. همه اینها بیرون از شوروی منتشر می‌شوند. جالب است که این کتاب‌ها هیچ‌وقت به روسیه نمی‌آیند، بلکه بعد از مرگ او به دانشگاه میشیگان می‌رود و آنجا همه آثار دستی و خطی محفوظ می‌ماند. همین چند ماه قبل، یعنی پیش از جنگ اوکراین، با اصرار پوتین و نماینده مخصوص او در دانشگاه میشیگان، همه آن میراث و کتابخانه را به روسیه می‌آورند. پیکر ایوان ایلین هم تا سال ۲۰۰۹ در سوییس بوده، اما در این سال باز پوتین شخصا پیگیری می‌کند و بقایای پیکرش را به روسیه می‌آورند و خاک می‌کنند. خود پوتین هم شخصا حضور پیدا می‌کند.

■ پیش از بحث پایانی درباره احیای ایلین، مقداری هم در مورد شخصیت ایوان ایلین بفرمایید. او چطور آدمی بوده است؟ می‌دانیم که فیلسوفان خلق و خوهای متفاوتی دارند، برخی بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه می‌کنند، عده‌ای بیشتر اهل کتابخانه هستند.

ایوان ایلین چنان که گفتم یک عقبه اشرافی داشته است. نکته مهم این است که او از فیلسوفانی نبوده که فقط در گوشه کتابخانه باشد. تقریبا به نوعی رهبر و ایدئولوگ یک حزب سیاسی بوده و حتی وقتی به او پیشنهاد می‌کنند که به دانشگاهی در چک برود، ترجیح می‌دهد ایدئولوگ ارتش سفید باقی بماند و فعالانه تلاش می‌کرده است. حتی با هیتلر و موسلینی ملاقات داشته. اصلا نکته مهمی درباره ملیت (nationality) هست که باید گفته شود. ایلین مخالف این ایده است که فرد می‌تواند ملیت خودش را انتخاب کند. او معتقد است ملیت انتخابی نیست، او می‌گوید «همان‌طور که یک سلول نمی‌تواند انتخاب کند بخشی از یک بدن باشد یا نه، ملیت نیز امری قهری است.» این نگاهی است که امروز هم برخی در ایران و جاهای دیگر به ملیت دارند.

■ این همان نگاه‌های نژادی است که خودش یکی از پایه‌های اندیشه فاشیستی است.

بله، مثلا ایلین آدولف هیتلر را نگهبان تمدن می‌انگارد و معتقد است که هیتلر حرکت درستی انجام داده که علیه بولشویک‌ها اعلان جنگ می‌کند. یعنی فعالانه در جنگ آلمان‌ها علیه شوروی وارد می‌شود. در ۱۹۳۳ هنگامی که نازی‌ها پیروز انتخابات می‌شوند و قدرت را به دست می‌گیرند، ایلین مقاله‌ای با عنوان «روح جدید» می‌نویسد و سوسیالیسم ملی را به مثابه روح جدید تمدن قلمداد می‌کند. ایلین، متفکر و نویسندگانی مانند الکساندر سولژنیتسا و الکساندر دوگین و همچنین ناسیونالیست‌های روسی در قرن بیستم و بیست و یکم را شدیدا تحت تاثیر قرار می‌دهد. مثلا اگر بخواهیم درباره ناسیونالیسم افراطی روسی و جریان‌های نومحافظه‌کارانه نژادپرستانه با قرائت‌های تنگ و باریک (exclusive) در روسیه امروز صحبت کنیم، ایوان ایلین کسی است که در راس آن قرار می‌گیرد. پل رابینسون در سال ۲۰۱۲ کتابی با عنوان فلسفه پوتین می‌نویسد و آنجا مدعی می‌شود که محققین و پژوهشگران غربی در باب سنت محافظه‌کاری در روسیه زیاد مداقه و مطالعه نکرده‌اند و این عدم آگاهی موجب شده که فضای کنونی که در روسیه هست، خیلی مه‌آلود باشد و ندانند که چه اتفاقی در حال وقوع است و ریشه‌های حرکت‌ها و جهت‌گیری‌های دولت کرملین را نفهمند. او در نوشته خودش به این اشاره می‌کند که ایلین یکی از مهم‌ترین متفکرانی است که روی اندیشه‌های پوتین و فهم پوتین از روسیه و رسالت تاریخی آن تاثیر عمیقی می‌گذارد. پوتین چنان که گفتم شخصا در نقل و انتقال پیکر ایلین در سال ۲۰۰۹ شرکت می‌کند. نکته مهم دیگر در نگاه ایلین، مقوله «مونارک» یا «پادشاهی» است. او بر این باور بود که فهم پادشاهی از قانون ربط وثیقی به ارزش‌های مهمی چون تقوای دینی و خانواده دارد و پادشاه فردی است که به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نیست، بلکه تجسم اتحاد مردم، فراسوی باورهای آنها به چپ و راست است. البته او نقاد نیکلای دوم و رفتار او بود و معتقد بود که اشتباهات کلیدی او موجب اسقاط نظام سلطنتی در روسیه شد. اخلاق و تدین، دو مفهوم کلیدی در خوانش ایلین هستند که در فهم او از آگاهی از حق یا قانون، نقش مهمی ایفا می‌کنند. او می‌گفت روسیه باید به دور از اگالیتریانیسم (برابری خواهی) باشد و مخالف براندازی نظام سلسله مراتبی بود. ایلین سه تز داشته که به نظرم خیلی مهم است. اولا از دید او پیشرفت اجتماعی غیرممکن است، زیرا نظام سیاسی و اجتماعی مانند یک بدن است. دومین تز او مربوط به رای دادن در نسبت با رهبر فرهمند بود. او می‌گوید رای مردم به رهبر به معنای انتخاب او نیست، بلکه تصدیق رهبر است. دموکراسی تشریفات است. ما فقط برای تصدیق و حمایت جمعی از رهبرمان به او رای می‌دهیم. سومین تز ایلین مربوط به ایده واقعیت است. در نظر او فکت یا امر واقعی مهم نیست، با اتکا به سنت عرفانی مسیحی ایلین بر این باور بود که خدا را جهان آفریده، اما خلق جهان یک اشتباه بوده است. جهان نوعی فرآیند سقط شده است، زیرا فاقد انسجام و وحدت است. عالم واقعیات قابل مشاهده، برای ایلین هولناک محسوب می‌شده، به دلیل عدم انسجام و وحدت. از دید او فاکت‌ها نفرت‌انگیز و به کلی بی‌ارزش هستند. مبتنی بر این سه تز، ایلین می‌گوید جهان فاسد است و نیاز به رهایی دارد و رهایی از طریق ملتی ممکن است که قادر به اعمال سیاستی تمامیت‌خواه باشد و آن ملت نیست جز ملت روسیه که هنوز فاسد و تباه نشده.

پیش از جنگ اوکراین، با اصرار پوتین و نماینده مخصوص او در دانشگاه میشیگان، همه آن میراث و کتابخانه را به روسیه می‌آورند. پیکر ایوان ایلین هم تا سال ۲۰۰۹ در سوییس بوده، اما در این سال باز پوتین شخصا پیگیری می‌کند و بقایای پیکرش را به روسیه می‌آورند و خاک می‌کنند. خود پوتین هم شخصا حضور پیدا می‌کند.

■ آیا جوانان روسیه هم اندیشه‌های ایلین را می‌خوانند و به آنها باور دارند؟ چقدر این اندیشه‌ها در سطح جامعه مورد اقبال واقع است؟

جامعه روسیه، بسیار متنوع و پیچیده است. به یک نکته مردم‌نگارانه (دموگرافیک) اشاره کنم. روسیه امروز ۱۲۹ میلیون جمعیت دارد، از این تعداد، ۳۵ تا ۴۵ میلیون نفر مسلمان هستند که در جمهوری‌های قفقاز، باشکورتستان و تاتارستان و در اقصی نقاط روسیه از سیبری گرفته تا مناطق اروپایی روسیه زندگی می‌کنند. جمعیت این جامعه تا سال ۲۰۴۰ یا ۲۰۵۰، یعنی کمتر از دو دهه دیگر، بسیار کاهش پیدا خواهد کرد. یعنی از ۱۲۹ میلیون تا ۸۹ یا ۹۰ میلیون نفر خواهد رسید. نکته جالب آن است که علی‌رغم کاهش کلی جمعیت، درصد جمعیت مسلمان به صورت صعودی افزایش خواهد یافت. یعنی جمعیت مسلمانان در ۲۰۴۰ یا ۲۰۵۰ قریب به ۶۰ یا ۶۵ میلیون خواهد شد. تصور کنید کشوری را که از ۹۰ میلیون نفر آن، ۶۰ تا ۶۵ میلیون نفر مسلمان باشند. حالا ادیان و نژادها و ملیت‌های دیگر هم در داخل روسیه هستند. نکته مهمی که در کریستوفاشیسم ایلین هست، ارجحیت دادن یا برتری دادن به نژاد روس و مذهب ارتودوکس است. در چنین جامعه‌ای چطور می‌توان از این ایده‌ها دفاع کرد؟ برای تمامیت ارضی خود روسیه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ نکته مهم دیگر اینکه ایلین و فیلسوفان کریستوفاشیسم شدیدا ضدیهودی هستند. امروز در دولت روسیه، از مدودف گرفته تا بسیاری دیگر، یهودی هستند. این تناقض به چه صورت خواهد شد؟ در حوزه‌های اقتصاد و رسانه و دانشگاه هم مسائلی هست. از سوی دیگر در ۸ سال دولت یلتسین در روسیه، نوعی احیای لیبرالیسم در روسیه بود. جریان لیبرالی و اقتصاد بازار و ۳۰ سال بخشی از اقتصاد جهانی شدن، نسلی را در روسیه خلق کرده که ارزش‌های اروپایی و غربی را می‌پسندد و با آنها رشد و نمو کرده است. اینکه بخواهید چنین جامعه‌ای را ناگهان یک‌دست کنی، کار ساده‌ای نیست. برخی برای اشاره به این اندیشه‌های کریستوفاشیستی حتی از مفهوم ارتودوکس-طالبانیسم استفاده می‌کنند. یعنی طالبانیسم ارتودکسی در روسیه شکل گرفته است. آیا چنین امری در جامعه متنوع و متکثر روسیه امکان‌پذیر خواهد بود یا نه؟

■ برداشت خود شما چیست؟ آیا به نظر شما اندیشه‌های ایلین، می‌تواند پاسخگوی وضعیت بغرنج جامعه روسیه در قرن بیست و یکم باشد؟

اگر این تفکر را که به نوعی مبتنی بر خون و نژاد و خاک است، دولتمردان روسیه بخواهند به منتهاالیه منطقی خودش ببرند و با فشار آن را عملی کنند، یقینا فروپاشی فدراسیون روسیه، ممکن است اتفاق بیفتد، زیرا جامعه روسیه، بسیار متنوع است و مسلمانان در آن حضور جدی دارند.

■ راه‌حل شما برای جلوگیری از این اتفاق چیست؟ اگر روس‌ها نخواهند روی این عنصر به عنوان سیمای اجتماعی تاکید کنند، چه جایگزینی دارند؟

قانون اساسی روسیه یک چارچوبی دارد. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های آن این است که دولت (state) هیچ دین یا مذهب رسمی نباید تبلیغ کند و معتقد به تنوع فرهنگی و ادیان و قومی است. همه ادیان در حوزه خصوصی‌شان و غیردولتی‌شان آزاد هستند و دولت هم هیچ مذهب رسمی را نباید تعیین کند، زیرا تاریخ روسیه، بسیار متنوع است. مثلا در اروپای غربی وقتی از مسلمانان صحبت می‌کنیم، می‌گوییم که مهاجر هستند، اما در روسیه اسلام دین مهاجری نیست و مسلمانان آنجا بودند و بخشی از روسیه شده‌اند. چنین نیست که اول روس‌ها بودند و بعد مسلمان شدند. بنابراین دولت روسیه اگر بخواهد این واقعیت‌ها را سرکوب کند و کریستوفاشیسم را در جامعه روسیه تبلیغ کند، یقینا نتیجه معکوس خواهد گرفت. اما کاری که کسی مثل الکساندر دوگین می‌کند، متفاوت است. او دیگری (other) خودش را نه در داخل جامعه روسیه تعریف نمی‌کند، بلکه در سطح کلان جهانی تعریف می‌کند و می‌گوید روسیه نمی‌خواهد قدرت برتر جهانی باشد و نوعی یک‌جانبه‌گرایی امریکا را پیشه کند. او می‌گوید روسیه اولا قائل به چند قطبی بودن در جهان است و قطب‌های مختلفی در جهان باید حضور باشند. اما روسیه به عنوان یکی از قطب‌های تاثیرگذار و تعیین‌کننده در سطح جهان باید حضور داشته باشد. دوگین می‌گوید اگر بخواهند روسیه را کنار بگذارند، روسیه قطعا واکنش شدید نشان خواهد داد. جنگ فعلی اوکراین هم از منظر کرملین واکنش روسیه به یک جانبه‌گرایی امریکا تبیین می‌شود. نکته دوم اینکه می‌گوید اگر روسیه می‌خواهد در سطح جهانی به یکی از تصمیم‌سازان مطرح باشد و رسالت خودش را به عنوان یک ملت در سطح جهانی انجام بدهد، نیازمند این است که یک استقلال معنوی داشته باشد. دوگین می‌گوید روسیه این استقلال معنوی و روحانی را از مسیحیت می‌تواند بگیرد. اما وقتی بخواهد این استقلال معنوی را از مسیحیت بگیرد، بار دیگر یک مشکل پدید خواهد آمد.

اگر بخواهیم درباره ناسیونالیسم افراطی روسی و جریان‌های نومحافظه‌کارانه نژادپرستانه با قرائت‌های تنگ و باریک (exclusive) در روسیه امروز صحبت کنیم، ایوان ایلین کسی است که در راس آن قرار می‌گیرد. پل رابینسون در سال ۲۰۱۲ کتابی با عنوان فلسفه پوتین می‌نویسد و آنجا مدعی می‌شود که محققین و پژوهشگران غربی درباب سنت محافظه‌کاری در روسیه زیاد مداقه و مطالعه نکرده‌اند و این عدم آگاهی موجب شده است که فضای کنونی که در روسیه هست، خیلی مه‌آلود باشد و ندانند که چه اتفاقی در حال وقوع است و ریشه‌های حرکت‌ها و جهت‌گیری‌های دولت کرملین را نفهمند.

مشروح این گفت‌وگو را می‌توانید به صورت تصویری در پایگاه اطلاع‌رسانی اعتماد آنلاین به نشانی اینترنتی https://www.etemadonline.com/ تماشا کنید.

ویژه

افتخاری دیگر برای صنعت فولاد کشور؛

فولاد مبارکه رتبه برتر مسوولیت‌های اجتماعی کشور را کسب کرد

شرکت فولاد مبارکه در چهارمین رویداد جایزه مسوولیت اجتماعی و پایداری بنگاه‌های اقتصادی که شامگاه شنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، رتبه برتر مسوولیت‌های اجتماعی در میان بنگاه‌های اقتصادی کشور را از آن خود کرد.

گفتنی است شرکت فولاد مبارکه در حوزه مسوولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های ارزشمند و ماندگاری انجام داده که می‌توان به ایجاد اشتغال پایدار، فعالیت‌های بزرگ عمرانی، فرهنگی و اجتماعی در استان و منطقه و تامین رایگان بیش از ۲۵ هزار تن اکسیژن مورد نیاز مراکز بهداشتی و درمانی سراسر کشور، از ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا اشاره کرد.

شایان ذکر است که در این رویداد ۷۰ شرکت و بنگاه بزرگ اقتصادی کشور از جمله فولاد خوزستان، فولاد مبارکه، شرکت نفت پارس، شرکت پودر شیر مشهد، پالایش نفت لاوان، بانک مسکن، سنگ‌آهن گهر زمین، پتروشیمی شیراز، شرکت رایزکو حضور داشتند.

■ تندیس طلایی مسوولیت اجتماعی و پایداری بنگاه‌های اقتصادی به فولاد مبارکه رسید

همچنین شرکت‌های پالایش نفت آبادان، پالایش نفت تبریز، فولاد زرند ایرانیان، پتروشیمی زاگرس، آهن و فولاد غدیر ایرانیان، شرکت صنعتی چادرملو، بازرسی کیفیت و استاندارد ایران، بیمه کوثر، آلومینای ایران، جهاد نصر کرمان، گروه صنعتی انتخاب جزو دیگر شرکت‌کنندگان این برنامه بودند.

شرکت سنگ‌آهن مرکزی ایران، شرکت فولاد هرمزگان، سازمان منطقه آزاد انزلی، پتروشیمی بیستون، فولاد غدیر نی‌ریز، نستله ایران، یونیلیور ایران، زعفران مصطفوی، پولاد ترشیز، لبنیات بل روزانه، لوله‌سازی اهواز، ایریسا، منطقه آزاد کیش، شرکت دخانیات ایران نیز دیگر حاضران این جمع بزرگ را تشکیل می‌دادند.

خودرو

نمایشگاهی که در قرق چینی‌ها بود

ادا و اطواری به نام نمایشگاه خودرو

گروه اقتصادی | چهارمین نمایشگاه خودروی تهران در حالی خاتمه یافت که با انتقادات زیادی همراه بود. این نمایشگاه که قرار بود ۲۶ تا ۲۹ بهمن ۱۴۰۰ برگزار شود به دلیل شیوع کرونا و به جهت رعایت پروتکل‌های بهداشتی، به تعویق افتاد و از ۲۷ تا ۳۰ اردیبهشت ماه در شهر آفتاب برگزار شد، اما منتقدان می‌گویند این نمایشگاه بیشتر از آنکه میزبان خودروهای داخلی باشد محلی برای خودنمایی خودروسازان چینی بود و غیبت دو خودروسازی سایپا و کرمان موتور هم کاملا مشهود بود، هر چند پیش از برگزاری این نمایشگاه اعلام شده بود که مراسم افتتاحیه با حضور سیدرضا فاطمی امین، وزیر صمت انجام می‌شود، اما در نهایت مراسم افتتاحیه با حضور علی نبوی، معاون وزیر صمت و رییس هیات عامل ایدرو و جمعی دیگر از مسوولان صنعت خودروسازی کشور انجام شد. موضوعی که به انتقادات بیشتری هم منجر شد. به‌طور مثال روزنامه جمهوری اسلامی که مواضع منتقدانه‌ای درباره تصمیمات دولتی داشته در این باره نوشت: عدم حضور وزیر صمت در نمایشگاه خودرو که از ۲۶ تا ۳۰ اردیبهشت در شهر نمایشگاهی آفتاب برگزار شده بود، باعث این گمانه‌زنی شد که وی انزوا گزیده است. به ادعای این روزنامه وزیر صمت برای طفره رفتن از پاسخ‌دادن به سوال‌های زیادی که درباره مشکلات خودروهای داخلی وجود دارد، به این نمایشگاه نرفت. البته ایران خودرو، آرین پارس موتور، بهمن موتور و برخی دیگر از شرکت‌های خودروساز و مونتاژکنندگان خصوصی در این نمایشگاه حضور پررنگی داشتند. در این نمایشگاه اتفاقات عجیب و غریب هم رخ داد به عنوان مثال خودروی تست دنا در نمایشگاه خودرو دچار خرابی شد و اعضای غرفه ایران خودرو با هل دادن؛ محصول‌شان را به بازدیدکنندگان معرفی کردند. فربد زاوه، کارشناس صنعت خودرو در مورد برگزاری نمایشگاه خودرو و حضور سرد خودروسازان داخلی به «اعتماد» گفت: برگزاری این نمایشگاه در این شرایط که اغلب خودروسازان چینی حضوری فعال داشتند چندان منطقی نبود. واقعیت این است که صنعت خودروی ایران چیزی برای نمایش دادن ندارد و خودروسازان خارجی هم به جز چینی‌ها اصلا مجاز به حضور نیستند و به اعتقاد من برگزاری نمایشگاه خودرو مفهوم خاصی ندارد. این کارشناس صنعت خودرو در ادامه تصریح کرد: یک واقعیتی در ایران وجود دارد که همه ادا و اطوار زندگی مدرن را درمی‌آوریم. اما در واقع شبیه انسان‌های اولیه زندگی می‌کنیم و برای برگزاری نمایشگاه خودرو هم ادای نمایشگاه فرانکفورت را درمی‌آوریم. اما در اصل چیزی برای ارایه در این فضای کاملا بسته نداریم. زاوه در مورد خودروهای جدید عرضه شده در این نمایشگاه هم گفت: تنها یکسری از محصولات جدید ساخت چین در این نمایشگاه عرضه شده بودند و شاید تا دو سال آینده صنایع داخلی خودروی جدیدی برای رونمایی نداشته باشند، اما فعلا دو خودروی تارا و شاهین از محصولات ایرانی هستند که در این نمایشگاه هم حضور داشتند.

چین در ایران بین ۴۰ تا ۴۵ هزار دستگاه خودرو تولید کرد

این کارشناس صنعت خودرو در مورد قیمت بالای محصولات چینی که در این نمایشگاه عرضه شده بود نیز خاطرنشان کرد: حجم بازار چین در ایران هم محدود است اما با این وجود فروش هم دارند و برخی از مردم این محصولات را خریداری می‌کنند، طبق آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت در مجموع چین در سال گذشته در ایران بین ۴۰ تا ۴۵ هزار دستگاه خودرو تولید کرد که بسیار عدد کم و محدودی است که البته این هم حاصل نوع نگاه بازار به این خودروها و کیفیت آنها، قیمت‌گذاری‌ها و سختگیری‌هایی است که در حوزه ثبت سفارش وجود دارد. زاوه در پاسخ به این پرسش که آیا واردات خودروهای اقتصادی نیز قرار است از چین باشد؟ تصریح کرد: باید در انتظار آیین‌نامه واردات خودرو بود تا بتوان دقیق‌تر نظر داد اما به نظر نمی‌رسد مجموعه وزارت صمت قصد داشته باشد تا کوچک‌ترین آزادی به بازار خودرو بدهد و بیشتر این موضوع هم شبیه یک نمایش است که در واقع فشار انتقادی را بشکنند و بنده چندان به این قضیه خوشبین نیستم و بعید است مجموعه واردات خودرو شکلی منطقی و به نفع مردم به خود بگیرد.

تعرفه واردات کم شود خودروی وارداتی اقتصادی می‌شود

این کارشناس صنعت خودرو در ادامه با اشاره به سخنان وزیر صمت در خصوص واردات خودروهای اقتصادی نیز خاطرنشان کرد: در صورتی که تعرفه واردات خودرو کم شود خود به خود این اتفاق می‌افتد و نیاز به دستور وزیر و معاون وزیر ندارد، البته اگر تا امروز این اتفاق نیفتاده به این دلیل بوده که صرفه اقتصادی برای دولت نداشته که خودروهای اقتصادی وارد ایران نشدند. این کارشناس صنعت خودرو با بیان اینکه حداقل در طول ۲۰ سال گذشته سه بار چالش‌های زیادی برای واردات اتفاق افتاده است، تصریح کرد: به محض اینکه مسوولان کمی احساس خطر می‌کنند واردکننده را بازداشت می‌کنند، این در حالی است که اگر به دنبال بازار رقابتی هستند باید خود را کنترل کنند تا برخورد غیرمنطقی با مردم و واردکنندگان نکنند. زاوه در ادامه تصریح کرد: در حال حاضر هنوز هم دو، سه واردکننده خودرو زندانی و بقیه فراری هستند و وضعیت این واردکنندگان خودرو هم بهتر از تولیدکنندگان داخلی نیست پس ضرورت دارد تا ابتدا مساله خود را به صورت منطقی حل و فصل کنند. این کارشناس صنعت خودرو در مورد انتقال ۱ میلیارد دلار ارز واردات گوشی‌های آیفون به بخش واردات خودرو تصریح کرد: در بهترین شرایط ایران ۱ میلیارد دلار واردات خودرو داشته و هیچ‌وقت از این میزان بیشتر نشده است، اما بهتر آن بود که به جای ممنوعیت واردات گوشی‌های آیفون که باعث به وجود آمدن مشکلی جدید برای جامعه می‌شود جلوی سی کی دی‌های بی‌ارزش چینی که در ایران مونتاژ می‌شوند و هیچ خاصیتی ندارد را می‌گرفتند و خودرو وارد می‌کردند، زیرا با ارز کمتر تعداد خودروی بیشتری هم وارد می‌شد.

نامه وزیر صمت به رییس جمهور چه بود؟

گفتنی است؛ اخیرا وزیر صمت در نامه‌ای به رییس جمهور قول داده که واردات خودرو هیچ محدودیتی برای تامین مخارج ارزی کشور ایجاد نخواهد کرد. در این نامه آمده است؛ بر اساس ارزیابی انجام‌شده در وزارت صمت حداکثر نیاز ارزی برای واردات خودرو در سال جاری حدود ۱،۵ میلیارد دلار است؛ رقمی که با واردات گوشی آیفون یکسان است. به این ترتیب با توقف ثبت سفارش آیفون به نظر می‌رسد که هزینه ارزی آن می‌تواند به سمت واردات خودرو حرکت کند. وزیر صمت همچنین قیمت خودرو را یک قیمت شاخص دانسته و تاکید کرده افزایش قیمت خودرو در بازار موجب تورم روانی و انتظاری در سایر کالاها نیز شده است. فاطمی امین در نامه خود همچنین به دغدغه برخی مخالفان واردات که آن را در تضاد با حمایت از تولید داخلی خوانده‌اند پاسخ داده و تاکید کرده که سهم اندک واردات از عرضه خودرو در کشور و الزام واردات به انتقال فناوری به داخل کشور، هیچ آسیبی به تولید داخل وارد نخواهد کرد. وی همچنین به رییس جمهور وعده داده که ضوابط واردات را به گونه‌ای تنظیم خواهد کرد که بخش عمده واردات به خودروهای ارزان‌قیمت کم‌مصرف اختصاص یابد تا شائبه واردات خودروهای لوکس و افزایش تجمل‌گرایی را در پی نداشته باشد، حال باید دید سرنوشت واردات خودرو چه خواهد شد.

خبرخوان

خاموشی چقدر نزدیک است؟

مصطفی رجبی مشهدی، سخنگوی صنعت برق با بیان اینکه با توجه به نیروگاه‌هایی که در مدار تولید قرار گرفته‌اند و تعمیراتی که زودتر انجام شده، وضعیت تامین برق حرارتی نیز بهتر از قبل است، اظهار کرد: به‌رغم اینکه امسال به دلیل خشکسالی با کاهش پنج درصدی ذخایر آبی نسبت به سال گذشته مواجهیم، تعمیرات نیروگاه‌های برقابی به صورت ۱۰۰ درصد اتمام یافته و همه واحدها آماده تولید هستند. وی افزود: با این اوصاف تمام برنامه‌ریزی‌ها به این شکل است که با حداقل محدودیت‌ها امسال را پشت سر بگذاریم و بر اساس تدابیری که پیش‌بینی شده علاوه بر ارتقای وضعیت تولید نیروگاه‌های موجود، نیروگاه‌های جدیدالاحداث هم در مدار تولید قرار خواهند گرفت که ظرفیت آنها بسیار خوب است. رجبی مشهدی با تاکید بر اینکه تلاش و همت ما بر گذر از تابستان با کمترین محدودیت است، تاکید کرد: از تمام مشترکان تقاضا داریم تا با مدیریت مصرف ما را در این مسیر همراهی کنند تا میزان چالش‌ها کاهش یابد.

بورس ۲۵ هزار واحد ریخت

شاخص کل بورس روز گذشته با ۲۵ هزار و ۱۰ واحد نزول تا رقم یک میلیون و ۵۵۷ هزار واحد کاهش یافت. شاخص کل با معیار هم‌وزن هم ۸۷۳۲ واحد کاهش یافت و در رقم ۴۳۲ هزار و ۷۷۳ واحد ایستاد. در این بازار ۶۲۵ هزار معامله به ارزش ۶۲ هزار و ۲۵ میلیارد ریال انجام شد. معدنی و صنعتی چادرملو، سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی، معدنی و صنعتی گلگهر، فولاد مبارکه اصفهان، گسترش نفت و گاز پارسیان، ایران خودرو و پالایش نفت تهران نسبت به سایر نمادها بیشترین تاثیر منفی را روی بورس گذاشتند. در آن سوی بازار سرمایه شاخص کل فرابورس با ۲۴۳ واحد کاهش در رقم ۲۱ هزار و ۳۱۷ واحد ایستاد. در این بازار ۴۵۵ هزار معامله به ارزش ۱۵۴۸ میلیارد ریال انجام شد.

وام بدون سپرده برای فرزندآوری!

مصطفی قمری‌وفا، مدیر روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: بانک‌ها موظفند تسهیلات فرزندآوری را بدون سپرده‌گذاری، با تنفس ۶ ماهه برای بازپرداخت اقساط و کارمزد ۴ درصد پرداخت کنند. وی در صفحه شخصی خود در توییتر با اشاره به دستورالعمل ابلاغی تسهیلات فرزندآوری به شبکه بانکی نوشت: بانک‌ها موظفند طبق ماده ۱۰ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تسهیلات فرزندآوری را بدون سپرده‌گذاری، تنفس ۶ ماهه برای بازپرداخت اقساط، کارمزد ۴ درصد و رعایت دوره زمانی ابلاغی طبق دستورالعمل بانک مرکزی پرداخت کنند. وی تاکید کرد: قطعا آن دسته از بانک‌هایی که در این باره سلیقه‌ای عمل کنند، خلاف نص صریح قانون رفتار کرده و با آنها برخورد قانونی خواهد شد. قطعا بانک مرکزی نیز در معرفی آن دسته از بانک‌هایی که در این باره خلاف قانون عمل می‌کنند به مراجع ذی‌صلاح، تعلل نخواهد کرد.

ادامه از صفحه اول

چهل سال پس از فتح خرمشهر؛ کدام تبیین؟

زیرا فهم عمیق از تحولات تاریخی و راهبردی، برای استفاده در آینده با گفت‌وگوی نقادانه و تساهل‌آمیز صیقل خورده و قابل بهره‌برداری خواهد شد.

مساله اساسی این است که با وجود برخورداری جامعه ایران از سرمایه‌های سرنوشت‌ساز و بی‌نظیر تاریخی، نسل کنونی ادراک مناسبی از این تحولات هویت‌ساز ندارد، زیرا از رویکرد و روش مناسبی برای تبیین تحولات تاریخی استفاده نشده است. در واقع الزامات جهاد تبیین که مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفت، ناظر بر تعهد به همین معناست. در صورتی که این نگرانی وجود دارد که معنای جهاد تبیین و الزامات آن نیز بدون توجه به مسائل مورد بحث و الزامات آن، به دلیل بی‌توجهی به ضرورت انتخاب رویکرد و روش‌های مناسب، در این مسیر قربانی شود.

شرکت شهرکهای صنعتی فارس

آگهی فراخوان

شناسه آگهی: ۱۳۲۰۰۹۸

شرکت شهرکهای صنعتی فارس در نظر دارد مناقصه عمومی به شماره ۲۰۰۱۰۰۱۰۵۴۰۰۰۰۰۲ را به شرح ذیل به روش یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (فشرده) وفق قانون برگزاری مناقصات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ می‌باشد.

ردیف	موضوع	رتبه	مبلغ برآورد	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه	مدت (ماه)	محل تامین اعتبار
۱	پروژه ارتقا تصفیه خانه فاضلاب و اجرای واحد ذخیره اضطراری و متعادل ساز جهت مدول های موجود و مدول سوم تصفیه خانه فاضلاب شهرک صنعتی بزرگ شیراز	۵ آب و تاسیسات و تجهیزات	۱۷۰،۴۵۵،۷۵۲،۱۳۹	۸،۵۲۳،۰۰۰،۰۰۰	۱۸	جاری -عمرانی -اسناد خزانه اسلامی

۱. زمان دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ لغایت ۱۴۰۱/۰۳/۰۸
۲. آخرین مهلت تسلیم پیشنهاد: در سامانه تدارکات ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۲ و فیزیکی پاکت الف (ضمانت نامه یا فیش نقدی) ساعت ۱۵:۴۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۲ دبیرخانه شرکت
۳. زمان بازگشایی پاکتها: دوشنبه ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف:
آدرس: شیراز - بلوار زند - روبروی دانشکده پزشکی - شرکت شهرکهای صنعتی فارس تلفن: ۳۲۳۶۰۵۷۰
اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۱۴۵۶
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام / پروفایل تامین کننده / مناقصه گر» موجود است.

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سنندج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده. لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم در روزنامه کثیر الانتشار و محلی آگهی می‌گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نماید و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض داد خواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نموده و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نماید بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست

تاریخ نوبت اول ۱۴۰۱/۲/۱۹ تاریخ نوبت دوم ۱۴۰۱/۳/۳

بخش ۱۱

۱- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای عابد کرمی فرزند امین شماره شناسنامه ۳۷۸ صادره از سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۳۹۸۶ تحت پلاک ۱۹۶۰ فرعی از ۳ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت ۱۱۴۹۹ متر مربع که از نسق آقایان محمود پزشکیان و امین و محمدامین صالح کرمی به آدرس سنندج روستای سراب قامیش مشهور به دیم شرکت

۲- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای عابد کرمی به شماره شناسنامه ۳۷۸ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۳۹۸۶ به نسبتهای جمعا ۳۷/۱۱۴۴۵۰۰۵۵۸ شعیر مشاع و آقای محمد صدیق کرمی به شماره شناسنامه ۵۲۲ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۵۴۶۶ به نسبت های جمعا ۳۱/۸۷۱۶۷۷۵۹ شعیر مشاع و آقای احمد کرمی به شماره شناسنامه ۳۵۲ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۳۲۲۲ به نسبت های جمعا ۲۷/۰۱۲۶۶۹۳۳۱۸ شعیر مشاع فرزندان امین جمعا ششدانگ تحت پلاک ۱۹۶۱ فرعی از ۳ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت ۷۹۷۹۹ متر مربع که از نسق آقایان محمود پزشکیان و امین و محمدامین صالح کرمی به آدرس سنندج روستای سراب قامیش زمین مشهور به دیم خرمان

۳- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای عابد کرمی به شماره شناسنامه ۳۷۸ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۳۹۸۶ و آقای محمدصدیق کرمی به شماره شناسنامه ۵۲۲ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۵۴۶۶ و آقای احمد کرمی به شماره شناسنامه ۳۵۲ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۳۲۲۲ فرزندان امین هر کدام به نسبت ۳۲ شعیر مشاع از ششدانگ تحت پلاک ۱۹۶۲ فرعی از ۳ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت ۱۰۸۱۵ متر مربع که از نسق آقایان محمود پزشکیان و امین و محمدامین صالح کرمی به آدرس سنندج روستای سراب قامیش زمین مشهور به دیم توت

۴- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای احمد کرمی فرزند امین شماره شناسنامه ۳۵۲ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۹۲۳۷۲۲ تحت پلاک ۱۹۴۶ فرعی از ۳ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت ۱۷۶۹۸ متر مربع که از نسق آقایان محمود پزشکیان و امین و محمد امین صالح کرمی به آدرس سنندج روستای سراب قامیش زمین مشهور به دیم باغ

بهنام قباد - رییس منطقه یک سنندج

نظرات خود را برای ما پیامک کنید
۳۰۰۰۴۷۵۳

شهرداری کرج

«آگهی مناقصه عمومی شماره ۲۰۰۱۰۰۵۲۶۵۰۰۰۰۴۵»

شهرداری کرج در نظر دارد برابر بودجه مصوب شورای اسلامی شهر، پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح پروژه	مبلغ اعتبار به ریال	مبلغ سپرده به ریال	مدارک لازم	نحوه پرداخت قرارداد
۱	مدیریت امور گرمخانه شهرداری کرج ویژه بانوان	۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	ارائه تاییدیه از سازمان بهزیستی استان البرز یا شهرستان کرج	نقدی

۱- سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روش‌های ذیل ارائه گردد: ضمانت‌نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر. ۲- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳- مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ به نام شهرداری کرج از طریق سامانه الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می‌بایست واریز گردد. ۴- متقاضیان می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۳:۳۰ تاریخ ۱۴۰۱/۳/۹ جهت خرید اسناد مناقصه به سامانه الکترونیک دولت (ستاد) مراجعه نمایند. ۵- شرکت‌کنندگان می‌بایست ضمن بارگذاری ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه در سامانه ستاد، نسبت به تحویل اصل ضمانت‌نامه تا پایان وقت اداری (۱۳:۳۰) تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۹ به آدرس کرج - میدان توحید - بلوار بلال - دبیرخانه شهرداری کرج واقع در طبقه اول اقدام نمایند. ۶- در صورت بروز هرگونه تناقض در موارد مندرج در آگهی با سامانه ستاد، ملاک عمل سامانه ستاد خواهد بود. ۷- پیشنهادات رسیده در مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۱ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج مطرح و پس از بررسی و کنترل، برنده مناقصه اعلام خواهد شد. ۸- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

***جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۸۹۲۴۲۱-۰۲۶ تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمایید./**

اداره امور قراردادها و پیمانها - شهرداری کرج

سازمان امداد و نجات

"سال تولید، پشتیبانی ها و مانع زدایی ها"

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به خرید اقلام به شرح جدول ذیل از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران (علاوه بر ارائه پاکت الف به صورت فیزیکی) و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	شماره مناقصه	شرح کالا	تعداد	واحد	تضمین شرکت در فرآیند اجرای کار (به ریال)
۱	۲۰۰۱۰۰۵۱۴۹۰۰۰۰۱۱	پتوی نمدی	۱۵۰۰۰	تخته	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	۲۰۰۱۰۰۵۱۴۹۰۰۰۰۱۲	موکت ۳*۲	۴۵۵۰	تخته	۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	۲۰۰۱۰۰۵۱۴۹۰۰۰۰۱۳	نایلون	۳۰۰۰۰	کیلوگرم	۹۱۰/۰۰۰/۰۰۰

- تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه: روزسه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۳
- آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۸
- آخرین مهلت بارگذاری اسناد در سامانه: تا ساعت ۱۹:۰۰ روزپنج شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۹
- آخرین مهلت ارائه پاکت الف (به صورت فیزیکی): تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۱
- زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها: تهران- کیلومتر ۷ جاده قدیم کرج - خیابان خلیج فارس - سازمان امداد و نجات - اداره پشتیبانی - تلفن ۶۴۰۴۲۳۲۳-۰۲۱

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس ۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
سایر شرایط در اسناد مناقصه درج خواهد شد

م الف ۶۷۶ شناسه آگهی ۱۳۲۱۳۶۸

سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

پیشخوان Pishkhan.com

خبرخوان

پرداخت ۷۰۰۰ میلیارد تومان وام بدون ضامن

اطلاعات دریافتی از وزارت امور اقتصادی و دارایی حاکی از آن است که از زمان اجرای طرح پرداخت وام بدون ضامن تا پایان ۱۵ اردیبهشت سال جاری بیش از ۷۰۰۰ میلیارد تومان تسهیلات بدون ضامن پرداخت شده است. همچنین، بیش از ۲۵۵ هزار نفر این تسهیلات را دریافت کرده‌اند. شرایط دریافت وام‌های خرد بدون ضامن این گونه است که تا ۵۰ میلیون تومان تنها با نامه کسر از حقوق و برای دریافت وام تا ۱۰۰ میلیون تومان با یک نامه کسر از حقوق همراه با چک یا سفته امکان پذیر است و مشمولان این وام باید به بانکی که حقوق خود را از آن دریافت می کنند، مراجعه کنند. البته لازم به ذکر است که روند پرداخت وام بدون ضامن مبتنی بر اعتبارسنجی است و رتبه اعتباری افراد در تعیین سفته، چک یا ضامن برای پرداخت وام تاثیر گذار است.

افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی نرخ برنج خارجی

مسیح کشاورز، دبیر انجمن واردکنندگان برنج گفت: به تازگی مصوبه‌ای در ستاد تنظیم بازار تصویب شد که بنا به آن واردات برنج تایلندی ممنوع شده است، چراکه برنج تایلندی که شرکت بازرگانی دولتی وارد کرد در بازار داخلی با استقبال مواجه نشد. دبیر انجمن واردکنندگان برنج با اشاره به بالا رفتن نرخ جهانی برنج گفت: بعد از جنگ روسیه و اوکراین شاهد بالا رفتن قیمت غلات و سایر محصولات کشاورزی در بازارهای جهان بودیم؛ چراکه کشورها تلاش دارند میزان ذخایر احتیاطی خود در زمینه غذا را افزایش دهند. وی با بیان اینکه چین بخشی از کسری گندم خود را با واردات برنج جبران کرد، گفت: در حال حاضر نرخ برنج خارجی حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

کشف شبکه تولید روغن زیتون تقلبی خارجی

در جریان بازرسی از انبارهای احتکار کالای اساسی، شبکه تولید روغن زیتون تقلبی خارجی کشف و متلاشی شد. در پی اقدامات اطلاعاتی صورت گرفته پس از اجرای طرح مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها و در جریان بازرسی از انبارهای احتکار کالای اساسی، شبکه تولید روغن زیتون تقلبی خارجی کشف و متلاشی شد. این شبکه با تولید ظروف شبیه روغن زیتون خارجی، اقدام به پر کردن آنها با روغن‌های مایع آفتابگردان داخلی و ظروف پر شده را در قالب روغن زیتون ایتالیایی ۵ لیتری با قیمت یک میلیون تومان به بازار عرضه می کرد.

سفرهای دریایی خارجی راه می‌افتد؟

در پی اقدامات صورت گرفته برای راه‌اندازی سفرهای دریایی به قطر در آستانه مسابقات جام جهانی فوتبال و از سرگیری سفر دریایی بوشهر-کویت، به نظر می‌رسد سفرهای دریایی خارجی در حال راه‌اندازی مجدد و از سرگیری است. حسین عباس‌نژاد، مدیر کل امور دریایی سازمان بنادر و دریانوردی در این باره گفته بود که پیش از آنکه مساله جام جهانی و برگزاری آن در قطر مطرح شود و خارج از این موضوع، راه‌اندازی خط کشتیرانی را در نظر داشتیم و برنامه‌ریزی برای آن را انجام داده بودیم. هدف اول ما راه‌اندازی سفرهای دریایی بوشهر -دوحه به دلیل نزدیکی دو بندر به یکدیگر بود، به همین دلیل هم مساله تعمیرات اساسی و لایروبی اسکله مسافری بوشهر را در دستور کار قرار دادیم. وی افزود: بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته در اواسط تابستان امسال اسکله مسافری بوشهر آماده سفرهای دریایی خواهد شد و با شرکت صاحب کشتی‌های مورد نظر نیز مذاکره کردیم تا هر چه سریع‌تر آماده‌سازی کشتی‌ها نیز انجام شود.

مسوولان نمی توانند پشت‌بام خوابی را تکذیب کنند

کمال اطهاری، کارشناس اقتصاد مسکن اظهار داشت: در فرآیند چند سال گذشته جمعیت ساکن سکونتگاه‌های غیر رسمی از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. همچنین نظام کج کارکرد کشاورزی در ایران و انقلاب خرده‌بورژوازی و به نوعی تقسیم زمین باعث امواج جدیدی از مهاجرت روستایی به کلانشهرها شده به‌طوری که کل روستاها در حال ریشه کن شدن هستند. اطهاری با اشاره به تبعات اجتماعی معضل اجاره‌نشینی در کلانشهرها گفت: تبعات اجتماعی به وجود آمده از افزایش نرخ اجاره امروز به عیان در جامعه دیده می‌شود و خشونت در حال گسترش است و کشوری که وارد اقتصاد دانش‌بنیان نشود، حذف تمدنی در آن شکل می‌گیرد. این کارشناس اقتصادی تاکید کرد: امروز دیگر مسوولان نمی‌توانند پشت‌بام خوابی را تکذیب کنند، چراکه این سبک زندگی را در کشورمان می‌بینیم.

کارت‌های سوخت المثنی، یک تا دو ماه آینده به دست مردم می‌رسد

جلیل سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت: ظرف یک تا دو ماه آینده کارت‌های سوخت المثنی صادر شده و به دست صاحبانش می‌رسد. وی با اشاره به اینکه هم اینک مشکل برطرف شده گفت: هم‌اکنون فرآیند شخصی‌سازی فعال شده و اطلاعات اشخاص و تراکنش‌های کارت‌های سوخت گرفته شده است. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با بیان اینکه افراد زیادی در صف نوبت دریافت کارت سوخت المثنی هستند، افزود: روزانه ۳۰ تا ۴۰ هزار کارت سوخت المثنی صادر می‌شود که ظرف یک تا دو ماه آینده به دست صاحبانش خواهد رسید.

دیدگاه

چرا سیاست‌های تعدیل اقتصادی در زمان تورم‌های بالا شکست می‌خورند؟

حذف ارز ترجیحی و یارانه‌ای که آب می‌رود

دکتر قاسم نوروزی

دولت سیزدهم نخستین بودجه سالانه خود را چندی پیش جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارایه کرد. سندی که بسیار پرحرف و حدیث و بحث‌برانگیز بوده است. شاید یکی از بحث‌برانگیزترین و جنجالی‌ترین تصمیمات دولت جدید برای سال آینده که در سند بودجه قید شد حذف ارز ترجیحی یا ارز حمایتی ۴۲۰۰ تومانی برای کالاها و اقلام ضروری سبد مصرفی خانوارها (از جمله دارو و مواد غذایی) و تک‌نرخی کردن دلار در قیمت ۲۳ هزار تومان است، تصمیمی که موافقین و مخالفینی داشته است. این نوشتار نگاهی کارشناسانه خواهد داشت بر عواقب و تبعات چنین تصمیم ارزی بر اقتصاد بیمار و بحران‌زده کشور در آینده.

بی‌شک نظام ارزی چندنرخی که کشور ما در سال‌های اخیر آن را تجربه کرده است از دیدگاه هر اقتصاددانی مورد تایید نخواهد بود، زیرا سبب ایجاد بازار سیاه، رانت و فساد ارزی خواهد شد به‌طوری که دریافت کنندگان ارز دولتی به جای به کارگیری آن در واردات مواد اولیه، اقلام و کالاهای ضروری و سرمایه‌گذاری در تولید، آن را روانه بازار سیاه ارزی خواهند کرد تا از سود چشمگیر آن منتفع شوند. برای مثال فرض کنیم یک مافیای اقتصادی، ۵۰ میلیون دلار ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی دریافت و آن را در بازار آزاد به قیمت جاری ۲۸ هزار تومان بفروشد با یک حساب سرانگشتی سود (بهتر است بگوییم رانت) حاصل از این دلالی ارزی معادل ۱۱۹۰ میلیارد تومان خواهد بود؛ یعنی یک درآمد افسانه‌ای تنها از طریق رانت ارز دولتی. از همین رو، طرفداران حذف ارز ترجیحی معتقدند که با حذف آن و تک‌نرخی کردن ارز، می‌توان اقتصاد را از رانت و فساد نجات داد که البته نظرشان بحق است؛ اما سوال این است آیا در شرایط فعلی که اقتصاد ایران با رکود تورمی بسیار بالا دست به گریبان است، خط فقر و شکاف طبقاتی به مرحله هشدار رسیده و پول ملی در ردیف پنج پول بی‌ارزش جهان قرار گرفته، اجرای این سیاست منطقی و صحیح خواهد بود؟ پاسخ این سوال به‌روشنی واضح است و آن اینکه تبعات اقتصادی اجرای چنین طرحی آنچنان خطرناک است که حتی بیان آن روی کاغذ بار روانی تورمی بر اقتصاد خواهد داشت چه برسد به اجرای آن. به نظر نگارنده در چنین شرایطی، یکسان‌سازی نرخ ارز تورم بی‌سابقه‌ای را به همراه خواهد داشت به‌طوری که می‌توان پیش‌بینی یک جهش قیمتی ۵۰۰ تا ۶۰۰ درصدی را در اقلام اساسی سبد مصرفی خانوارها کرد که در نتیجه آن سفره خانوارها کوچک‌تر از قبل می‌شود و بر جمعیت زیر خط فقر و فقر مطلق اضافه خواهد شد. برای ادعای این مطلب می‌توان به تجربه تلخ حذف ارز دولتی در دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی در دهه ۷۰ اشاره داشت.

در دولت آن مرحوم برای بازسازی خرابی‌های جنگ و تامین مالی آن، در یک اقدام عجیب و خلق‌الساعه و در قالب سیاست‌های تعدیل اقتصادی، در فروردین ۱۳۷۲ نرخ رسمی دلار به‌طور تک‌نرخی از ۷ تومان به ۱۶۵ تومان اعلام شد. نتیجه کاملا واضح بود، رشد افسار گسیخته قیمت‌ها و جهش تورم به ۴۹،۵ درصدی در سال ۱۳۷۴ که هنوز هم بالاترین نرخ تورم رسمی ثبت‌شده بانک مرکزی در تاریخ پس از انقلاب است. بدون شک نادیده گرفتن تورم انتظاری حذف ارز ترجیحی در دولت سیزدهم، احتمالا آسیب سنگین‌تری در پی داشته باشد. تورم و آسیب‌های دیگر بحران ارزی، مانند افزایش نابرابری درآمد و دارایی و تشدید فرار سرمایه، همگی آثار ثانویه ضد تولید و سرمایه‌گذاری دارند و بر رکود موجود می‌افزایند.

نکته قابل تامل دیگر در بحث حذف ارز ترجیحی، پرداخت یارانه نقدی بخشی از درآمد حاصل از اجرای این طرح به خانوارها در جهت حفظ قدرت خرید دهک‌های کم درآمد و متوسط جامعه (پنج دهک اول) و افزایش یارانه نقدی دریافتی خانوارهاست. آیا واقعا تجربه تلخ پرداخت یارانه ۴۵ هزار تومانی دولت احمدی‌نژاد که به مدت ۱۲ سال ثابت بود در حالی که تورم طی ۱۲ سال چند صد برابر و خط فقر گسترده‌تر شد کافی نیست تا تیم اقتصادی دولت جدید از آن درس بگیرند؟ هر دانش‌آموخته اقتصاد می‌داند که در شرایط تورمی، دادن پول نقد به خانوارها در جهت حفظ قدرت خرید آنها در برابر تورم افسار گسیخته حاصل از سیاست‌های غلط، اشتباهی مضاعف خواهد بود زیرا تزریق نقدینگی از این طریق خود بار تورمی خواهد داشت؛ بنابراین قابل انتظار است که پرداخت یارانه نقدی جدید نه‌تنها کمکی به قدرت خرید خانوارها نخواهد کرد بلکه همانند دولت ۸ ساله آقای احمدی‌نژاد، قشر فقیر فقیرتر و شکاف درآمدی بیشتر و بیشتر خواهد شد. موضوع مهم دیگری که در خصوص برنامه ارزی جدید دولت سیزدهم باید به آن اشاره کرد، تک‌نرخی کردن ارز (در سند بودجه برای سال آینده ۲۳ هزار تومان در نظر گرفته شد) و چگونگی تثبیت آن از سوی بانک مرکزی و دولت است. پیش از آنکه دولت نرخ ارزی را تعیین کند، باید سیاست و نظام ارزی متناسب با شرایط کشور را برگزیند، چون دولت یکی از دلایل این تصمیم را تک‌نرخی کردن ارز و حذف رانت و فساد ذکر می‌کند؛ نخست باید معلوم کند که نرخ یکسان ارز را از این پس بازار تعیین می‌کند یا دولت؟ اگر بازار تعیین می‌کند، دولت برای فروش ارز خود چه قیمتی را در نظر می‌گیرد؟ نرخ بازار؟! در آن صورت تلاطمات صعودی محتمل را پیروی می‌کند و به بی‌ثباتی رسمیت می‌بخشد؟ یا برای کاهش بی‌ثباتی نرخ دیگری را تعیین می‌کند و باز ارز در سطح بالاتری دونرخی می‌شود. با تورم افسار گسیخته بعدی چه می‌کند؟ اگر فرض بر این باشد که دولت وقتی ارز تک‌نرخی شد آن را در قالب سیاست تثبیت نرخ ارز در قیمت مصوب حفظ کند در این صورت باید به لحاظ ذخایر ارزی قدرتمند باشد تا در صورت هرگونه تلاطم در بازار ارز، بتواند آن را به ثبات برساند؛ اما آیا در شرایط کنونی تحریم، دولت توانایی این امر را دارد بی‌شک پاسخ منفی است؛ زیرا اقتصاد ایران یک اقتصاد تک‌محصولی وابسته به نفت است و با توجه به تحریم‌های نفتی علیه ایران، درآمد ارزی نفتی و ذخایر ارزی ایران به‌شدت کاهش یافته است و طبیعتا دولت قدرت کنترل بازار ارز را در این حالت نداشته و از دست خواهد داد. در نتیجه ناتوانی دولت در کنترل بازار ارز، شاهد یک جهش ناگهانی و رشد نجومی قیمت ارز در اقتصاد خواهیم بود مساله‌ای که در دولت‌های گذشته نیز رخ داده است؛ بنابراین یکی دیگر از عواقب خطرناک اجرای چنین طرحی، رشد ناگهانی و کنترل نشده قیمت ارز و به دنبال آن کاهش بیشتر ارزش پول ملی، تورم وارداتی افسار گسیخته، فرار بیشتر سرمایه‌ها و رکود شدیدتر اقتصادی خواهد بود.

با عنایت به مطالب فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه حذف ارز ترجیحی و حذف نظام ارزی چندگانه امری اجتناب‌ناپذیر در اقتصاد ایران برای مبارزه با فساد و رانت است اما نه به یک‌باره و نه در شرایط فعلی که اقتصاد ایران با تورم نجومی و شکاف رکودی دست به گریبان است. بی‌شک چنین جراحی اقتصادی نیازمند الزاماتی چون ثبات اقتصادی، مثبت بودن تراز تجاری و اقتصاد عاری از تورم یا تورم کاهشی است. در غیر این صورت شوک‌های قیمتی حاصل از آن همچون سیلی ویرانگر، سطح زندگی، رفاه و قدرت خرید خانوارها و ارزش پول ملی را تخریب خواهد کرد. جان مینارد کینز، اقتصاددان سرشناس انگلیسی در همین رابطه جمله معروفی دارد: «هیچ وسیله‌ای مکارانه‌تر و اطمینان‌بخش‌تر برای واژگون کردن پایه‌های موجود جامعه، بهتر از خراب و بی‌اعتبار کردن پول رایج آن نیست. این فرآیند همه نیروهای نهانی قانون اقتصادی را در جهت انهدام و ویرانی به کار می‌گیرد و آن را به صورتی عملی می‌کند که یک نفر از یک میلیون نفر قادر به تشخیص آن نیست.»

سخن آخر اینکه مدیران اقتصادی دولت سیزدهم باید بدانند که تن رنجور و بیمار اقتصاد ایران دیگر تحمل آزمون و خطا، سیاست‌های مقطعی و مسکن گونه و بدون برنامه اقتصادی و شوک‌های تورمی و ارزی که تاوان آن را باید شهروندان ایرانی و دهک‌های فقیر جامعه بپردازند ندارد و تنها نیازمند آرامش است؛ آرامشی که در سایه ثبات و تعادل اقتصادی فراهم خواهد شد.

استاد اقتصاد
و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد قائمشهر

بازار موبایل

چه کسانی پشت ممنوعیت واردات آیفون هستند؟

به هم ریختگی در بازار موبایل

گروه اقتصادی | یک روز پس از اعلام خبر ممنوعیت واردات گوشی آیفون، حالا سخنگوی انجمن واردکنندگان موبایل این موضوع را رد کرده و گفته که این محصول از گروه ۲۳ کالایی به گروه ۲۷ منتقل شد. به گفته محمدرضا عالیان تاکنون هیچ‌گونه ابلاغیه‌ای مبنی بر ممنوعیت یا محدودیت واردات داده نشده و تغییر گروه کالایی نیز طبق شنیده‌ها در انتظار تایید وزیر صمت قرار دارد.

تغییر جایگاه واردات این محصول از گروه ۲۳ به گروه ۲۷ به این معناست که دیگر به واردات این کالا ارز اختصاص داده نمی‌شود. البته از هفته‌های گذشته بحث ممنوعیت واردات گوشی‌های لوکس بالای ۶۰۰ دلار از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شده بود. نکته جالب توجه این است که کمیسیون اصل ۹۰ به‌دلیل نیاز مبرم به صرفه‌جویی ارزی در شرایط بحرانی تحریم این موضوع را مطرح کرده است، بر اساس آمارها در سال گذشته قریب به ۱،۴ میلیارد دلار گوشی لوکس بالای ۶۰۰ دلار که عمدتا از برند تجاری اپل بوده به کشور وارد شده است. با این حال، تصمیم عجیب مجموعه سیاست‌گذاری تجاری ایران موجب شکل‌گیری رانت قیمتی در بازار موبایل شده است. وبسایت‌های خرید و فروش آنلاین این کالا را از جمع کالای موجود خارج کرده‌اند و در بازار حضوری نیز آیفون ناپدید شده است. در عین حال تجارت‌نیوز گزارش داده که قیمت آیفون ۱۳ پرومکس تا ۷۰ میلیون تومان بالا رفته است؛ قیمتی که به گفته این وبسایت معادل خرید یک خانه ۴۰ متری در سال ۱۳۹۷ است! آیفون در بازار موبایل به عنوان پرفروش‌ترین و پرطرفدارترین گوشی خاص مطرح است و از این رو به عنوان پرچمدار نیز معرفی می‌شود. به نظر می‌رسد این ممنوعیت واردات گوشی آیفون به تدریج تاثیر خود را بر روی برندهای دیگر نیز بگذارد و به زودی شوک قیمتی در این برندها نیز شکل بگیرد. به گفته سخنگوی انجمن واردکنندگان موبایل تاثیر تغییر قیمت آیفون روی نرخ سایر مدل‌ها در بلندمدت اتفاق می‌افتد. در کوتاه‌مدت به دلیل ذخیره کافی کالا، اشباع قیمتی و فضای رقابتی بعید به نظر می‌رسد که این اتفاق تاثیر قابل توجهی روی شرایط کلی بازار بگذارد. در این بین مشخص نیست تصمیم‌گیران و مدافعان ممنوعیت واردات اپل چه جایگزینی در ذهن دارند که چنین خوابی برای بازار موبایل ایران دیده‌اند؟ آنها شاید بتوانند جای خالی خودرو و لوازم خانگی خارجی را با پراید و برندهای تقلبی پر کنند، اما در حوزه صنعت موبایل هنوز به تکنولوژی مونتاژ هم دست نیافته‌اند. حتی دیگر از GLX که مهم‌ترین قابلیت آن «جاشدن در جیب» بود، خبری نیست.

خبرخوان

امکان وقف سهام به آستان قدس

آیت‌الله مصباحی مقدم، رییس کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار از تاسیس وقف سهام خبر داد و اظهار کرد: آستان قدس رضوی تقاضا کرد صندوقی در سازمان بورس تاسیس کند تا کسانی که مایل به سرمایه‌گذاری هستند، بتوانند سهام خود را وقف کنند. در مورد این موضوع با رهبر معظم انقلاب و سایر مراجع عالیقدر مشورت و با وقف سهام موافقت شد. مصباحی مقدم گفت: افرادی که مایل هستند می‌توانند سهام خود را به این صندوق واگذار کنند یا منابع مالی خود را به این صندوق داده تا این صندوق سهام خریده و وقف کند. در این فرآیند وقف‌کنندگان می‌توانند اعلام کنند اگر ارزش سهام به شدت کاهش یافت، سهام تغییر داده و تبدیل به احسن شود.

ادامه از صفحه اول

خلق امید به جای جعل امید

یعنی اینکه برای حفظ امید، وعده‌های نشدنی بدهیم، چون تمامی سیاست را به نتیجه و تمامی نتیجه را به وعده‌های زمانی کوتاه‌مدت تقلیل داده‌ایم یعنی خالی کردن سیاست از ایمان و آرمان. دست کم گرفتن فضیلت گرایی در کنش‌های سیاسی و حداقل در انگیزه‌بخشی‌های فردی با توجه به تاثیرات اجتماعی آن. از تبدیل سیاست و اصلاحات به پروژه‌های خرد و کوچک و فراموش کردن ارتفاع لازم برای مرور راه طی شده و هدف کلانی که موانع موردی همچون نظارت استصوابی یا مواجهات امنیتی، نمی‌تواند بر همه این تصویر کلان غلبه کند. یک سیاست بی‌روح که به کار روبات‌های سیاسی می‌آید نه انسان‌های سیاست‌ورزی که امید خود را از ایمان و آرمان می‌گیرند و نه فقط محاسبات جزءنگرانه‌ای از جنس نظرسنجی‌ها و امثالهم. از دستاوردهای کوچک نباید گذشت. برای هر بهبودی، هر چند موردی و کوچک باید کوشید، چون کرم شب‌تاب، هر کس ذره‌ای نور بتاباند، شاید ذره ذره آنها چراغ راه شوند. اما نگهداشت نیروها با شعارهای ناممکن و بزرگ‌تر از بضاعت‌های موجود، شاید دستاوردهای مقطعی داشته باشد، اما در میان‌مدت و بلندمدت، بی‌اعتباری و سرخوردگی به همراه دارد. به گمان من اصلی‌ترین عامل ناامیدی‌های موجود ریشه در سد محکم اقتدارگرایی داشته است که زور اصلاحات به آن نرسیده، اما بخشی از این ناامیدی به جعل گاه و بی‌گاه امید و وعده‌های نشدنی خود ما اصلاح‌طلبان نیز باز می‌گردد که آن را جایگزین خلق امید به پشتوانه حفظ رویاها و آرمان کردیم. ما به ایمان نیاز داریم و ایمان، جستن در تاریکی است. این ایمان، رفتار خرد و تاکتیک‌های سیاسی را نباید بسازند و گرنه غیرعقلانی و خطا خواهند بود اما بنا کردن آرمان و خیال‌ها براساس صرف محاسبات عقلانی و بریده از ایمان، ناامیدی منفعلانه‌ای می‌سازد که در برخی نیروها می‌بینیم و حاصل آن یا انفعال است یا تندروی کور که هر دو به یک نتیجه می‌انجامند. ما به خیال نیاز داریم و این متفاوت از خیالبافی است. در این صورت، خلاقیت‌ها زنده می‌شود و از دل ناامیدی در رویکردهای نتیجه‌گرای محض، امید و سیاست و کنشگری فعال و هدفمند را خلق خواهد کرد. سیاستی که با توجه به انسانی بودن، حقانیت و منصفانه بودن اهداف و گفتمان اصلاحات و انطباق آن با وجدان جمعی، عاقبت به نتیجه هم خواهد رسید.

باز گردد عاقبت این در، بلی
در گشاید یار سیمین بر، بلی
ساقی ما یاد این مستان کند
بار دیگر بامی و ساغر، بلی

پیشخوان
Pishkhan.com

شناسه آگهی: ۱۳۲۲۴۷۵

جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی

آگهی مناقصه عمومی واگذاری امور حمل و نقل و ایاب و ذهاب کارکنان

به شماره ۲۰۰۱۰۰۳۱۲۷۰۰۰۰۰۲

*اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی در نظر دارد خدمات حمل و نقل درون شهری و برون شهری را از طریق مناقصه عمومی و با جزئیات مندرج در شرایط مناقصه، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس (https://www.setadiran.ir) و با شماره مناقصه ۲۰۰۱۰۰۳۱۲۷۰۰۰۰۰۲ به صورت الکترونیکی واگذار نماید.
مبلغ بر آورد مالی بدون ارزش افزوده ۷،۹۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال که پیشنهاددهندگان می بایست مبلغ ۵ درصد قیمت بر آورد مالی را ترجیحا طی ضمانتنامه معتبر مالی شرکت در مناقصه ارائه و یا به شماره شبا IR۶۰۰۱۰۰۰۰۴۰۵۱۰۴۴۱۰۷۵۲۰۵۸۵ (شماره حساب ۴۰۵۱۰۴۴۱۰۷۵۲۰۵۸۵) به نام سپرده اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی واریز نموده و اصل فیش آن را در پاکت (الف) در سامانه تدارکات الکترونیک دولت بارگذاری و اصل فیش و پاکت را قبل از زمان بازگشایی به امور اداری اداره کل تحویل نمایند. لازم به ذکر است که ارسال پول یا چک‌های مسافرتی (شبه پول) و یا چک تضمین بعنوان سپرده قابل قبول نمی باشد.
- تاریخ انتشار از مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ ساعت ۱۵:۰۰
- مهلت دریافت اسناد تا مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ ساعت ۱۹:۰۰ می باشد.
- مهلت ارائه پاکت های پیشنهاد مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۹ ساعت ۱۹:۰۰
- زمان بازگشایی قیمت‌ها در مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰ در محل این اداره کل و بصورت آنلاین انجام خواهد شد و شرکت کنندگان می توانند در جلسه حضور داشته باشند.
- زمان اعتبار پیشنهاد ۱۴۰۱/۰۵/۲۷ ساعت ۱۴:۳۰
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه به آدرس: اراک: خ هپکو – فاز یک شهرک شهید بهشتی روبروی هتل پیام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی – تلفن ۳۴۰۳۲۶۰۹ و ۳۴۰۳۲۶۰۸-۰۸۶ داخلی ۲۰۰
اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام: ۳۳۲۴۵۲۴۸-۰۸۶
جهت کسب اطلاعات می توانید به آدرس سایت های زیر رجوع نمایید:
آدرس پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir
آدرس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد: WWW.SETADIRAN.IR
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام / پروفایل تامین کننده / مزایده گر» موجود است.

گزارش-۱

قاچاق انسان سومین تجارت غیرقانونی در دنیا

مهمان ناخوانده

مدیر درمان امور بیماری‌های معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر: ناامنی، سرقت، تجاوز و تشکیل باندهای تبهکاری از تبعات قاچاق انسان است

بهاره شبانکارئیان

سیستان و بلوچستان با افغانستان و پاکستان هم‌مرز است، بنابراین اکثر ساکنان این کشورها به صورت قاچاق وارد ایران می‌شوند. آنها خود را داخل جعبه‌هایی پنهان می‌کنند تا بتوانند با یک یا چندین ماشین وارد ایران شوند، اما مقصد در بیشتر مواقع ایران نیست و آنها در خانه‌هایی که مربوط به پنهان کردن این قربانیان است مدتی را سپری می‌کنند تا از آنجا به ترکیه، دوبی، ایتالیا و کشورهای مختلف اروپایی رهسپار شوند. در این میان برخی آنها جان خودشان را از دست می‌دهند و حتی راننده ماشینی که آنها را جابه‌جا می‌کند نیز در خطر است هم به لحاظ جانی و هم به لحاظ مجازات قانونی در خصوص «قاچاق انسان»...

مصاحبه‌شوندگان این گزارش:

مدیر درمان امور بیماری‌های معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر

کارشناس روابط عمومی معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر

راننده

پشیمان است، می‌گوید: «اگر الان بابت قاچاق هر انسان ۱۰ میلیون تومان هم به من پرداخت کنند حاضر نیستم این کار را انجام دهم.» اینها از زبان راننده‌ای گفته شده که حدود ۱۲ سال پیش در سیستان و بلوچستان به دلیل نبود شغلی مناسب مجبور به قاچاق انسان شده است.

برخی معتقدند؛ قاچاق انسان جزو جرم‌های کم‌ریسک با بازدهی زیاد به حساب می‌آید. قربانیان این جرم همیشه تحت سلطه و قدرت مجرمان هستند و از خودشان برای انجام کاری اختیار ندارند. بیشتر آنها نیز از جایگاه اجتماعی و مالی خوبی برخوردار نیستند، برای همین در اختیار چنین باندهایی قرار می‌گیرند. این خود شکل نوینی از برده‌داری است که می‌تواند موارد زیادی را در نوع خود شامل شود. قاچاق انسان پس از قاچاق جنگ‌افزار و موادمخدر، سومین تجارت غیرقانونی در دنیا به شمار می‌رود.

قاچاق انسان در کشور ما از جمله جرم‌هایی است که رشد روزافزونی داشته است، به همین دلیل قانونگذاران نیز قوانینی را برای مقابله با این جرم به تصویب رسانده‌اند تا بتوانند با آن مبارزه کنند.

در ماده ۳ قانون اساسی بیان شده است که در صورت اینکه قاچاق از مصادیق مندرج در قانون اساسی باشد مطابق با همان جزای آنها نیز مشخص است. در غیر این صورت به حبس می‌توانند محکوم شوند که مجازات حبس آن بین ۲ تا ۱۰ سال است. همچنین جزای نقدی دارد که معادل دو برابر آن چیزی است که وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است.

پول سیاه

«نادر ستوده»، مدیر درمان امور بیماری‌های معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر در رابطه با موضوع قاچاق انسان و معضلات آن به «اعتماد» می‌گوید: «درخصوص مشکل و چالشی که همراه با توفیق اجباری مرز نصیب دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر شده، بحث قاچاق انسان که همان ورود غیرقانونی آنها از طریق مرز افغانستان و پاکستان است وارد مرز دانشگاه می‌شوند و مشکلاتی را به وجود می‌آورند. گذشته از مشکلات امنیتی، اجتماعی و اقتصادی مشکلات بهداشتی است که معاونت درمان ایرانشهر درگیر آن است. این افراد که به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، بیماری‌های مختلفی را چه در زمینه انگلی و ویروسی می‌توانند در کل کشور به خصوص در سیستان و بلوچستان پخش کنند. اینها به عنوان مهمان ناخوانده وارد کشور می‌شوند و مشکلات بسیاری را در هر زمینه‌ای که فکر کنید، پدید می‌آورند و چه بسا باعث مرگ و میرهای زیادی به واسطه بیماری‌هایی که با خود به کشور ما تحمیل می‌کنند، می‌شوند. این قضیه نیاز است از طرف مسوولان مورد توجه قرار بگیرد. این موضوع باعث می‌شود ما در سیستان و بلوچستان دچار کمبود دارو، سرم و تخت‌های بیمارستانی شویم، آن هم به دلیل بیماری‌های گوناگونی است که این افراد با خود وارد کشور می‌کنند و اینها بالطبع عوارضی را به جا خواهند گذاشت که در سال‌های آینده ما از رقابت ارایه خدمات بهداشتی به دور خواهیم بود.»

او در ادامه می‌گوید: «در ارتباط با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور در سیستان و بلوچستان ما سال‌هاست که میراث‌دار این معضلات و مشکلات هستیم. داستان از بحث مهمان‌نوازی گذشته و به صورت غیرمتعارف و غیرقانونی پیش می‌رود. به قول شاعر که می‌گوید؛ مهمان عزیز است همچون نفس خفه می‌سازد اگر آید و بیرون نرود... این افراد تبدیل به همین مهمانانی شدند که بحث خروج‌شان از بحث حوزه ما خارج است. اکثر مشکلاتی که ما در سرزمین مادری خودمان دچار آن شدیم حضور میلیونی این افراد است که در بیشتر مشاغل کشور توسط اینها اشغال شده است. فقط مانده به حوزه‌های دولتی و استخدامی ورود کنند که در برخی موارد ما می‌بینیم در این پهنه هم تعرض داشته‌اند. این افراد که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند در حوزه اجتماعی، اقتصادی و حتی حوزه پولشویی بسیار مشکل‌ساز شده‌اند. اینها در بحث اعتیاد و قاچاق مخصوصا قاچاق انسان که به صورت‌های خیلی عجیب و خطرناکی صورت می‌گیرد، دخیل هستند. حتی در بحث ازدواج و تشکیل خانواده اینها می‌توانند مشکلات زیادی را در آینده به وجود بیاورند. الان هم بعد از ۴۰ سال ما شاهد برخی مشکلاتی که به واسطه این افراد در کشورمان پیش آمده، هستیم. هر چه در این زمینه‌ها با حساسیت‌های بالاتری برخورد شود مشکلات نیز بالطبع کمتر خواهد شد تا جایی که رفع شود. قاچاق انسان بالای سی سال است که مرزهای کشورهای افغانستان و پاکستان تا مرز بازرگان و اروپا را درگیر کرده است و این چالش تبدیل به مافیای پولشویی و قاچاق انسان شده است. این معضل نیز تبعاتی مانند ناامنی، سرقت، تجاوز و تشکیل باندهای تبهکاری در جامعه می‌شود. حتی مفقود شدن کودکان کم سن و سال و زنان ایرانی از طریق این باندها صورت می‌گیرد. این افراد در بحث انتقال و تردد نیز مشکلاتی را به وجود آورده‌اند. همین تصادفاتی که در جاده‌های سیستان و بلوچستان رخ می‌دهد اکثرا به جابه‌جایی قاچاق انسان مربوط می‌شود. پول سیاهی که از طریق قاچاق انسان وارد کشور می‌شود مجددا در جای سیاه‌تری هزینه خواهد شد که می‌توان در این مورد به داستان سوخت‌بری یا قاچاق سوخت اشاره کرد. در یک کلام این مساله معضلات و مشکلات دیگری را به دنبال خواهد داشت که به صورت زنجیروار همه اینها به هم وصل هستند.»

جدا از کار غیرقانونی احتمال خطر تصادف وجود دارد

«خالد بیابانی»، کارشناس روابط عمومی معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر درخصوص قاچاق انسان به «اعتماد» می‌گوید: «این افرادی که به صورت قاچاق وارد کشور ما می‌شوند سه مقصد را دنبال می‌کنند؛ مقصد اول که ایران است ولی پس از مدتی از طریق مرزهای شمالی کشور ما خودشان را با هزار مشقت به کشور ترکیه می‌رسانند و از مرز ترکیه هم خودشان را به کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا می‌رسانند. اینها کلی سرمایه از کشور ما بیرون می‌برند. این افراد در ابتدا در ایرانشهر از توابع استان سیستان و بلوچستان ساکن می‌شوند بعد از آن به کرمان می‌روند و باز پس از مدتی به تهران می‌آیند. این افراد گروه گروه از طریق قاچاق وارد کشور می‌شوند. آنها مواد مخدر هم جابه‌جا می‌کنند و از طریق مرز که می‌خواهند وارد شوند مواد مخدر را نیز با خود می‌آورند. خیلی از کارهای خلاف دیگر هم توسط این افراد صورت می‌گیرد. این روند هم این گونه است که مواد مخدر در کشور خودشان ارزان است، بنابراین آن را وارد کشور ما می‌کنند و به قیمت بالایی آن را می‌فروشند.»

او در رابطه با ورود این افراد در ادامه توضیح می‌دهد: «زمان ورود این افراد ساعت مشخصی ندارد. یک‌بار می‌بینید ظهر وارد می‌شوند یک‌بار هم می‌بینید شب وارد می‌شوند. برخی رانندگانی که قاچاق انسان می‌کنند جدا از کار غیرقانونی که انجام می‌دهند احتمال خطر تصادف نیز آنها را تهدید می‌کند، چون مجبور هستند از مسیرهایی بروند که ایست بازرسی نباشد. مثلا یکی از همسایه‌های ما شغلش قاچاق انسان با ماشینش بود. ۵ سال پیش در یکی از مسیرهایی که این افراد را وارد می‌کرد، تصادف کرد و قطع نخاع شد. حالا نمی‌تواند کاری انجام دهد و خانه‌نشین شده. سال پیش هم یکی از فرزندانش که ۷ سال داشت به دلیل اینکه قرص‌های پدرش را خورد جانش را از دست داد.»

هیچ شغلی نداشتم

۱۲ سال پیش این راننده به قاچاق انسان مشغول بوده ولی حالا کارمند است و در رابطه با شغلی که داشته است به «اعتماد» می‌گوید: «می‌خواستم ازدواج کنم و هیچ شغلی هم نداشتم. شما خودتان می‌دانید در سیستان و بلوچستان کار نیست یا اکثرا سوخت‌بر هستند یا دروغ نگویم قاچاق انسان انجام می‌دهند. آن زمان بابت هر انسانی که از مرز واردش می‌کردیم نزدیک ۶۵۰ هزار تومان می‌گرفتیم. مثلا در ماشینم ۵ نفر را در صندلی پشت سوار می‌کردم دو، سه نفر را در صندلی جلو. دو، سه نفر هم در کارتن در صندوق عقب پنهان می‌کردم. بقیه ماشین‌ها هم همین بودند، اما بعد خسته شدم و از کارم بدم آمد. هر چه باشد ما انسانیم و با حیوان فرق داریم. وقتی می‌دیدم اینها گرسنه گوشه جاده رها می‌شدند و ساعت‌ها باید می‌ماندند تا افراد دیگر به دنبال‌شان بیایند، ناراحت می‌شدم. اگر الان بابت قاچاق هر انسان ۱۰ میلیون تومان هم به من پرداخت کنند حاضر نیستم این کار را انجام دهم.»

گزارش-۲

برج «متروپل» در آبادان روی سر اهالی آن منطقه آوار شد

زیر آوار؟

اعتماد | دیروز ظهر دل و دیوار کارگران و اهالی منطقه امیری که ساختمان متروپل در آن واقع شده بود با هم ریخت. حادثه‌ای که دلیلش نداشتن استحکام موردنظر برای ساختمان بوده است. ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه ظهر دوم خرداد ماه سال جاری ساختمان تجاری اداری ۱۰ طبقه متروپل که در حال ساخت و ساز بود، ناگهان فرو ریخت. فروریختن این ساختمان قبلا توسط کارشناسان نظام مهندسی آبادانی پیش‌بینی شده بود. به گفته برخی از این کارشناسان، این ساختمان حتی به افتتاح هم نخواهد رسید، چون سازه‌های این ساختمان سست است و با اضافه کردن هر هجم اضافه‌ای به این ساختمان حداقل دو طبقه از آن خواهد ریخت، اما نه تنها فقط دو طبقه از این ساختمان بر سر کارگران و اهالی خیابان فروریخت بلکه کل ساختمان آوار شد. در پی رخ دادن این حادثه که ۶ نفر جان خودشان را از دست دادند و گفته می‌شود ۸۰ نفر نیز در زیر آوار گرفتار شده‌اند، فرماندار آبادان اعلام کرد که علت حادثه در دست بررسی است. این در حالی است که کارشناسان این حادثه را پیش‌بینی کرده بودند. شهردار آبادان دیروز ظهر به ذهنش هم خطور نمی‌کرد که وقتی برای بررسی این حادثه بر صحنه حضور پیدا کند، مورد ضرب و شتم اهالی آبادان قرار بگیرد. پیمانکار و مالک ساختمان نیز به دستور دادستان ویژه آبادان بازداشت شدند. حین این حادثه سرهنگ حسین زلقی فرمانده انتظامی شهرستان آبادان نیز از مردم خواست از ورود به محدوده خیابان امیری و معابر منتهی به آن خودداری کرده و به هیچ عنوان در محل حادثه حاضر نشوند. محمد مخبر معاون اول رییس جمهور پس از انتشار این خبر بر لزوم رسیدگی فوری به حادثه ریزش ساختمان ۱۰ طبقه در مرکز شهر آبادان و خارج کردن سریع مصدومان از زیر آوار تاکید کرد و بلافاصله پس از اطلاع از وقوع ریزش ساختمان متروپل در شهر آبادان، در تماس‌های تلفنی جداگانه با استاندار خوزستان و فرماندار آبادان، دستورات لازم برای بسیج امکانات جهت کمک به مصدومان و مجروحان این حادثه را صادر کرد و خواستار بررسی دقیق علل وقوع این اتفاق شد. علیرضا زاکانی مدیریت شهری تهران در واکنش به این خبر در حساب شخصی خود در توییتر در مورد حادثه ریزش ساختمان ۱۰ طبقه متروپل نوشت: «اخبار حادثه ساختمان متروپل شهر آبادان سبب نگرانی افکار عمومی و به خصوص مردم خوزستان شده است. تیم زبده و حرفه‌ای امداد و نجات آتش‌نشانی شهرداری تهران با همراهی اعضای محترم شورا آماده کمک و اعزام به آبادان است.»

مجتبی خالدی سخنگوی سازمان اورژانس کشور نیز درخصوص این حادثه عنوان کرد که یک ساختمان ۱۰ طبقه تجاری اداری در آبادان در معرض ریزش قرار گرفته بود که مدتی بعد بخشی از آن دچار ریزش شد. در پی اعلام این حادثه به اورژانس، بلافاصله پنج دستگاه آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس آمبولانس به محل حادثه اعزام شد. همچنین تیم‌هایی از اورژانس اهواز به محل اعزام شدند.

علت ریزش این ساختمان در حال بررسی است.

همچنین مهدی ولی‌پور رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر درباره این حادثه اعلام کرد که ریزش ساختمان تجاری ۱۰ طبقه متروپل در شهرستان آبادان در منطقه ته لنجی امیری بوده است. بلافاصله چهار تیم امدادی از شهرستان‌های خرمشهر، ماهشهر و شادگان همراه با دو تیم سگ‌های زنده‌یاب و خودروهای ست نجات به محل حادثه اعزام و عملیات تخلیه و ایمن‌سازی صحنه را آغاز کردند. تیم واکنش سریع استان و همچنین بیش از ۵۰ نیروی امدادی از شهرهای همجوار برای اعزام به محل حادثه آماده‌باش بودند. علاوه بر آن یک بالگرد، هفت خودروی نجات و پنج تیم تخصصی جست‌وجو و نجات و سگ‌های زنده‌یاب برای امدادرسانی به محل اعزام شدند. براساس اعلام امدادگران حاضر در محل، احتمال محبوس شدن افرادی زیر آوار وجود دارد.

مجتبی خالدی همچنین درخصوص وضعیت کشته‌شدگان و حادثه‌دیدگان اعلام کرد که تاکنون امیر لفطوی، مهدی اسماعیلی، مهدی کشکی، علی نیک‌پور قنواتی و یک فردی که هویت او مشخص نیست در این حادثه دلخراش جان خود را از دست داده‌اند و تا این لحظه ۲۸ مصدوم در بیمارستان‌های منطقه بستری هستند.

سیدمحبوبه پورشرف هاشمی ۲۵ ساله و عبدالرسول محجوب‌فر ۴۲ ساله در بیمارستان ۱۷ شهریور تحت مراقبت و درمان هستند. نگار درآباد ۲۸ ساله، سیدمرتضی طهوری ۵۷ ساله، منصور توسلی ۶۱ ساله، نوید مزرعاوی ۲۶ ساله، عبداله باوی‌پور، حسین عسکراوی ۲۱ ساله، علیرضا اسدی سامانی ۵۳ ساله، محمدعلی کرمزاده ۳۶ ساله و علی بحرامیان ۲۴ ساله ترخیص شد، میثم عرفی ۳۱ ساله، حدیث هاشم‌مطور، دانیال دریس ۲۱ ساله ترخیص شدند، حسین رسولی ۴۴ ساله، فاطمه آل‌ناصر ۳۱ ساله کامران سامانی نژاد ۵۶ ساله با رضایت شخصی مرخص شد، عباس بچاری ۳۴ ساله و مجید توسلی ۴۲ ساله در بیمارستان امام خمینی بستری هستند. طارق قیم ۳۵ ساله، معصومه کوشیکی ۵۶ ساله، عبداله بحرانی‌پور ۲۴ ساله، مسیح صادقی ۷ ساله، حمید صادقی و علیرضا فرحانیان ۳۲ ساله در بیمارستان شهید بهشتی بستری هستند.

تا لحظه چاپ خبر، گزارشی از شمار دقیق یا سرنوشت زیر آوار ماندگان به روزنامه نرسیده است.

یادداشت

گروگان‌گیری در ایلام (۱)

حمیدرضا گودرزی

روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت حدود ساعت ۹ و نیم صبح مرد جوانی که سابقا از کارمندان اداره اموال بنیاد مستضعفان شهرستان ایلام بوده و اخیرا از کار اخراجش کرده‌اند، ظاهرا کارد به استخوانش رسیده دو قبضه نارنجک و یک سلاح جنگی کلاشنیکف را پر از فشنگ کرده و مسلحانه وارد آن اداره شده است، به محض ورود و در حالی که کارمندان و افراد بی‌خبر مشغول کار خود بوده‌اند آنها را به رگبار بسته و به طرف‌شان شلیک کرده است. طبق اظهارات مطلعان او نارنجکی را از ضامن خارج کرده و داخل دبیرخانه پرتاب کرده است که در جا سه نفر فوت کرده‌اند و تعدادی از کارمندان به شدت زخمی شده‌اند. روز به روز تعداد کشته شده‌ها افزایش یافته به ۴ و ۵ و ماجرا سرانجام به مرگ ۶ نفر و جراحات شدید چندین نفر انجامیده است. عجیب آن است که در باب چرایی این واقعه هیچ نکته و دلیل روشنی اعلام نشده است. یکی از شاهدان عینی چنین گفته: ساعت ۹ و نیم صبح بود که صدای تیر شنیدم طولی نکشید که صدای یک انفجار مهیب هم آمد. وقتی به اداره بنیاد رسیدم دیدم که یکی از کارمندان از بالا به پایین سقوط کرده و گویا کمر و هر دو پای او شکسته بود. در همین حین فرد ضارب با اسلحه گرم کلاشنیکف، کنار پنجره‌ای آمد که آن کارمند از آنجا به پایین پریده بود و گویا ضارب دنبال همین کارمند می‌گشت که از پنجره فرار کرده بود تا به طرفش شلیک کند و او را بکشد. این گواه افزوده است که یکی دیگر از کارمندان کنار در ورودی اولی بوده و به شدت زخمی شده بود. سعی کردیم او را به آمبولانس برسانیم اما قاتل تیراندازی می‌کرد و اجازه نمی‌داد. ضارب پس از آن با شلیک گلوله خودکشی کرده است. اخبار ضد و نقیضی درباره وضعیت شغلی ضارب اعلام شده است:

- بنیاد مستضعفان اعلام داشته که عامل تیراندازی نه اخراج شده بود نه تعلیق.
- خبرگزاری تسنیم اظهار کرده که یکی از کارکنان سابق آن اداره که اخراج شده بود اقدام به گروگان‌گیری و در نهایت تیراندازی به سمت عوامل این اداره کرده است.
- خبرگزاری ایرنا اعلام داشته که فرد شاغل در این اداره به علت بروز پاره‌ای از اختلافات کاری با سلاح وارد شده و با گروگان گرفتن تمام کارکنان این اداره اقدام به شلیک به سوی همکاران خود کرده است.
- فرمانده انتظامی استان اعلام داشته که ضارب از نیروهای سابق این مجموعه بوده که اخراج شده است.
- القاصی مهر فرمانده انتظامی ایلام چنین مصاحبه کرده که ضارب به دلیل اختلافات شخصی با مدیران این مجموعه، اقدام به تیراندازی کرده است.

رییس سازمان «جناب پیرعلی» صراحتا اعلام داشته است که کارمندی که اقدام به تیراندازی کرده نیروی در حال کار بوده و معلق نشده بود بر خلاف اعلام برخی رسانه‌ها این فرد حتی حقوق اردیبهشت خود را نیز دریافت کرده، او کارمند نگهبانی اداره بوده است. آخرین خبر از این فاجعه مصاحبه دادستان محترم ایلام است که اظهار داشته‌اند که در حادثه تیراندازی اداره اموال بنیاد مستضعفان، گروگان‌گیری در کار نبود، او پس از مواجه شدن با دربسته اتاق، نارنجک را به داخل اتاق مدیر هدایت کرده بود، متهم با کلاشنیکف به سمت کارکنان شلیک کرده بود، حقوق کارکنان به موقع پرداخت شده بود، دلایل این تیراندازی اختلاف شخصی بوده. در اینجا نقد و انتقادی وجود دارد؛ چرا علت بروز این واقعه اعلام نشد، اگر این شخص کارمند بوده چرا با این خشم کور نارنجک را داخل محل کار مدیر یا همکارانش رها کرده و حتی در شرایط فرار آنها که دست و پای شان شکسته دنبال‌شان کرده و به شلیک ادامه داده است. این کینه‌جویی از تمام پرسنل فاقد توجیه قانونی و اخلاقی است؟ آیا اختلاف شخصی می‌تواند سبب عزل یک مدیر کل شود؟ نحوه اعلام خبر به شکلی است که چندین مرتبه او را کارمند اخراجی اعلام کرده‌اند و بعد گفته‌اند اختلاف کاری داشته و سرانجام رسما او را کارمند اعلام کرده‌اند و ریشه‌های این حادثه دارای چنان عمقی بوده که مدیر کل استان را از مقامش عزل کرده‌اند ولی باز هم علت عزل او و نیز ریشه‌های خشم آن کارمند اعلام نشده است. به گروگان گرفتن اشخاص عمدتا در مواردی رخ می‌دهد که مرتکب برای رسیدن به هدفی یا گرفتن امتیازی جان فرد یا افرادی بی‌گناه را وثیقه‌ای برای وصول خواسته‌اش قرار می‌دهد. فردی که نمی‌تواند با مراجعه به قوانین و دستگاه‌های اجرایی یا قضایی مربوطه به خواسته‌اش برسد راه‌های غیرقانونی را وسیله‌ای برای رسیدن به آمال و آرزوهای نافرجام خود قرار می‌دهد. بسیار خوب شخصی که ناتوان از رسیدن به حق و حقوق خود می‌شود چه وسیله‌ای و چه راهی برای رسیدن به آن حقوق باید برگزیند مثلا کارمندی که اخراج شده است و راه برای بازگشت او مسدود گردیده است، کارمندی که باید به مرتبه بالاتر می‌رسید، اما در مراجعات مکرر دستش کوتاه است و به آن خواسته‌ها که آنها را حق خود می‌داند نرسیده است تحت فشار روحی و احتمالا بیماری روانی دست به اجرای عملیات غیرقانونی می‌زند یا اینکه برای خود خواسته‌های نامعقولی را تصور می‌کند، حقوق بی‌پایه و مایه‌ای را طلب می‌کند چیزی که نه استحقاق آن را دارد نه مدیران بالادستی اختیار انجام آن را، اما گمان می‌کند می‌تواند با اجبار مسوولان آنها را ناچار کند تا این خواسته‌های ناحق را اجابت کنند. طبق مصاحبه مسوولان و آمارهای اعلامی گزارشات از کشف مقادیر بالایی سلاح قاچاق خبر می‌دهند، حتی در خبرها مدعی شده‌اند که در بعضی از سایت‌ها و فضای مجازی انواع سلاح را در معرض فروش قرار داده‌اند با این جو خشم و غضبی که بر روح و روان افراد جامعه حاکم است نباید سلاح به این راحتی در دسترس همگان قرار داشته باشد. در ماه‌ها و سال‌های اخیر کم نیستند تعداد قتل‌هایی که از سر خشونت ناگهانی با اسلحه انجام شده‌اند اگر این میزان، سلاح در دسترس عموم قرار نداشته باشند به طور قطع درجه و آمار و میزان قتل‌ها و جرایم جنایی را کاهش خواهند داد یا لااقل از درجه خشونت جرایم کاسته خواهد شد. پس یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرایم جنایی خشن که با سلاح ارتکاب می‌یابند نظیر قتل و سرقت‌های مسلحانه و گروگان‌گیری و نظایر آن جدیت ماموران و تیم‌های زبده برای کشف و ضبط سلاح‌های قاچاق است، امری که خیلی هم سخت و ناممکن به نظر نمی‌رسد.

پیشخوان Pishkhan.com

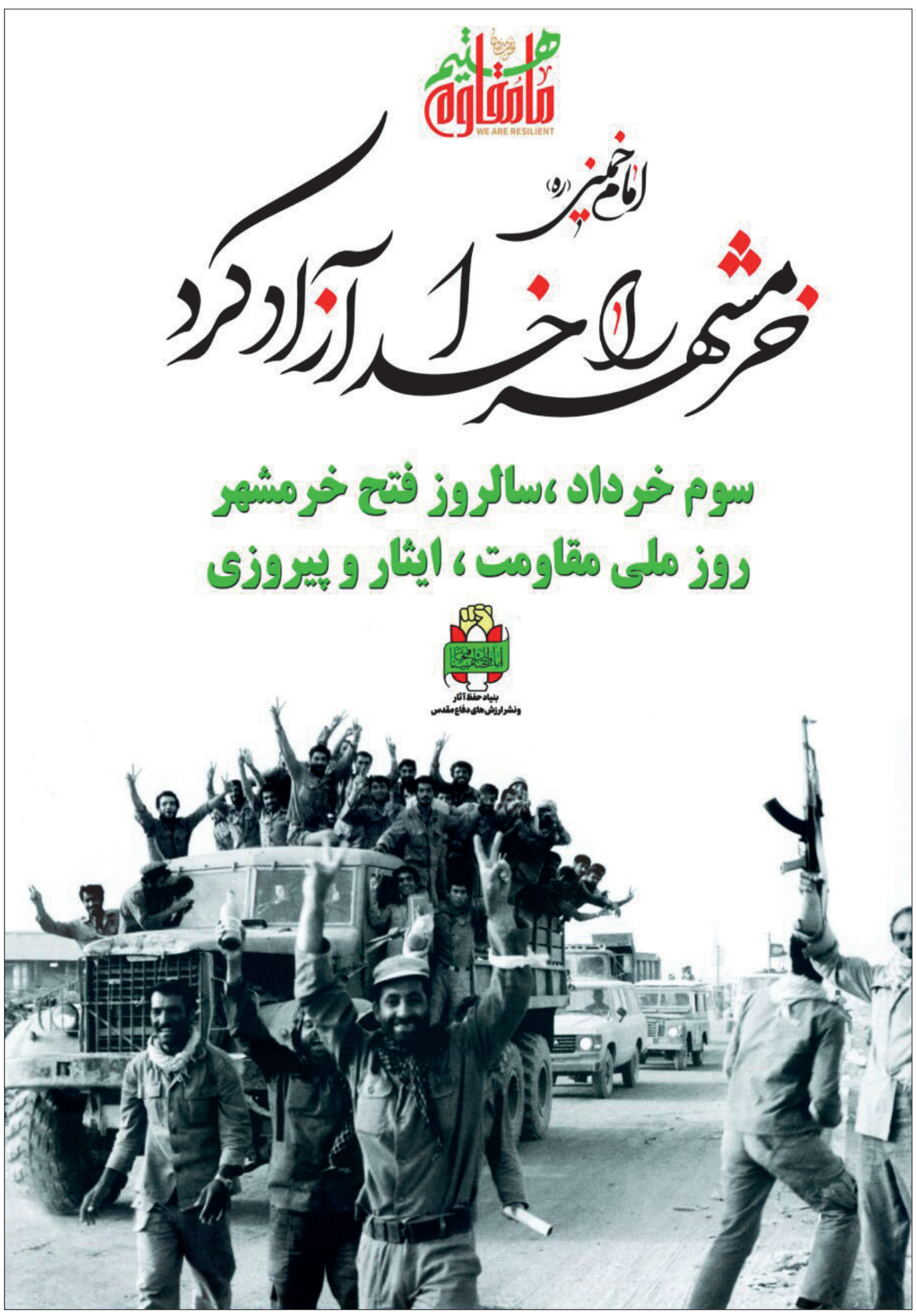

شکاربان

خاطرات سفر و حضر (۲۱۳)

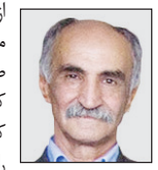

اسماعیل کهرم

از زمان بیماری کووید۱۹ بنده مراجعه به پارک صدف همسایه‌ام را صدچندان افزایش داده‌ام، دانشکده که نمی‌روم، سفرهای استانی هم که هیچ، سفرهای خارج هم که ما را نمی‌خواهند! اینکه سهل است، حوصله خودشان را هم ندارند! الان کشورهای اروپایی هم علیه همدیگر بلند شده‌اند و مثلا از «بوریس جانسون» نخست‌وزیر انگلستان انتقاد می‌کنند که خیلی زود محدودیت‌ها را برداشت. یک زوج همیشه مقادیری غذا را با خود می‌آوردند و به گربه‌های پارک می‌دادند. مدت‌ها بود که آنها را ندیده بودم. دیروز باز هم به پارک رفتم به محل تجمع گربه‌ها رسیدم. همیشه به تعداد زیاد آنجا جمع می‌شوند. ناگهان متوجه حرکت شدید و دسته جمعی گربه‌ها شدم، همگی به یک سو می‌دویدند. نگاه کردم زوج گربه‌دوست را دیدم. به طرف پاتوق خود می‌رفتند و گربه‌ها به دنبالشون. به آنها رسیدم گفتم آقا کجایید؟ گفتند ۶ ماهی است که از اینجا رفته‌اند! آمده بودند که گربه‌ها را ببینند! گربه‌ها هم ۶ ماهی بود که آنها را ندیده بودند ولی آنها را بدون آنکه غذایی در دست داشته باشند، شناخته بودند و به سوی شان دویده بودند! برخی از گربه‌ها فقط خود را به پای آنها می‌مالیدند و صرفا به دنبال غذا نبودند می‌خواستند که آنها را ناز کنند! میزان درک و انس جانوران اغلب توسط ما انسان‌ها ندیده گرفته می‌شود ولی آنها که درک عمیق‌تری از جانوران دارند با اجازات همگی از حس تشخیص افسانه‌ای آنها داستان‌ها می‌گویند. تجربه ناچیز و فروتن من نیز به بنده تذکر می‌دهد که جانوران از ابتدایی‌ترین تا عالی‌ترین سطح در رده‌بندی تکامل (از حشرات تا شامپانزه‌ها) دارای حس تشخیص دریافت و نیز تمییز هستند که موجب حیرت ما (اشرف مخلوقات!) شده‌اند.

خبر

زلزله ۵/۵ ریشتری و توفان گردوخاک در بیش از ۸۰۰۰ شهر و روستای سیستان و بلوچستان

گروه اجتماعی | طی دو روز گذشته، ساکنان استان سیستان وبلوچستان، خاک تنفس کردند و در هوایی آمیخته با گرد و غبار راه رفتند. روز یکشنبه، شدت گرد و خاک در شرقی‌ترین استان کشور به ۱۵ برابر حد مجاز رسید و دیروز هم مدیر کل هواشناسی استان خبر داد که بیش از ۸۰۰۰ شهر و روستای استان درگیر گرد و خاک شده‌اند. به گفته این مسوول وزش باد و گردوخاک، روز یکشنبه اول خرداد ۱۴۰۱ در شمال استان، به تمامی نواحی و بخش‌های استان هم رسید و در اکثر بخش‌های استان سیستان و بلوچستان کاهش دید را به همراه داشت. به گفته محسن حیدری دیروز تمام استان درگیر توفان گردوخاک و غبار شد چنانکه شهرهای زاهدان، میرجاوه، نصرت‌آباد، ایرانشهر، خاش، نیکشهر، سراوان، مهرستان، چابهار و راسک نیز با پدیده کاهش شدید دید مواجه شدند. طبق اعلام مدیر کل هواشناسی سیستان و بلوچستان، دیروز وقوع توفان باعث شد دید افقی در زهک به ۱۰۰ متر، در زابل به ۱۵۰ متر، در زاهدان به ۳۰۰ متر، در شهرهای ایرانشهر، مهرستان و نیکشهر به ۵۰۰ متر، در خاش به ۲۰۰ متر، در سراوان و میرجاوه به ۱۰۰۰ متر، در نصرت‌آباد به ۱۵۰۰ متر، در چابهار به ۳۰۰۰ متر و در راسک به ۵۰۰۰ متر کاهش یافت آن هم در حالی که استاندارد دید افقی، ۱۰ هزار متر است. تصاویری هم که خبرگزاری‌ها از وضعیت شهرهای این استان شرقی منتشر کردند موید بدترین شرایط قابل تصور از بابت کیفیت هوایی بود که شهروندان این استان در حال تنفس آن بودند. طبق این تصاویر که با توضیحات مسوولان اداره کل هواشناسی استان همراه بود، بیشینه سرعت وزش بادهای ۱۲۰ روزه در ایستگاه فرودگاهی زابل در شب یکشنبه اول خردادماه به ۱۲۶ کیلومتر بر ساعت رسید در حالی که طبق اعلام این مسوولان، طی ۴۳ سال گذشته، فقط دو بار شهر زابل شدت مشابه این وزش باد را تجربه کرده بود؛ تیرماه سال ۱۳۵۸ که بیشینه وزش بادهای ۱۲۰ روزه سرعتی معادل ۱۴۸ کیلومتر بر ساعت داشت و بار دوم هم خرداد سال ۱۳۶۳ بود که سرعت وزش باد در زابل، ۱۳۰ کیلومتر بر ساعت ثبت شد. طبق اعلام اداره هواشناسی سیستان و بلوچستان، غلظت گردوغبار ناشی از توفان در روز یکشنبه اول خردادماه به اندازه‌ای بود که شعاع دید افقی در برخی مناطق مخصوصا ورودی‌های شهر زابل به کمتر از ۱۰۰ متر کاهش یافت. رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر با اشاره به وقوع زمین‌لرزه ۵.۵ ریشتری در سیستان و بلوچستان گفت که این زلزله دیروز در عمق ۱۶ کیلومتری زمین رخ داد و مناطقی مانند سرجنگل، مسجد حضرت ابوالفضل و نوک‌آباد تحت تاثیر این زلزله قرار گرفته‌اند اما گزارشی ناشی از خسارت مخابره نشده است.

استعفای جمعی کارکنان اداره کار استان یزد

به‌دنبال انتشار خبر استعفای جمعی حدود ۲۰ نفر از نیروهای رسمی و پیمانی ادارات تابعه اداره کار استان یزد، ایلنا خبر داد که این نیروها در نامه‌ای که امضا کرده‌اند به افزایش ۱۰ درصدی حقوق در سال جدید اعتراض کرده و عنوان کرده‌اند این دستمزدها کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. محمدتقی شفیع‌پور، مدیر روابط عمومی اداره کل تعاون استان در توضیح استعفای جمعی کارکنان این اداره به ایلنا گفت: «اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد همیشه در راستای صیانت از روابط کار نیروی انسانی و کارگران قدم برداشته ولی با افزایش تورم و مشکلات موجود و فشارهای اقتصادی زیادی که برای پرسنل به وجود آمده، تعدادی از همکاران در راستای اعلام و اعتراض صنفی خود اقدام به استعفای جمعی کرده‌اند. در حال حاضر تمام همکاران مانند گذشته با تمام قوا در راستای اهداف سازمانی در حال خدمت‌رسانی به جامعه هدف هستند و هیچ خللی در خدمت‌رسانی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی به وجود نیامده است. روز یکشنبه هم جلسه چندساعته‌ای با برخی معترضین بابت حقوق و مزایا در دفتر مدیر کل اداره کار استان یزد برگزار شده و رایزنی‌ها جهت حل مشکلات این کارکنان صورت گرفته است.

امیدواریم با نگاه ویژه دولت و مجلس، طرح همسان‌سازی حقوق کارکنان دولت به‌زودی تحقق یابد و دستگاه‌هایی مانند تعاون، کار و رفاه اجتماعی که خدمات مختلفی را به جامعه ارایه می‌کنند ولی حقوق و مزایای نسبتا کمتری به پرسنل آنها پرداخت می‌شود، از مزایای این طرح برخوردار شوند.»

محیط زیست

آمارهای تکان‌دهنده معاون سازمان حفاظت محیط زیست درباره انقراض گونه‌های ارزشمند جانوری و گیاهی در کشور

حیوان و گیاه در آتش سوءمدیریت تلف می‌شوند

گروه اجتماعی

همزمان با روز جهانی گونه‌های در معرض انقراض، سرپرست معاونت محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، آمارهای تکان‌دهنده‌ای از تلف شدن گونه‌های جانوری و نابودی گونه‌های گیاهی و از دست رفتن زیستگاه‌ها و عرصه‌های طبیعی کشور ارایه کرد و توضیح داد که دلیل نابودی این میراث طبیعی، در مواردی، ناشی از سوءمدیریت، در مواردی ناشی از کمبود اعتبار و در مواردی هم به دلیل عوامل طبیعی از جمله شدت گرفتن خشکسالی در کشور بوده است. حسن اکبری گفت: «حدود ۱۲۸ گونه جانوری و مهره‌دار کشور در معرض خطر انقراض هستند که برخی وضع خوبی ندارند و بیشترین آسیب‌پذیری ما در این زمینه مربوط به دوزیستان است، برای این ۱۲۸ گونه جانوری ۱۹ برنامه عمل داریم اما پیشرفت این برنامه‌ها عمدتا کمتر از ۱۰ درصد است، چراکه مشکل اصلی، بودجه است و بودجه این اقدامات هم بسیار ناچیز است. پایش گونه‌های شاخص کشور یکی از فعالیت‌های اصلی سازمان حفاظت محیط زیست است اما پایش سالانه پنج گونه شاخص کشور شامل قوچ و میش، کل و بز، آهو، جبیر و گور خر نشان می‌دهد که حدود ۲۱۵ هزار راس از این پنج گونه شاخص در مناطق حفاظت شده کشور داریم که البته این آمار کمتر از ۱۰ درصد آمار اواخر دهه ۴۰ برای این پنج گونه است به این معنا که طی این مدت، تنوع ژنتیکی این گونه‌های شاخص را از دست داده‌ایم. امروزه چون زیستگاهی برای ما باقی نمانده، تلاش‌ها برای پیشگیری از انقراض یوز به نتیجه نرسیده است. در بسیاری از مناطق بکر دسترسی‌هایی نظیر جاده ایجاد شده و بسیاری از گونه‌هایی که به حضور انسان حساس بودند از همین رو آسیب دیده‌اند، یکی از مهم‌ترین مشکلات ما تغییر اقلیم و خشکسالی‌های مستمر است که در کنار آن شاهد تخریب گسترده نیز هستیم. به جرات می‌توان گفت امروزه در مناطق آزاد چیزی به اسم زیستگاه نداریم و زیستگاه مناسب گونه آهو دیگر در کشور وجود ندارد، چراکه جاده‌سازی زیاد باعث شده زیستگاه دشتی مناسب برای این گونه‌ها نداشته باشیم. در حال حاضر جز مناطق آزاد در مناطق چهارگانه نیز از نظر زیستگاه مناسب جانوری وضع خوبی نداریم، چنانکه در مناطق چهارگانه بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر راه اصلی، ۵۵۰ کیلومتر بزرگراه، بیش از ۳۰۰۰ خطوط انتقال سوخت و بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر برق فشار قوی داریم. علاوه بر این، بیماری‌های حیات وحش در حال افزایش است که بخشی از داشته‌های زیستی کشور از طریق همین بیماری‌های حیات وحش از بین می‌روند. سال گذشته ۱۰ کانون طاعون نشخوارکنندگان کوچک در کشور داشتیم و هم‌اکنون حیات وحش استان هرمزگان و استان‌های همجوار آن، درگیر آبله هستند، چون هنوز زیستگاه و آب شرب مشترک داریم و واکسیناسیون ما در این زمینه کامل نیست. شناسنامه‌دار کردن دام سبک در برنامه ششم توسعه تکلیف شده اما اجرایی نشده و از آنجا که این گونه بیماری‌ها روز به روز بخش بیشتری از حیات وحش را درگیر می‌کند، به جد نیاز است سازمان دامپزشکی کشور برای این موضوع فکری کند.» افزایش آمار گونه‌های در معرض انقراض و تلف شدن گونه‌های جانوری و گیاهی ارزشمند کشور در حالی است که به گفته اکبری، کشور ایران از نظر تنوع زیستی و گیاه‌شناسی در جایگاه خاص و ویژه‌ای قرار دارد چنانکه در حال حاضر حدود ۲۰۰ گونه پستاندار، بیش از ۸۶۶۰ گونه گیاه، بیش از ۵۰۰ گونه پرنده، ۲۱ گونه دوزیست و ۷۱۰ گونه ماهی آب‌شور در کشور شناسایی شده است. اکبری این آمارها را در حالی ارایه کرد که بر اساس داده‌های فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) از گونه‌های در معرض تهدید، بیش از ۱۰ هزار گونه از مهره‌داران در معرض تهدید انقراض هستند. ایسنا هم اخیرا در گزارشی درباره گونه‌های جانوری در خطر انقراض در کشور نوشت که در جدیدترین آمار تعداد گونه‌های در معرض تهدید کشورمان، ۷۵ گونه مهره‌دار (پستانداران ۱۸ گونه، پرندگان ۲۹ گونه، دوزیستان ۴ گونه و خزندگان ۱۶ گونه) در فهرست سرخ اتحادیه جهانی حفاظت به ثبت رسیده است. این مقام مسوول در سازمان حفاظت محیط زیست، اوایل امسال هم در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا این هشدار را مطرح کرده بود که طی ۵۰ سال گذشته، حدود ۷۰ درصد جمعیت گونه‌های جانوری ایران از بین رفته که کل، بز، قوچ، میش، آهو، جبیر و گورخر از مهم‌ترین گونه‌های جانوری از بین رفته در ایران هستند و در حالی که عملکرد برخی نهادها و افراد باعث تخریب مناطق حفاظت شده و از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری شده، فقدان ابزارهای قانونی، راه بازخواست از متخلفان و مقصران را بر سازمان حفاظت محیط زیست بسته است. طبق اعلام سازمان حفاظت محیط زیست، در حال حاضر ۱۰۲۳ گونه مهره‌دار از جمله خرس سیاه، گوزن زرد ایرانی، پلنگ، میش مرغ، اردک سرسفید، شوکا، افعی لطیف، مرال، انواع خفاش‌ها، کاراکال، کفتار و سمندر کردستانی در ایران به ثبت رسیده که حدود ۱۵۱ گونه از این تعداد، با وجود آنکه در ۴ منطقه حفاظت شده قرار دارند ولی در معرض انقراض قرار گرفته‌اند. بنا به اعلام صندوق جهانی حیات وحش، تخریب زیستگاه‌ها، تغییر کاربری اراضی، قاچاق حیات وحش، ورود گونه‌های مهاجم به زیستگاه‌های طبیعی، انواع آلودگی‌های طبیعی و تغییر اقلیم، ۵ عامل موثر در انقراض انواع گونه‌های گیاهی و جانوری در جهان و ایران است.

دولت و مجلس برای نجات محیط زیست کشور دلسوز باشند

سرپرست معاونت محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، خبر داد که با هدف جلوگیری از تخریب زیستگاه‌های جانوری، لایحه‌ای تنظیم شده که در صورت همیاری مجلس و دولت، بخشی از این هدف محقق می‌شود اگرچه که ضوابط فعلی برای مقابله با تخریب زیستگاه، چندان موثر و بازدارنده نیست. اکبری برخی دلایل موثر در تلف شدن گونه‌های جانوری ارزشمند در ایران را خسارات مالی حیات وحش به دامداران و فقدان سیاست‌های حمایتی برشمرد و گفت: «وقتی دامدار از حیات وحش آسیب می‌بیند، دیگر برای حفاظت از حیات وحش به ما کمکی نمی‌کند. خسارت حیات وحش به مزارع کشاورزی تحت پوشش بیمه قرار ندارد و از جهاد کشاورزی برای توجه به این امر درخواست کمک داریم.» آتش‌سوزی عرصه‌های طبیعی، عامل موثر دیگری در تلف شدن گونه‌های جانوری ارزشمند در کشور است چنانکه به گفته اکبری، سال گذشته به علت خشکی و گرمای هوا و نبود آموزش کافی ۱۰ هزار هکتار آتش‌سوزی در مراتع و جنگل‌ها و به ویژه جنگل‌های هیرکانی داشتیم که این وسعت نشان‌دهنده افزایش آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی است. کمبود محیط‌بان به‌عنوان یکی دیگر از عوامل موثر در تشدید خطر تلف شدن و نابودی گونه‌های جانوری و گیاهی کشور هم مورد اشاره اکبری قرار گرفت و گفت: «سازمان محیط زیست در حال حاضر دارای حدود ۳۰۹ منطقه چهارگانه به مساحت ۱۸ میلیون هکتار است. حدود ۲۸۰ هزار هکتار عرصه نیز توسط بخش خصوصی مدیریت می‌شود، با این حال، سازمان حفاظت محیط زیست در کل کشور کمتر از ۳۰۰۰ محیط‌بان دارد و به لحاظ خودرویی و وسایل نقلیه با مشکل مواجه است آن هم در حالی که سالانه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ لاشه پستانداران وحشی از شکارچیان کشف می‌شود.» این مقام مسوول اخیرا هم در گفت‌وگو با روزنامه جام‌جم و در تشریح خسارات وارد شده بر محیط زیست کشور گفته بود: «بیشترین آسیب را در بحث تنوع ژنی دیده‌ایم. وقتی می‌گوییم از ۱۰۰ هزار راس آهویی که در دشت‌های کشور وجود داشت، اکنون حدود ۲۰ هزار راس باقی‌مانده یعنی بخش زیادی از تنوع ژنی را از دست داده‌ایم. جمعیت گونه‌های برجسته ما مثل کل، بز، قوچ، میش و گورخر حدود ۲۰۰ هزار راس برآورد می‌شود. این عدد به نظر درشت است اما به نسبت جمعیت‌هایی که اواخر دهه ۱۳۳۰ داشتیم به کمتر از یک پنجم رسیده و به عبارت دیگر چهار پنجم جمعیت این گونه‌ها را از دست داده‌ایم. جمعیت پلنگ‌ها شاید به لحاظ عددی نسبت به یوزپلنگ مناسب باشد اما این گونه نیز بخش زیادی از تنوع ژنی‌اش را از دست داده، زیرا زیستگاه‌های پیوسته‌ای که داشته از بین رفته است.» اکبری در این گفت‌وگو همچنین تاکید کرده بود: «ریشه برخی مشکلات ما در تخلفات صید و شکار در نقاطی مثل مازندران به فقر و بیکاری و البته بخشی نیز به فعالیت مافیا برمی‌گردد و مدیریت این موارد از توان سازمان خارج است.»

بیمه طبیعت کشورمان را از دست داده‌ایم

به دنبال آمارهای تکان‌دهنده‌ای که یک مسوول دولتی درباره افزایش تعداد گونه‌های جانوری و گیاهی در معرض انقراض در ایران اعلام کرد، دبیر سابق مجمع کنوانسیون تنوع زیستی کشور هم گفت که دخالت‌های انسانی از عوامل مهم تخریب اکوسیستم بوده است. هادی کیادلیری، در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه تنوع زیستی حکم بیمه را برای طبیعت دارد، بر این نکته تاکید کرد که «هر قدر تنوع زیستی بیشتر باشد، آینده آن اکوسیستم بیشتر حفظ می‌شود.» کیادلیری با ذکر مصداق‌هایی از نتایج غیرقابل جبران انقراض و تخریب گونه‌های جانوری و گیاهی در ایران گفت: «تنوع زیستی در ایجاد درآمدهای اقتصادی برای بشر و تداوم اکوسیستم موثر است. اگر گونه‌های متفاوتی نداشته باشیم، حشرات نمی‌توانند در فصول مختلف به حیات خود ادامه دهند. اگر میوه‌های مختلف نداشته باشیم نیز حیوانات نمی‌توانند زنده بمانند. بسیاری از حیوانات در طبیعت بذرافشانی می‌کنند و موجب توزیع بذر در طبیعت می‌شوند. یکی از دلایلی که بلوط ایرانی کمتر بذرافشانی می‌کند، کم شدن سنجاب ایرانی است که بذر بلوط را در طبیعت پخش می‌کرد. یکی از دلایلی که بذر بعضی درختان پراکنده نمی‌شود، کاهش جمعیت بعضی پرندگان است. طبق مطالعات انجام‌شده، تنوع ژنتیکی بعضی از گونه‌ها در شمال کشور مثل «راش» کم شده و این به دلیل کاهش جمعیت موشی است که بذر آن را در مناطق مختلف دفن می‌کرد و این بذرها جوانه‌زنی و رشد می‌کردند.»

نگاه کارشناس

گرمایش زمین و توفان گردوخاک در میان رودان: چاره ایران چیست؟

مهدی زارع

نگارنده در هفته گذشته در سفری به کشور عراق با ابعاد گوناگونی از مساله توفان گرد و خاک در این کشور آشنایی اولیه میدانی یافت. پروازها به دلیل دید ضعیف در فرودگاه‌های بغداد و شهر مقدس نجف متوقف شدند و انتظار می‌رود این پدیده در هفته پیش رو نیز احتمالا تکرار شود. رانندگان به دلیل دید کم هنگام توفان در بغداد چراغ‌های جلو را روشن کردند. دید کمتر از ۵۰۰ متر ذکر شد. بیمارستان‌های نجف ۶۳ نفر را که در نتیجه توفان دچار مشکلات تنفسی بودند، پذیرفتند. ۳۰ بستری دیگر در استان عمدتا بیابانی انبار در غرب کشور گزارش شد. عراق در ماه فروردین ۱۴۰۱ با مجموعه‌ای از این توفان‌ها آسیب فراوان دید که پروازهای بغداد، نجف و اربیل را متوقف و ده‌ها نفر را در بیمارستان بستری کرد.

این پدیده آب و هوایی به دلیل خشکسالی، بیابان‌زایی و کاهش بارندگی به‌طور فزاینده‌ای تکرار می‌شود. عراق به ویژه در برابر تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیر است، زیرا در سال‌های اخیر شاهد بارندگی کم و دمای بالا بوده است. این عوامل تهدیدی برای ایجاد فاجعه اجتماعی و اقتصادی در این کشور آسیب‌دیده از جنگ است.

میانگین دما در عراق در طول قرن گذشته بین یک تا ۲ درجه سانتیگراد افزایش یافته، در حالی که گرمای شدید در حال افزایش است، بارش‌ها در جنوب شرق کشور روندی نزولی دارد. پیش‌بینی می‌شود که میانگین دمای سالانه تا سال ۲۰۵۰ تا ۲ درجه سانتیگراد بیشتر افزایش یابد، در حالی که پیش‌بینی می‌شود میانگین بارندگی سالانه ۹ درصد کاهش یابد. در بصره، دمای تابستان از حدود ۴۰ درجه سانتیگراد در تابستان فراتر نمی‌رفت. امروز، دمای بیشینه از ۵۰ درجه سانتیگراد فراتر می‌رود. بصره به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای خاورمیانه، به‌ویژه خلیج فارس، به عنوان یک بندر بزرگ در دلتا، دو رودخانه بزرگ دجله و فرات، تاریخی طولانی دارد. این شهر به عنوان دومین شهر بزرگ عراق در حدود ۷۰ سال گذشته افول کرده و به تدریج در وضعیت نابسامانی قرار گرفته است. بسیاری از تاثیرات و آسیب‌ها بیشتر به زیرساخت‌ها و عملیات بصره ناشی از تخریب داخلی و «خودساخته» به دلیل بی‌میلی مدیران این شهر است و اثر رویدادهای اقلیمی بیرونی را بیشتر کرده است. نرخ بالای رشد جمعیت در استان بصره به بیش از ۳ درصد و عدم سرشماری دقیق نفوس در سال‌های اخیر موانع مهمی برای برنامه‌ریزی اقلیمی مناسب است. زمین‌ها برای زیرساخت‌های بهره‌برداری نفت یا سایت‌های باستان‌شناسی در نظر گرفته شده است. این مشکلی است که کمابیش در تمام عراق در امکان بهره‌برداری از زمین‌ها وجود دارد. زمین‌های مختلفی به دلیل احتمال وجود مخازن هیدروکربوری مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد.

یکی دیگر از مسائل مهمی که باعث تضعیف محیط زیست می‌شود، شوری خاک و آب است که از دیرباز یک مشکل گسترده در عراق بوده است. بیش از ۵۰ درصد از آب مصرفی در عراق از ترکیه، سوریه و ایران سرچشمه می‌گیرد. شیوه‌های مدیریت منطقه‌ای و ملی آب منجر به رسیدن آب کمتری به جنوب عراق در رودخانه‌های دجله و فرات شده است. این رودخانه‌ها از یکی از خشک‌ترین مناطق منطقه عبور می‌کنند. تبخیر اگرچه عامل اصلی نیست، اما در افزایش شوری نقش دارد.

هنگامی که سطح آب این رودخانه‌ها کاهش می‌یابد، آب دریا از شط‌العرب/اروندرود بیشتر می‌شود و به کانال‌های آبیاری که برای کشاورزی و دامداری استفاده می‌شود، می‌رود.

توفان‌های شن یا گرد و غبار نیز به طور چشمگیری افزایش یافته‌اند که تا حد زیادی به دلیل تخریب خاک سطحی است. بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۹۰، به طور متوسط ۲۴ روز در سال با توفان گرد و غبار در عراق رخ می‌داد، در حالی که این میزان در سال ۲۰۱۳ به مدت ۱۲۲ روز بود. عراق ممکن است تا سال ۲۰۵۰ با کاهش ۲۰ درصدی منابع آب به دلیل تغییرات اقلیمی و در دهه‌های آینده با «۲۷۲ روز گرد و غبار» در سال مواجه شود.

زمانی که باران یا پوشش گیاهی کافی وجود نداشته باشد، لایه‌های سطحی خاک فشرده‌تر می‌شوند، به این معنی که احتمال گرد و غبار یا توفان‌های شن افزایش می‌یابد. این رویدادهای اقلیمی به بیابان‌زایی کمک می‌کند. خاک حاصلخیز در حال تبدیل شدن به بیابان است. مناطق حاصلخیز تاریخی در جنوب عراق در حال از بین رفتن هستند. در بندر فاو، زمین‌های قابل کشت از ۷.۵ کیلومتر مربع به حدود ۴ کیلومتر مربع کاهش یافته است. بیابان‌زایی در جنوب بخش کشاورزی را که قبلا بخش قابل توجهی از جمعیت را به کار می‌گرفت، از بین برده است. هنگامی که مردم نمی‌توانند برای امرار معاش خود به زمین تکیه کنند، برای جستجوی شغل به مناطق شهری مانند بغداد، بصره، کربلا یا نجف مهاجرت می‌کنند. جمعیت شهر بندری فاو طی چهار دهه از حدود ۱۰۰ هزار نفر به حدود ۵۰ هزار نفر کاهش یافته است، زیرا مردم به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کرده‌اند.

شوری آب و خاک برای محصولات زراعی مردم و حیوانات مضر است زمانی که این مشکل را به سطوح بالای سایر آلاینده‌های موجود اضافه کنید، یک خطر واقعی برای سلامت عمومی است. در سال ۲۰۱۸، بیش از یکصد هزار نفر در استان بصره با علایم مربوط به کیفیت پایین آب در بیمارستان بستری شدند.

در سال‌های اخیر، تعداد روزهایی که تهران از کیفیت هوای پاک و سالم برخوردار بوده است را می‌توان با انگشتان یک دست شمارش کرد. اما در سومین جمعه فروردین ۱۴۰۱ برای اولین بار در تاریخ، شهر تهران حتی از پکن، دهلی یا هانوی آلوده‌تر بود. بدتر شدن شدید کیفیت هوا در این آخر هفته با توفان‌های گرد و غبار در عراق، سوریه و عربستان سعودی مرتبط است. «کمی بارندگی» در شهرهای استان تهران، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خوزستان، البرز، زنجان، قزوین و قم بر این مشکل افزوده است.

پروژه‌های سدسازی در ترکیه و ایران باعث کاهش شدید آب ورودی به تالاب‌های عراق شده است. هنگامی که رطوبت خاک از بین می‌رود، ذرات بسیار ریزی که در طول قرن‌ها در بسترهای آبی ته‌نشین شده‌اند، می‌توانند به راحتی توسط جریان هوا منتقل شوند. این ذرات کوچک‌تر از دومیکرون هستند و در نتیجه، حتی یک وزش معمولی هوا می‌تواند آنها را به مسافت‌های طولانی منتقل کند. برنامه‌ای جامع و مشترک با شرکت کشورهای ایران، عراق و ترکیه برای کنترل بحران اقلیمی حاضر ضروری است.

آسیب اجتماعی

اما و اگرهای یک قانون از نگاه مردم و کارشناسان

فرزندآوری به اجبار یا اختیار

آزاده سلیمان‌نژاد | کارشناسان بر این باورند ۸ سال آینده آخرین فرصت جمعیتی ایران برای فرار از پیری است و در صورتی که از این زمان طلایی برای فرزندآوری و افزایش جمعیت استفاده نشود، پنجره‌های جمعیتی بسته می‌شود و جامعه با سرعت بیشتری به سمت چالش پیری حرکت خواهد کرد. پیشینه طرح جوانی جمعیت در کشور ما به ۲۸ خرداد ۱۳۹۲ باز می‌گردد. در آن زمان مجلس طرحی را تحت عنوان طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده با هدف افزایش نرخ باروری به حداقل ۲.۵ فرزند به ازای هر زن با ۵۰ ماده از سوی نمایندگان تهیه و اعلام وصول کرد، سرانجام قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در تاریخ نوزدهم آبان ماه ۱۴۰۰ با اجرای آزمایشی به مدت هفت سال به تصویب مجلس رسید. البته در این طرح وجود یک ماده قانونی حرف و حدیث‌هایی با خود داشته است. بر اساس ماده ۵۱ این قانون هرگونه توزیع رایگان یا یارانه‌ایی اقلام مرتبط با پیشگیری از بارداری و کار گذاشتن اقلام پیشگیری و تشویق به استفاده از آنها در شبکه بهداشتی درمانی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی ممنوع است و البته این ماده قانونی یک تبصره هم داشت و آن اینکه هر گونه ارایه داروهای جلوگیری از بارداری در داروخانه‌های سراسر کشور و شبکه بهداشت و کار گذاشتن اقلام پیشگیری، باید با تجویز پزشک باشد. اقتصاد آنلاین در بهمن ۱۴۰۰ نوشت: «چند تن از نمایندگان مجلس با اشاره به بحران جمعیت در کشور اعلام داشتند که اگر این تصمیم اتخاذ شد، تنها به دلیل افزایش جمعیت بوده است. اما سوالی که مطرح می‌شود، این است که افزایش جمعیت به چه قیمتی؟ آیا در پشت تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، تفکری هم وجود دارد؟» این طرح اما و اگرهای فراوانی دارد؛ از مدت‌ها قبل زمزمه‌هایی مبنی بر برداشتن اجبار غربالگری در این طرح، هیاهوی فراوانی را در جامعه ایجاد کرد. کبری خزعلی، رییس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده در شورای عالی انقلاب فرهنگی از مبلغان افزایش جمعیت و از مخالفان دخالت پزشکی و سقط جنین است. فرار و اواخر دی ماه ۹۹ نوشت: خزعلی توییتی بحث‌برانگیز درباره حذف غربالگری اجباری زایمان منتشر کرد که بازتاب و واکنش‌های فراوانی در پی داشت. البته او پس از انتقادات شدید توییت خود را حذف کرد، خزعلی نوشته بود: «عرض تبریک به مادران و پرسنل خدوم وزارت بهداشت بالاخره با تلاش برخی نمایندگان انقلابی مجلس اجبار به غربالگری توسط مادر و پزشکان با تجویزهای غیراستاندارد و غیرمتقن علمی (که باعث قتل جنین می‌شد) برداشته شد. حالا دیگر هیچ پزشک و مادری مجبور به غربالگری و کشتن جنین نیست.» بنا به گفته اقتصاد آنلاین نتیجه چنین تصمیمی این گونه خواهد شد که اقشار پردرآمد که از رفاه برخوردارند، همچنان می‌توانند ابزار جلوگیری از بارداری خریداری کنند و آن قشری که از این تصمیم تاثیر خواهد گرفت، اقشار ضعیف و کم‌درآمد خواهند بود، چراکه کودکانی که در این خانواده‌ها متولد می‌شوند، دسترسی مناسبی به آموزش، بهداشت و... نخواهند داشت. در این بین بسیاری از مردم معتقدند که چنین طرح‌هایی هیچ دردی از جمعیت دوا نخواهد کرد. آنها می‌گویند در کشوری که در برخی نقاط ابتدایی‌ترین مایه حیات یعنی آب یا هوای سالم وجود ندارد همچنین در بعضی نقاط مدرسه وجود ندارد، این راه‌حل ماجرا نخواهد بود. به گفته عده‌ای نیز با وجود اقتصاد نابسامان این روزها که تورم و گرانی همچنان در حال افزایش است ما اگر بتوانیم شکم زن و فرزندی را که آورده‌ایم سیر کنیم هنر کرده‌ایم، چرا باید با تولد کودک دیگر او را درگیر مشکلات‌مان کنیم. یک آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است، چنین بحران‌هایی نیازمند ریشه‌یابی ماجراست. به گفته افشین طباطبایی ریشه مساله جمعیت را باید در اقتصاد جست‌وجو کرد. تا زمانی که تورم، بیکاری، مشکلات مسکن و... جامعه را فرا گرفته، طرح‌ها و تصمیمات اینچنینی نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه به بار مشکلات نیز خواهد افزود. بهتر است که دولت به جای طرح‌های اینچنینی برای حل مشکل جمعیت، به اقتصاد و معیشت مردم توجه کند. با ثبات اقتصادی مردم خود به سمت ازدواج و فرزندآوری پیش خواهند رفت. این پژوهشگر افزود: پرواضح است سیاست‌های جمعیتی و برنامه‌ها و راهکارهای مربوط به آن به نتیجه نرسیده که وزارت بهداشت با تصویب مجلس قانون ممنوعیت فروش وسایل پیشگیری از بارداری را به تصویب رسانده. به گفته طباطبایی آب از سرچشمه خراب است. او ادامه داد: این تفکر اشتباه است که با ممنوعیت فروش وسایل پیشگیری از بارداری می‌توان به افزایش جمعیت کمک کرد، بلکه تجربه نشان داده هر محدودیتی نتیجه معکوس داشته همانند اینکه سیاست حجاب اجباری در جامعه از سال‌ها قبل نه تنها به نتیجه نرسید، بلکه سبب افزایش بدحجابی و برخی آسیب‌های مربوط به آن در جامعه شد. به گفته این محقق ممنوعیت فروش لوازم پیشگیری از بارداری نتیجه‌ای جز افزایش بیماری‌های زمینه‌ای، سقط‌های زیرزمینی، همچنین رونق بازار مافیا و دلالان اقتصادی از راه فروش وسایل پیشگیری از بارداری به صورت قاچاق نخواهد داشت. طباطبایی معتقد است: قربانیان این قانون زنان هستند و از آنجا که زن محور خانواده در جامعه ایرانی است به تبع در این مسیر همسر و فرزندان نیز دچار آسیب می‌شوند. افشین طباطبایی گفت: بهتر است مسوولان بپذیرند که مسائلی از این دست که مربوط به زنان است، مقولاتی جامعه‌شناختی، فرهنگی و جنسیتی است بنابراین باید واگذار شود به کارگروه‌های تخصصی که بتوانند این ویژگی‌ها را درک کنند و در بستری به دور از سیاست پیچیدگی‌های موضوع را مورد واکاوی و بررسی قرار دهند و مسوولان نیز باید در تعامل با این کارگروه‌ها و متخصصین سیاست‌های دولت را پیش ببرند. او گفت: چنانچه دولت بر گسترش زیرساخت‌ها و امکانات اهتمام ورزد و اوضاع نابسامان اقتصادی را سامان دهد، مردم خواهند توانست به دور از دغدغه‌ها و مشکلات معیشتی به فرزندآوری فکر کنند، چراکه علاقه به تعدد فرزندان از دیرباز در تفکر مردم کشورمان بوده است.

پیشخوان
Pishkhan.com

اعتماد
info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

■ صاحب امتیاز و بنیانگذار: الیاس حضرتی
■ مدیرمسوول: بهروز بهزادی
■ زیر نظر شورای سردبیری
■ معاون اجرایی: حجت طهماسبی
■ مشاور مدیر مسوول: محمد حضرتی
■ نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
■ تلفن خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ نمابر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲

■ اذان ظهر: ۱۳/۰۱ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۰۹ ■ اذان مغرب: ۲۰/۳۰ ■ اذان صبح فردا: ۴/۱۱ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵/۵۳

فراخوان روز

مسابقه ادبی صادق هدایت

فراخوان بیست‌ویکمین مسابقه ادبی «صادق هدایت» منتشر شد.
در این فراخوان آمده است: «بیست‌ویکمین سال مسابقه داستان کوتاه‌نویسی «صادق هدایت» از اول خردادماه ۱۴۰۱ آغاز می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در این رقابت بیست‌ویک‌ساله شرکت کنند.
شرایط شرکت در این رقابت ادبی بدین شرح است: هر نویسنده می‌تواند تنها یک داستان کوتاه منتشرنشده و کاملاً بکر خود را که مورد هیچ‌گونه استفاده‌ای قرار نگرفته برای شرکت در مسابقه ارسال کند. ارسال بیش از یک داستان پذیرفته نمی‌شود.
داستان ارسالی نباید از هزار کلمه کمتر و از چهارهزار کلمه بیشتر باشد و از طریق آدرس ایمیل ذیل قابل ارسال است.
دفتر صادق هدایت می‌تواند با همکاری ناشران داخل یا خارج از کشور مجموعه بهترین داستان‌های مسابقه را چاپ و منتشر کند.
در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر به یکی از روش‌های زیر تماس بگیرید:
دفتر هدایت: صبح‌ها تماس با شماره ۲۲۵۵۶۶۰۷-۰۲۱
ایمیل:
jahangirhedayat@gmail.com

گردون

ابراهیم عمران

آن مرد و روزگار تکرار نشدنی

هیچ وقت در فکرمان هم خطور نمی‌کرد به سنی برسیم که مرجعی شویم برای دو نسل قبل‌تر. آن هم بخواهند که دوره‌ای خاص از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران را، دست‌کم نه تحلیل که تعریف کنیم. از این جهت فعل جمع به کار می‌برم که در جمعی ۲۵ سال کوچک‌تر از خودم و دوستم بودیم. نسلی که هیچ شناختی از دهه میانی هفتاد نداشت. این اندازه‌ای که پرسش داشت؛ نه از کنجکاوی‌شان، بلکه صرفا سر صحبت باز کردن درباره موضوعی دیگر بود که لاجرم بحث دغدغه‌های آنان در این سن و دغدغه ما در آن سال‌ها و سن امروزشان بود. به آنها گفتم در سن شما ما دلبسته مردی شدیم از تبار لبخند؛ از معممی که شیک‌پوش بود. کلام را به درستی ادا می‌کرد. در یک کلام سید و آقای جنتلمن ما بود. گفتیم در خرداد ۷۶ در مسجدی در آمل، منتظر اتوبوس خاتمی بودیم.
پرسیدند چرا اتوبوس؟
گفتیم گعده تبلیغاتی‌شان اتوبوسی بود و بس که به جغرافیای ایران سفر می‌کرد. گفتند چه شد که سمپات‌شان شدید؟ گفتیم سمپات نشدیم. بدتر و سخت‌تر از آن شدیم. ما دلبسته و دلداده‌اش شدیم. کلام و حرفی نو، انگار داشت.
هر چند سن‌مان قد نمی‌داد کلام و بیان غیر آن را درک کرده باشیم. نوعی ویروس سیاست در بدن‌مان جاری شد. تو گویی ضعیف و قوی بسان کرونای بدسگال امروزی. خواه‌ناخواه درگیرش می‌شدی. اما این ویروس کشنده نبود. راه برنده بود.
نقشه راهی بود دلپذیر و دلپسند. یا دست‌کم ما این شکلی ترسیمش کرده بودیم. پرسیدند از روزی که به آمل و مسجد امام رضا آمدند؛ چه در خاطر داریم؟ گفتیم جمعیت از دو یا سه ساعت قبل در مسجد منتظر بود. جو خوشایندی بود. آن هم در شهری که به واسطه نامزد رقیب، انتظار می‌رفت آرا به سمت او سرازیر شود. هر چه بود قبله آن سیاستمداران آن روزی که حالیه حتی دستی بر آتش هم ندارند؛ سید یزدی نبود. اتوبوس رسید. یاران خاتمی که نمی‌شناختیم‌شان وارد شدند. پیش قلیانی‌ای برگزار شد و در رسای او صحبت‌هایی. نوبت به خودش رسید.
بی‌تکلف پشت تریبون رفت. به خاطر دارم عبایی خوشرنگ پوشیده بود. صحبتش را از احترام به مخالف آغاز کرد. از اینکه آمده تا همه حرف بزنند. جمعیت شعار می‌داد: حی علی خیر العمل/ خاتمی مرد عمل/ به ناگهان از میان جمعیت عده‌ای شروع به پرخاش و ناسزایی کردند. افرادی خاص با پوششی خاص‌تر از منطقه‌ای که نامزد رقیب مسقط الراسش آنجا بود.
جمعیت طرفدار خاتمی آماده پاسخگویی شدند. بیم برخورد می‌رفت. کما اینکه در میتینگ‌های دیگر این صحنه‌ها بارها دیده و شنیده بودیم! حتی ابزار و سلاح سرد هم زیر کت آن مخالفان دیده می‌شد! ولی سخنان این مرد «تکرار ناشدنی» جو را آرام کرد. خاتمی گفت من آمده‌ام که این جماعت هم حرف بزنند، نقد کنند، ایراد بگیرند. ما باید اجازه بدهیم همه حرف بزنند در چارچوب قانون. پس اجازه بدهید این دوستان هر نقدی دارند؛ انجام بدهند. وصف آن لحظه مسجد نانوشتنی است.
به حدی همه آرام شدند و از همه بیشتر این مخالفان که دیگر تا پایان مراسم صدایی از آنها شنیده نشد. به شخصه شاهد بودم در پایان مراسم خیلی از آنها می‌گفتند رای‌شان دیگر نامزد رقیب نیست. آری به همین سادگی مهر ایشان بر دل‌ها می‌نشست.
او آمده بود تا سیاستی نو درانگیزد. هر چند داعیه سیاسی کاری نداشت. صحبت که بدین جا رسید؛ آن نوجوانان امروزی پرسیدند بعدش چه شد؟ گفتم بعد آن دیگر باید بروید و بخوانید. در تعریف نمی‌گنجد. اصولا نمی‌توان فرد و دوره خاصی را سیاه و سفید دید. خاکستری دیدن نیز هنری است. دست‌کم یاد بگیرید.
در دوره ما این نگاه منصفانه نبود. اجازه رشدش را ندادند. هشت سال تلاش شد که چنین شود. ولی به هر حال نشد. ولی یاد آن مرد و گفته‌هایش برای نسل ما خاطره شد. آن دوره دست‌کم برای ما هیچ دستاوردی نداشته باشد؛ ادب و منطق و کلام نیکو را دیدیم و شنیدیم.
پایان سخن ما؛ هر چند آغازی برای آن دوستان جوان در باب سیاست‌ورزی نبود و حتی تلنگری هم وارد نکرد؛ چراکه سطح دغدغه‌ها فرق داشت ولی حسرتی در چهره‌شان موج می‌زد که مگر می‌توان ۲۵ سال گذشته باشد و آن مرد هنوز هم در یادها بماند با همه مسائلی که بدان آگاهیم...!
فقط این بیت سید علی همدانی را برای‌شان خواندم که: هر که ما یاد کرد ایزد مر او را یاد باد/ هر که ما را خوار کرد از عمر برخوردار باد/

جهان؛ خارج از مرزها

محمود فاضلی

راهپیمایی صلح «مارش میرا»

راهپیمایی صلح «مارش میرا» شهر سربرنیتسای بوسنی و به مناسبت شهادت بیش از ۸ هزار مسلمان بی‌گناه و غیرنظامی در ۱۱ جولای سال ۱۹۹۵ به دست صرب‌ها امسال نیز در یازدهم جولای ۲۰۲۲ (۲۰ تیرماه ۱۴۰۱) در سارایوو برگزار خواهد شد. اخیرا مسوولان کمیته راهپیمایی صلح و کمیته پشتیبانی لجستیک به همراه نمایندگان نیروهای مسلح بوسنی و هرزگوین و نهادهای مربوطه پلیس و دفاع غیرنظامی از محل اردوگاه‌های شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی بازدید کردند. در دو سال گذشته با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا تعداد شرکت‌کنندگان در این رویداد محدود شده بود، اما در سال جاری پس از لغو پروتکل‌های بهداشتی بین ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر در راهپیمایی امسال حضور خواهند داشت. این مراسم همه ساله به صورت خودجوش از سوی افراد و گروه‌های مختلف و خانواده بازماندگان کشتار سربرنیتسا در بوسنی برگزار می‌شود. راهپیمایی مارش میرا حرکتی نمادین و بزرگ است که برای یادبود کشتار عظیمی که در ماه جولای سال ۱۹۹۵ در سربرنیتسا رخ داد، برگزار می‌شود. یوگسلاوی سابق به عنوان بزرگ‌ترین قدرت شرق اروپا بعد از شوروی سابق، به یک جنگ داخلی کشیده و منجر به کشتار شهروندان مسلمان این کشور شد. بعد از گذشت ۲۷ سال، هنوز گورهای دسته‌جمعی پیدا می‌شود. دردناک‌ترین کشتار در شهر سربرنیتسا اتفاق افتاد. در آنجا نیروهای پاسدار صلح هلندی محافظ مردمان بی‌دفاع این شهر بودند، ولی نیروهای صرب این شهر را محاصره کردند. مردم به مقر نیروهای سازمان ملل، پناه بردند. صرب‌ها بیش از ۸ هزار مرد و پسر نوجوان مسلمان را با اتوبوس از محدوده تحت حفاظت سازمان ملل خارج کرده و همه آنها را در اطراف شهر به قتل رساندند. در آن زمان تعدادی از جوانان که به مقر سازمان ملل نرفته بودند، چون به آنجا اعتماد نداشتند، از یک مسیر کوهستانی بسیار صعب‌العبوری به مسافت ۱۱۹ کیلومتر عبور کردند تا بتوانند فرار کنند. این مسیر به جاده مرگ معروف شد، چراکه بسیاری از آنها در این مسیر بر اثر حوادث مختلف جان خود را از دست دادند. فقط تعداد محدودی از آنها زنده ماندند. برگزاری هر ساله راهپیمایی «مارش میرا» یادبودی برای این افراد است که برای زنده ماندن این مسیر را انتخاب کردند و به نیروهای حافظ صلح اعتماد نکردند. پس از سال‌ها از گذشت جنگ خونین در بوسنی، ملی‌گرایان در صربستان بسیار تلاش می‌کنند، روایت دروغینی را در جنگ بالکان ارایه کرده و جنایات صرب‌ها را انکار کنند! آنها تلاش کرده‌اند در کتاب‌های درسی کودکان صرب، هیچ ارجاعی به رخدادهای سیاه جنگ بالکان نشود و جنایات جنگ بالکان را از حافظه تاریخ حذف کرده و حتی از مجرمان جنگی به عنوان قهرمان یاد کنند و در برخی موارد به آنها پست‌های نظامی هم داده می‌شود. مقامات بوسنی همچنان بر به رسمیت شناختن حقایق این کشتار، ادای احترام به همه قربانیان غیرنظامی، حمایت از بازماندگان، محاکمه قاطعانه عاملان کشتار مردم بوسنی، تضمین برگزاری مراسم بزرگداشت و علامت‌گذاری تمام مکان‌های وقوع جنایات در بوسنی به عنوان مکان‌های یادبود تاکید دارند. این درخواست مردم بوسنی در حالی است که شهرداری «براتوناتس» اخیرا تصمیم به بازسازی یکی از مکان‌های وقوع نسل‌کشی مردم سربرنیتسا گرفته که با اعتراضات گسترده‌ای مواجه شد. امروز آثار جنایات در حال از بین بردن است تا حق یادبود سلب شود. داستان کودکان حاصل از تجاوز جنسی در جنگ همچنان در هاله‌ای از رمز و راز باقی مانده و این کودکان به دلیل «لکه ننگ تجاوز» چیزی از گذشته و والدین خود نمی‌دانند. این کودکان هم‌اکنون در بوسنی با عنوان «کودکان نامرئی» شناخته می‌شوند. بر اساس تحقیقات برخی سازمان‌های غیردولتی، حدود ۲۵ تا ۵۰ هزار زن و دختر بوسنیایی در طول جنگ بوسنی مورد تجاوز سربازان دشمن قرار گرفتند و هیچ کس در مورد آمار کودکان متولد شده از این تجاوز جنگی اطلاعات موثقی ندارد. بیشتر کودکان حاصل از تجاوز در پرورشگاه‌های بوسنی رها شده و گذشته از آنها مخفی می‌شود.

تیتر مصور | جهان کرونا

نواک

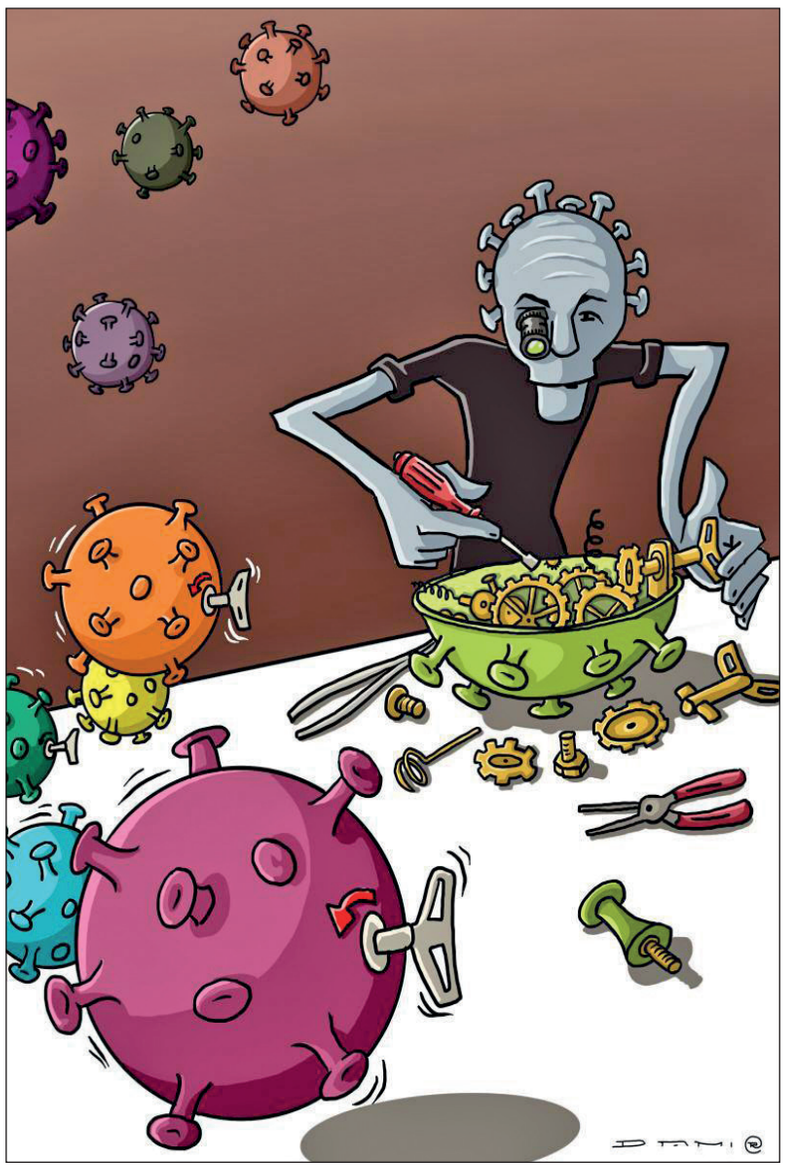

شوکران نوش

عشق به ملامت برخاست

عشق ورزیدم و عقلم به ملامت برخاست
کان که عاشق شد از او حکم سلامت برخاست
هر که با شاهد گلروی به خلوت بنشست
نتواند ز سر راه ملامت برخاست
که شنیدی که برانگیخت سمند غم عشق
که نه اندر عقبش گرد ندامت برخاست
عشق غالب شد و از گوشه‌نشینان ملاح
نام مستوری و ناموس کرامت برخاست
سعدی

پیشخوان
Pishkhan.com

امروز در تاریخ

مرتضی میرحسینی

روز آزادی در خرمشهر

سوم خرداد ۱۳۶۱ با از جان گذشتگی و تلاش ایرانیان، عراقی‌ها از خرمشهر عقب نشستند و شهری که ۱۹ ماه در اشغال خود داشتند را پس گرفتیم. روایت‌هایی از روز آزادسازی شهر ثبت شده که یکی از آنها روایت خبرنگار روزنامه کیهان است که همان روز، همراه با نیروهای ما وارد شهر شد و مشاهداتش را ثبت و گزارش کرد. بخشی از گزارش او را به نقل از نوزدهمین جلد از کتاب روزشمار جنگ ایران و عراق -که با عنوان «آزادسازی خرمشهر» منتشر شده است- می‌خوانیم.
«ما با پیشروی نیروهای دلاور اسلام در خرمشهر کوچه به کوچه می‌رفتیم. ابتدا وارد اولین فلکه شهر یعنی میدان راه‌آهن شدیم، ولی از میدان خبری نبود. از ساختمان بزرگ راه‌آهن و همچنین از بنای عظیم خانه جوانان شهر حتی خشتی برجای نمانده بود و من که بیش از ۳۰ سال در این شهر زندگی کرده بودم، نمی‌دانستم برای ورود به مرکز شهر می‌بایست از کدام طرف حرکت کنم. صدام و صدامیان عملی در شهر زیبای خرمشهر انجام داده بودند که نمونه‌اش را شاید در سرزمین‌های فلسطین هم نتوان دید. آنها به هیچ چیز رحم نکردند؛ خانه‌ها، خیابان‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، درخت‌ها و حتی آسفالت خیابان را کنده بودند. حاشیه و امتداد خیابان‌ها را کنده و نهرهای بزرگ ساخته‌اند. مغازه‌ها ویران و غارت شده‌اند و در خانه‌های مردم حتی شیر آب یا یک تکه سیم برق وجود ندارد. وسایل مردم به یغما برده شده و خانه‌های‌شان سوزانده شده است. بعضی از خانه‌ها هنوز می‌سوزد و از آنها دود بلند می‌شود و به دنبال آن صدای انفجار مهمات به گوش می‌رسد. گویا دشمن امروز قبل از ترک شهر و سنگرهای خود، آخرین صحنه‌های رذالت و پستی را به نمایش گذاشته است. با ویران کردن خانه‌ها و مصالح آن برای خود سنگر و خاکریز ساخته‌اند. خیابان‌های منتهی به کارون را به وسیله تلی از آجر و خاک چون کوهی بلند مسدود کرده‌اند.» راوی ادامه می‌دهد: «شناخت خیابان‌ها حتی برای من کاری بس دشوار است. برای دیدن شهر و گرفتن عکس به هر نقطه که می‌روم با راهی کور و بن‌بست روبه‌رو می‌شوم. نمی‌دانم چگونه خودم را به مسجد جامع برسانم. در تمام شهر و خیابان‌ها و بازار خرمشهر حتی یک تابلوی کوچک دیده نمی‌شود. به مسجد می‌رسیم. روی پله‌های مسجد پزشکیاری با دقت مشغول مداوای یک سرباز مجروح عراقی است و برای این کار چقدر حوصله به خرج می‌دهد. بچه‌های خرمشهر یکدیگر را در آغوش گرفته‌اند و از خوشحالی گریه می‌کنند. دور و بر مسجد غوغایی برپاست. گروهی روی گنبد رفته و پرچم جمهوری اسلامی را روی آن نصب می‌کنند... می‌خواهم سری به خانه‌ام بزنم. فاصله من تا آنجا دور نیست، ولی وحشتی عجیب وجودم را فرا گرفته است. به خود نوید می‌دهم که مگر اینکه خانه تو از میان هزاران خانه دیگر سالم مانده باشد. به خانه آمدیم. آنها همه چیزم را غارت کرده‌اند. در زیر خاک‌ها به دنبال شیئی کوچک می‌گردم که آن را به عنوان یادبود یا نشانه، نمی‌دانم به چه منظور، برای خانواده‌ام به ارمغان ببرم. کمی می‌گردم و در گوشه‌ای دو نعلبکی را می‌بینم. آنها را برمی‌دارم و خارج می‌شویم. در ساعت ۵ بعدازظهر، در مدخل شهر خون و شهادت مجددا تابلوی بزرگ و زیبایی نصب شده است که روی آن نوشته‌اند به خونین‌شهر خوش آمدید.»

خاطرات

یادی از تابستان ۵۷

منوچهر-محمدشمیرانی

تابستان ۱۳۵۷ بود. دانشجوی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی بودم و در سرویس گزارش روزنامه کیهان آن زمان کار می‌کردم.
تابستان ۱۳۵۷ بود. جامعه و آدم‌ها، سودای تغییر داشتند. گدازه‌های آتشفشان تغییرات اجتماعی، آرام آرام، این‌سو و آن‌سو دیده می‌شد.
مراسم چهلمین روز کشته‌شدگان حوادث چند شهر، بهانه‌ای برای تکرار تظاهرات و شعار دادن و درگیری‌های خیابانی بود. مردم، تازه داشتند با واژه‌هایی مانند تظاهرات و شعار دادن آشنا می‌شدند. ولی هنوز، ریتم زندگی عادی مردم، چندان تغییری نکرده بود.
با توجه به اینکه موج تظاهرات در شهر قم، بیش از شهرهای دیگر بود قرار شد برای تهیه خبر و گزارش و مصاحبه، چند روزی را به این شهر بروم.
پس از ورود به شهر قم، به سراغ نماینده کیهان رفتم و با همراهی او، از خانه آیت‌الله خمینی دیدن کردم و گزارشی هم، تهیه و ارسال نمودم. روزی دیگر، به شهر خمین رفتیم و سری به خانه قدیمی آیت‌الله خمینی در این شهر زدیم.
در آن زمان، هنوز ایشان در تبعید به‌سر می‌برد و آیت‌الله پسندیده -برادر ایشان- در این خانه زندگی می‌کرد، مصاحبه‌ای هم با آیت‌الله پسندیده انجام دادم که در روزنامه کیهان به چاپ رسید.
رخداد مهم این روزها، تماسی بود که از تحریریه روزنامه کیهان داشتند و خواستار آن بودند تصویری از آقای خمینی را تهیه و به سرعت، به روزنامه بفرستم. آن روزها، گشایشی در فضای کاری مطبوعات ایجاد شده بود و مطبوعات، پس از وعده‌های نخست‌وزیر وقت، سعی می‌کردند از فضای ایجاد شده، نهایت بهره را برای اطلاع‌رسانی آزاد و بدون سانسور ببرند.
به هر حال، با کمک نماینده کیهان در شهر قم، تصویری از ایشان به دست آورده و از طریق راننده ماشین روزنامه کیهان، به تهران فرستادیم. البته، یکی دو روایت دیگر نیز، در خصوص تهیه این تصویر و چاپ آن وجود دارد. ولی چیزی که مهم است نتیجه کار، انفجار یک بمب در فضای کار مطبوعاتی آن سال‌ها بود؛ تصویری که تا آن روز، به همراه داشتن آن، دردسرهای فراوانی برای شخص می‌توانست به دنبال داشته باشد به ناگهان، در تیراژی بالای یک میلیون نسخه، در قسمت چپ بالای نیم صفحه روزنامه کیهان به چاپ رسید و تمام کشور را شگفت‌زده کرد. روزنامه کیهان آن روز، تجدید چاپ شد و گفته می‌شد حتی در صف خرید روزنامه کیهان، دو سه نفری هم جان باخته‌اند! به هر حال، تیراژ روزنامه کیهان آن زمان، رکوردی تکرارنشدنی را ثبت کرد؛ رکوردی که هیچ‌گاه، هیچ روزنامه‌ای نتوانست تصور رسیدن به آن را داشته باشد.
البته، بخش اصلی کار من در آن چند روز، تهیه خبر و گزارش تظاهرات از شهر قم بود. در سال ۱۳۵۷، ماه رمضان در تابستان بود و به همین دلیل، تظاهرات مردم در ساعات شب و پس از افطار انجام می‌شد.
اصلی‌ترین خیابان شهر قم که در آن تظاهرات انجام می‌شد خیابان «چهار مردان» بود. ای کاش، آن زمان گوشی‌های دوربین‌دار امروزی اختراع شده بود و می‌توانستم تصاویر تظاهرات آن روزها را ضبط و حفظ می‌کردم.
نیروهای شهربانی در یک طرف و مردم هم در سوی دیگر، مستقر می‌شدند. مردم، شعار می‌دادند و پلیس، به سوی آنها می‌دوید و گاز اشک‌آور پرتاب می‌کرد. مردم فرار می‌کردند و در کمرکش خیابان، از طبقه بالای برخی خانه‌ها، کوکتل مولوتف به سوی پلیس پرتاب می‌شد.
این جنگ و گریز -مانند یک بازی هیجان‌انگیز!- دو سه ساعتی انجام می‌شد تا ساعت، به دو نیمه شب می‌رسید. در این زمان، فرمانده نیروهای پلیس، با بلندگو خطاب به مردم می‌گفت:
دیر وقت است و باید، سحری بخورید. بروید تا فردا شب! ناگهان، همه چیز فروکش می‌کرد؛ نه کسی شعار می‌داد. نه کسی گاز اشک‌آور پرتاب می‌کرد. نه کسی فرار می‌کرد و نه کسی، از آن بالا، کوکتل مولوتف می‌انداخت. مردم با نیروهای پلیس، خداحافظی می‌کردند، برای هم دست تکان می‌دادند و دسته دسته، در کوچه‌های خیابان چهارمردان گم می‌شدند تا شبی دیگر و شاید، یک بازی دیگر.

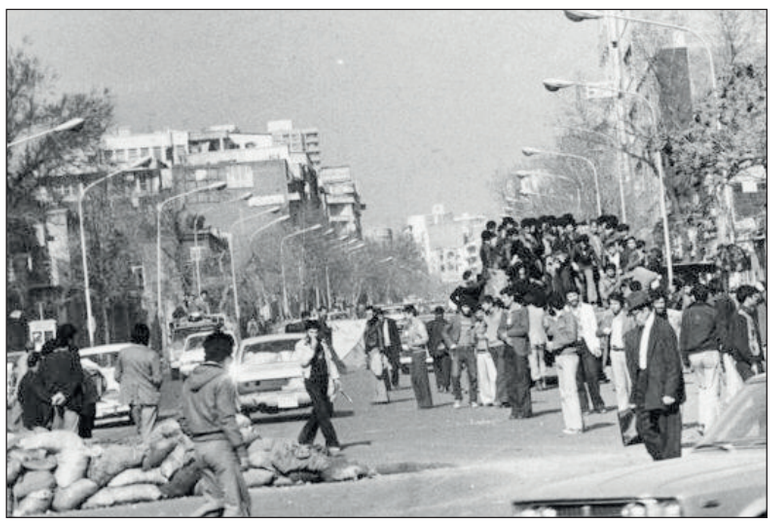

عکس‌نوشت

خبرگزاری مهر با انتشار مجموعه عکسی نوشت: «صادق اقدمی، با ایجاد باغ لاله در روستای اسپره خون در ۳۶ کیلومتری شمال تبریز، محیطی زیبا و آرامش‌بخش برای دوستداران طبیعت ایجاد کرده است. با توجه به اینکه گل‌های لاله فصلی است و عمر آنها کوتاه است، چند روزی نیز از رویش این گل‌ها می‌گذرد، لذا این مزرعه تا روز پنجشنبه این هفته پنج خرداد پذیرای علاقه‌مندان است».

هشتگ روز

#آیفون

آیفون نباشه در می‌زنیم

آیفون کالای لوکس شده و وارداتش ممنوع. خبری که در چهل و هشت ساعت گذشته هشتگ «آیفون» را در توییتر فارسی داغ کرده و آنچه می‌خوانید منتخبی از این توییت‌هاست.
«خب واردات آیفون فعلا ممنوع شد. تا هفته پیش پیشنهاد شگفت‌انگیز دیجی کالا بود»، «واردات گوشی آیفون ممنوع شده. برنامه‌نویس iOS گرسنه نمی‌مونه. بالاخره مجبور میشه بره یه کشوری که واسش ارزش قائل بشن. یکیشون هم بره بقیه رو ریفر می‌کنه، ولی واقعا فکر این بنده خداها رو نکردید؟ می‌دونید چقدر طول می‌کشه تا یه نفر توی این حوزه متخصص بشه؟»، «واردات آیفون رو ممنوع کردن که حواسمون از نداشتن پول خریدش پرت شه»، «آذری جهرمی: آخرین باری که تصمیم داشتند واردات آیفون را ممنوع کنند، یک شرکت حجم زیادی گوشی آیفون وارد کرده بود»، «واردات آیفون و گوشی‌های ۶۰۰ دلار به بالا که کلا ممنوع شد و دلیلش ارزبری ذکر شده، از آن سو قراره اجازه واردات خودرو بدن؟ ساده‌اید؟»، «واردات گوشی آیفون ممنوع شد و قیمت آن از ۳۸ میلیون تومان به ۵۵ میلیون تومان رسید... چگونه می‌توانید در روز روشن میلیارد میلیارد رانت ببرید سر سفره»، «سه ماه حقوقم و جمع کردم که گوشی مورد علاقه‌مو بخرم. (شاید بگین کار احمقانه‌ایه ولی خب با این پول کار دیگه‌ای هم نمی‌شد بکنم) که چند وقت قبل یه جهش قیمت داشت و مجبور شدم دوباره صبر کنم و امروز هم خبر رسید که واردات آیفون رو میخوان ممنوع کنن. واسه گوشی نه ولی واسه آرزوهام خیلی غمگینم»، «اونی که واردات آیفون رو ممنوع میکنه، نمی‌دونه راه دور زدن رجیستری وجود داره؟»، «واردات آیفون ممنوع شد. دقت کردین اصلا چیزی به اسم خبر خوب وجود نداره؟»، «خبر کوتاه بود: واردات تمامی مدل‌های آیفون به کشور ممنوع شد. سوال این است با این ممنوعیت و انحصارسازی بازار موبایل چه میزان رانت در اختیار انبارهای پر از آیفون فعلی قرار گرفت؟ چه میزان رانت در آینده به واردکنندگان برندهای چینی و کره‌ای تعلق خواهد گرفت؟»، «باز دوباره یک اقدام غیرکارشناسی از دولت. واردات آیفون ممنوع شد؛ اما مردم میتونن برن ترکیه مسافری بیارن و مثل قبل در گمرک هزینه رجیستری و... همین باعث خروج ارز بیشتر میشه. طرف به جای اینکه با ۱۰ میلیون مسافرت بره کیش، با ۹ میلیون میره ترکیه، خریدش هم میکنه»، «واردات آیفون ممنوع شد؟ خب با سنگ می‌زنیم به در»، «آیفون ۱۳ لوکسه و ممنوع ولی اس ۲۲ اولترا لوکس نیست و آزاد؟ جالبه»، «واردات آیفون که کالای لاکچری حساب میشه ممنوع شد، برندای دیگه که هم قیمت و حتی گرون‌تر از اپل هستند ولی همچنان وارد میشن»، «تصمیم‌گیری‌های احساسی؛ واردات گوشی آیفون ممنوع شد تا مثلا ارز حاصل از صرفه‌جویی در این بخش رو به کالاهای اساسی بدن. خب برادر بزرگوار تقاضا به سمت کالای جانشین یعنی سامسونگ خواهد رفت و علاوه بر اینکه قیمت گوشی بالا میره، واردات سامسونگ بالاتر خواهد رفت و دوباره مصرف ارز میره بالا»، «یک دولت هفته پیش مجوز واردات خودرو را می‌دهد، اما همان دولت هفته بعد ورود گوشی آیفون را به دلیل خروج ارز ممنوع می‌کند! این نوع تصمیم‌گیری در خوش‌بینانه‌ترین حالت شلختگی و در حالت بدبینانه جابه‌جایی رانت هست» و «هفته‌ای یه بار تو ایران واردات آیفون ممنوع میشه».